امام سجاد

حضرت علی بن الحسین زین العابدین

صحیفۂ کاملۂ سجادیہ

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه کامله سجادیه

نویسنده:

جمعی از راویان

ناشر چاپی:

پیام آزادی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صحیفه کامله سجادیه

مشخصات کتاب

سرشناسه:علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق.

عنوان قراردادی:صحیفه سجادیه .فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور:صحیفه کامله سجادیه/ امام سجاد حضرت علی بن حسین زین العابدین علیهماالسلام؛ ترجمه حسین انصاریان؛ ویرایش حسین استادولی.

مشخصات نشر:تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری:۳۱۶ ص.

شابک:۶۵۰۰ ریال ۹۶۴-۳۰۲-۲۶۵-X : ؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ هفتم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ هشتم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ نهم) ؛ ۱۴۰۰۰ ریال (چاپ یازدهم) ؛ ۱۴۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم) ؛ ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ نوزدهم) ؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ بیستم) ؛ ۲۲۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ بیست و چهارم) ؛ ۸۰۰۰۰ ریال (چاپ سی و دوم)

یادداشت:فارسی - عربی.

یادداشت:چاپ دوم و سوم: ۱۳۷۵.

یادداشت:چاپ پنجم: ۱۳۷۷.

یادداشت:چاپ ششم، هفتم و هشتم: ۱۳۷۸.

یادداشت:چاپ نهم و یازدهم: ۱۳۷۹.

یادداشت:چاپ دوازدهم: ۱۳۸۰.

یادداشت:چاپ چهاردهم: ۱۳۸۱.

یادداشت:چاپ هجدهم: مهر ۱۳۸۴.

یادداشت:چاپ نوزدهم و بیستم: ۱۳۸۵.

یادداشت:چاپ بیست و دوم: پاییز ۱۳۸۶.

یادداشت:چاپ بیست و چهارم : ۱۳۸۸.

یادداشت:چاپ سی و دوم: ۱۳۹۲.

موضوع:دعاها

شناسه افزوده:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -، مترجم

شناسه افزوده:استادولی، حسین، ۱۳۳۱ -، ویراستار

رده بندی کنگره:BP۲۶۷/۱ /ع۸ ص۱ ۳۰۴۱ ۱۳۷۴الف

رده بندی دیویی:۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی:م ۷۵-۴۵۳

ص :۱

اشاره

مقدمه در بیان اسناد صحیفهٔ سجادیه

استاد حسین انصاریان

حدیث کرد برای ما سیّد اجلّ نجم الدین بهاء الشرف، ابوالحسن، محمد بن الحسن فرزند احمد بن علی، فرزند محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - رحمت خدا بر او باد که گفت: خبر داد ما را شیخ سعید ابوعبداللّه محمد بن احمد بن شهریار، خزانه دار آستان مَلَک پاسبان مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در ماه ربیع الاول از سال ۵۱۶، در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من مستمع آن بودم، گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ راستگو، ابی منصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز عُکْبَری معدَّل، - رحمت خدا بر او باد - از ابوالمفضّل: محمّد بن عبداللّه بن مطّلب شیبانی، گفت: حدیث کرد ما را شریف ابوعبداللّه: جعفر بن محمّد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطّاب زیّات در سال ۲۶۵ گفت: حدیث کرد مرا دائیم: علی بن نعمان اعلم گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی، از پدرش متوکّل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش به وقتی که به سوی خراسان می رفت ملاقات

کردم و به حضرتش سلام نمودم، به من فرمود: از کجا می آیی؟ عرضه داشتم: از حج، پس مرا از حال اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و در پرسش از حال جعفر بن محمد علیه السلام مبالغه نمود، پس از حال آن حضرت و احوال ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام به او خبر دادم، یحیی فرمود: عمویم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید، آیا تو پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم: آری. گفت: آیا دربارهٔ من و وضع و کارم شنیدی چیزی بگوید؟ گفتم: آری، گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت گردم، علاقه ندارم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر تو بیان کنم، گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای، گفتم، از او شنیدم که: تو کشته می شوی و بدنت را به دار می آویزند، چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، پس چهره اش تغییر کرد و گفت: «خدایا هر سرنوشتی را خواهد محو می کند و یا ثبت می نماید و امّ الکتاب نزد اوست.» ای متوکّل همانا که حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و هر دو برای ما فراهم گشته و عموزادگان ما به دانش تنها اختصاص یافته اند، گفتم: قربانت گردم، من مردم را مشاهده کردم که به پسر عمویت حضرت صادق مایل ترند تا به تو و پدرت، گفت: همانا عمویم محمّد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به زندگی دعوت کرده اند و ما آنان را به مرگ خوانده ایم، گفتم: ای فرزند رسول حق! آیا ایشان داناترند یا شما، پس مدّتی دیده به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر یک از ما از دانش بهره ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما

می دانیم می دانند، ولی ما هر چه ایشان می دانند نمی دانیم، آنگاه به من گفت: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته ای؟ گفت: آری، گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم و دعایی را به او نشان دادم که حضرت صادق بر من املا فرموده بود و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املا فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین علیهما السلام از دعای صحیفهٔ کامله است، پس یحیی تا پایان آن را نظر کرد و گفت: آیا اجازه می دهی که نسخه ای از روی آن برداریم؟ گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می خواهی؟ پس گفت: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و مرا به نگاه داشتن و بازداشتن آن از نااهل سفارش فرموده. عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفت: به خدا قسم! ای پسر پیامبر خدا که من خدا را با محبّت و طاعت شما پرستش می کنم و امیدوارم که مرا در حیات و ممات به دوستی شما سعادتمند کند. پس صحیفه ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من برسان که شاید آن را از حفظ نمایم؛ زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که در حفظ خدا باد - می خواستم او آن را به من نمی داد. متوکّل گفت: من از کرده خود نادم شدم و نمی دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم، پس از آن یحیی جامه دانی را طلبید و صحیفهٔ قفل خوردهٔ مهر کرده ای را از آن خارج کرد و به مهر آن نظر نمود و بوسید و گریه کرد، سپس مهر را شکست و قفل را باز کرد، آنگاه صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر روی خود

مالیـد و گفت: به خـدا قسم! ای متوکـل اگر نبود مطلبی که در رابطه بـا کشـته شـدن و به دار آویختنم از پسـر عمویم حـدیث کردی، بـدون شـک این صـحیفه را به تـو نمی دادم و از تسـلیمش خـودداری می نمـودم ولی برای من روشن است که گفتـار حضـرت صادق علیه السـلام حق است و آن را از پـدرانش گرفته و به زودی صـحّت آن روشن خواهـد شـد و من ترسـیدم که چنین علمی به دست بنی امیه افتـد و آن را از دیـده ها بپوشاننـد و در خزانهٔ خویش برای خود ذخیره نمایند، پس آن را بگیر و مرا از پریشانی فکر نسـبت به آن آسوده کن و این امانت در نزد تو باشد و تو به انتظار بنشین تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد، این صـحیفه را به دو پسـر عمویم محمّـد و ابراهیم، فرزنـدان عبداللّه بن حسن بن حسن بن علی علیهما السلام برسان که آن دو نفر پس از من در مسئلهٔ قیام بر علیه بنی امیه قائم مقام منند. متوکّل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید به شـهادت رسـید به مدینه رفتم و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و قصّهٔ یحیی را برای آن جناب گفت، آن حضـرت گریست و فوق العاده بر یحیی انـدوهگین شد و فرمود: خدا عموزاده ام را رحمت کند و به پدرانش ملحق سـازد، بـه خـدا قسم! ای متوکّل مرا از دادن این دعـا به او منع نکرد مگر همـان سـبب که یحیی بر صـحیفهٔ پـدرش از آن می ترسید، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است، پس آن را باز کرد و فرمود:

به خـدا قسم! این خط عمویم زیـد و دعای جـدّم علی بن الحسـین علیهما السـلام است آنگاه به فرزنـدش فرمود: ای اسـماعیل! برخیز و آن دعـا را که به حفـظ و نگهـداریش تو را امر کردم بیـاور، پس اسـماعیل برخـاست و صـحیفه ای را که انگـار همان صحیفه ای است که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد، پس حضرت صادق علیه السلام آن را بوسید و بر چشم خود

نهـاد و فرمود: این خـط پـدرم و املای جـدم علیهما السـلام در حضور من است، عرض کردم: ای پسـر رسول خـدا! اگر اجازه دهی آن را بـا صـحیفهٔ زیـد و یحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: تورا برای این عمل شایسـته دیـدم، پس من آن دو را مقـابله کردم و دیـدم که هر دو یکی است و حتی در یک حرف هم با یکـدیگر اختلاف ندارنـد، سـپس از آن حضـرت اجازه طلبیدم که صحیفهٔ یحیی را بنا بر وصیّتش به عموزادگانش پسران عبداللّه بن حسن مستردّ دارم، فرمود: «خداوند شما را امر می کنـد که امانت ها را به صاحبانشان بازگردانیـد»، آری، آن را به ایشان بـده، چون برای زیارت آن دو برخاسـتم فرمود: بنشـین، سپس کسـی را به احضار محمّد و ابراهیم فرسـتاد، چون حاضـر شدند، فرمود: این میراث پسرعمویتان یحیی است از پدرش که شمـا را به جای برادران خود به آن اختصاص داده و ما را در خصوص آن با شـما شـرطی است، گفتنـد: بگوی، خداونـد تو را رحمت کند که سـخن تو مقبول است، فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید، گفتند: چرا؟ فرمود: پسر عموی شما دربارهٔ این صـحیفه از برنامه ای ترس داشت که من راجع به شـما به همان گونه ترس دارم، گفتند: او زمانی دربارهٔ این صحیفه ترسید که دانست کشـته می شود، امام صادق علیه السـلام فرمود: شـما نیز از این واقعه ایمن نباشـید؛ زیرا به خدا قسم من می دانم که شمـا به زودی خروج خواهیـد کرد چنـانکه او خروج کرد و به زودی کشـته خواهیـد شـد چنـانکه او کشـته شـد. پس از جـای برخاسـتند در حالی که می گفتند: لاحول و لاقوه الّا باللّه العلیّ العظیم. چون از نزد حضـرت صادق علیه السـلام بیرون رفتند به من فرمود: ای متوکّل! چگونه یحیی به تو گفت که عمویم محمـد بن علی و پسـرش جعفر مردم را به زنـدگی دعوت کردنـد، وما ایشان را به مرگ؟! گفت: آری – اصْلَحَکَ اللّه – عموزاده ات یحیی

چنین سخنی به من گفت، فرمود: خدا یحیی را رحمت کند، پدرم مرا از پدرش از جدّش از علی علیه السلام حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حالی که روی منبر بود، خواب سبکی ربود، پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش می جهند و مردم را به عقب (دوران جاهلیّت) برمی گردانند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره اش آشکار بود، پس امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «و ما رؤیایی را که در خواب به تو نمایاندیم و شجرۀ ملعونۀ در قرآن را قرار نداده ایم مگر برای آزمایش مردم؛ و مردم را بیم می دهیم ولی جز بر سرکشی آنان نمی افزاید» و مراد از شجرۀ ملعونه، بنی امیّه هستند. پیامبر فرمود: ای جبرئیل! آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ گفت: نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرتت به گردش می آید و تا ده سال می گردد، سپس بر سر سال سی و پنجم از هجرتت به گردش می افتد و تا پنج سال به آن صورت می ماند، آنگاه به ناچار آسیای ضلالت بر محور خود قائم خواهد شد و پس از آن پادشاهی فراعنه است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که: «به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است» که بنی امیّه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. سپس فرمود: پس خدای عزّوجلّ پیامبر علیه السلام را آگاه فرمود که بنی امیه قدرت و حکومت این امت را به دست می گیرند و مدت سلطنتشان برابر همین زمان است، پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها بلندی گیرند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومتشان حکم کند و بنی امیه در این مدت عداوت و کینۀ ما اهل بیت را شعار خود می نمایند، خداوند از آنچه در

مـدت حکومت بنی امیه بر اهـل بیت محمـد و دوسـتان و شـیعیانشان می رسـد به رسولش خبر داد، آنگاه حضـرت صادق علیه السـلام فرمود: و خـدا دربارهٔ بنی امیه وحی نازل فرمود که: «آیا ندیـدی کسانی را که نعمت خـدا را به کفر بـدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت افکندنـد دوزخ که در آن سـرنگون شونـد و بـد قرارگاهی است.»! و نعمت خـدا محمـد و اهل بیت آن حضـرتند که دوستی ایشان ایمـانی است که باعث ورود به بهشت است و دشـمنی ایشان کفر و نفاقی است که به جهنّم درمی آورد، پس رسول خـدا این راز را پنهـانی با علی و اهل بیتش در میان گـذاشت. متوکّل گفت: پس از آن حضـرت صادق علیه السـلام فرمود: احـدی از ما اهل بیت تا روز قیامت قائم ما برای دفع ظلمی یا به پا داشـتن حقّی (بـدون اذن امام یا بـدون نیروی لازم) خروج نکرده و نخواهـد کرد مگر آنکه طوفـان بلاـ او را از ریشه برکنـد و قیـامش موجب افزایش غصّـهٔ ما و شـیعیان ما گردد. متوکّل گفت:

آنگاه حضرت صادق علیه السلام دعاهای صحیفه را بر من املا فرمود و آن هفتاد و پنج باب بود که من به حفظ یازده باب آن توفیق نیافتم و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم. (عکبری گوید:) و حدیث کرد ما را ابوالمفضّل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن ابن روزبه ابوبکر مداینی کاتب ساکن رحبه در خانهٔ خودش، گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسـلم مطهّری، گفت: حـدیث کرد مرا پـدرم از عمیر بن متوکّل بلخی از پـدرش متوکّل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السـلام را ملاقات نمودم – سـپس حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق از پدرانش – که درود خدا بر آنان باد – روایت کرد بیان کرد و فهرست ابواب دعا در روایت مطهّری چنین است:

۱.دعای آن حضرت در ستایش خدای عزوجل۲.دعای آن حضـرت بر محمّد و آل محمّد۳.دعای آن حضرت بر حاملان عرش۴.دعای آن حضرت بر آنان که به پیامبران ایمان آورده اند ۵.دعای آن حضرت برای خود و نزدیکانش ۶.دعای آن حضرت به وقت صبح و شام۷.دعای آن حضرت به وقت مهمّات و رنج۸.دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند۹.دعای آن حضرت در شوق به آمرزش۱۰.دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند۱۱.دعای آن حضرت در عاقبت به خیری۱۲.دعای آن حضرت در اقرار به گناه۱۳.دعای آن حضرت در طلب حاجت ها۱۴.دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران۱۵.دعای آن حضرت به وقت بیماری۱۶.دعای آن حضرت در طلب بخشش و آمرزش ناهان۱۷.دعای آن حضرت چون نام شیطان برده می شد۱۸.دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی ها۱۹.دعای آن حضرت به وقت درخواست باران۲۰.دعای آن حضرت در مکارم اخلاق۲۱.دعای آن حضرت به وقت رویدادهای اندوه آور۲۲.دعای آن حضرت در سختی و گرفتاری۲۳.دعای آن حضرت برای تندرستی۲۴.دعای آن حضرت برای پدر و مادر۲۵.دعای آن حضرت برای فرزندانش۲۶.دعای آن حضرت برای همسایگان و دوستانش ۲۷.دعای آن حضرت برای مرزداران۲۸.دعای آن حضرت در ترس از خدا۲۹.دعای آن حضرت به وقت تنگی رزق۳۰.دعای آن حضرت برای ادای وام۳۱.دعای آن حضرت در توبه و بازگشت۳۲.دعای آن حضرت در نماز شب۳۳.دعای آن حضرت در درخواست خیر و نیکی۳۴.دعای آن حضرت به هنگام گرفتاری۳۵.دعای آن حضرت در رضا به قضای حق۳۶.دعای آن حضرت به وقت شنیدن رعد۳۷.دعای آن حضرت در شکر۳۸.دعای آن حضرت در عذرخواهی از حق۳۹.دعای آن حضرت در طلب عفو۴۰.دعای آن حضرت به وقت یاد مرگ۴۱.دعای آن حضرت در درخواست پرده پوشی۴۲.دعای آن حضرت به وقت ختم قرآن۴۳.دعای آن حضرت به وقت دیدن ماه نو۴۴.دعای آن حضرت به وقت فرا رسیدن ماه رمضان۴۵.دعای آن حضرت به هنگام وداع ماه رمضان۴۶.دعای آن حضرت در روز عید فطر و جمعه

۴۷.دعـای آن حضـرت در روز عرفه۴۸.دعای آن حضـرت در روز عیـد قربـان و جمعه۴۹.دعـای آن حضـرت دردفع مکر دشمنان۵۰.دعای آن حضـرت در ترس از حق۵۱.دعای آن حضـرت در تضـرّع و زاری به درگاه حق ۵۲.دعای آن حضرت در اصرار در طلب۵۳.دعای آن حضرت در فروتنی۵۴.دعای آن حضرت در رفع اندوه ها

و باقی ابواب به لفظ ابوعبداللّه حسـنی رحمه الله است: حدیث کرد ما را ابوعبداللّه جعفر بن محمد حسـنی، گفت: حدیث کرد ما را عبداللّه بن عمر بن خطّاب زیّات، گفت: حدیث کرد مرا دائیم علی بن نعمان اعلم، گفت:

حدیث کرد مرا عمیر بن متوکّل ثقفی بلخی، از پدرش متوکّل بن هارون گفت: املا فرمود بر من آقایم امام صادق علیه السلام ابوعبـداللّه جعفر بن محمـد، فرمودنـد: جـدّم علی بن الحسـین بر پـدرم محمّد بن علی - بر تمامشان درود - در حضور من املا فرمود.

ص:۱۵

دعای ۱ در توحید و ستایش حق تعالی

سپاس مخصوص خداست. آن وجود مبارکی که اول است، بی آن که که اوّلی پیش از او باشد و آخر است، بی آن که آخری پس از او باشد. دیدهٔ بینندگان از دیدنش ناتوان، و گمان وصف کنندگان از ستودنش عاجز است. موجودات را به قدرتش آفرید؛ آفریدنی خوش نما و مخلوقات را به اراده اش ساخت، ساختنی زیبا.

آن گاه، تمام آنها را در مسیر خواستهٔ خود راهی نمود و در راه محبتش برانگیخت. قدرت پس رفتن، به جانب مرزهایی که آنان را از آنها پیش انداخت ندارند و توان پیش رفتن به سوی حدودی که آنان را از آنها پس انداخت ندارند.

از رزق و روزیش، برای هر یک از جان داران، خوراکی معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده، احدی نمی تواند بکاهد و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ کس نمی تواند بیفزاید.

الهی به وقت داشتن مال، از افتادن در چاه هولناک اسراف به تو پناه می برم و از نداشتن مال در حدّی که زندگی و معیشتم را اداره کند به حضرت تو التجا می کنم.

ص:۱۶

آنگاه زنـدگی او را زمانی معیّن، مقدّر فرمود و پایانی محدود قرار داد که به سوی آن پایان، با ایّام عمرش قدم برمی دارد و با سـال هـای زنـدگیش، به آن نزدیـک می شود، تـا هنگـامی که به دورترین باقی مانـده پایان زنـدگیش برسـد و پیمانـهٔ حساب عمرش را تمـام و کامـل دریـافت کنـد. او را به سوی آنچه از پـاداش بسـیار، یـا عـذاب دردنـاک فرا خوانـده ببرد، تـا به خاطر عـدالتش، بـدکاران را به علّت کردار ناپسـندشان و نیکوکاران را به سـبب کار نیکشان جزا دهد. پاک و مبارک است نام های حضـرتش و پی در پی است نعمت هـایش. از آنچه انجام می دهـد، بازخواست نشود، ولی همگان در پیشـگاهش بازخواسـت شوند.

تا هنگامی که به دورترین باقی مانـده پایان زنـدگیش برسد و پیمانهٔ حساب عمرش را تمام و کامل دریافت کند. او را به سوی آنچـه از پـاداش بسـیار، یـا عـذاب دردنـاک فرا خوانـده بـبرد، تـا به خـاطر عـدالتش، بـدکاران را به علّت کردار ناپسـندشان و نیکوکاران را به سبب کار نیکشان جزا دهد.

پاک و مبارک است نام های حضرتش و پی در پی است نعمت هایش. از آنچه انجام می دهد، بازخواست نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند.

سپـاس مخصوص خـداست که اگر بنـدگانش را از شـناختِ سـپاس گزاریش بر آنچه که از عطایای پیاپیش که محض امتحان کردنشـان به آنـان عنـایت فرمود و نعمت هـای پیوسـته ای که بر آنـان کامـل کرد، به چاه محرومیّت می انـداخت، در عطایا و نعمـت هـایش، دخـل و تصـرّف می کردنـد و او را سـپاس نمی گزاردنـد و روزیش را بـه فراوانی خرج می کردنـد و به شـکر عنایاتش برنمی خاستند. اگر چنین بودند، از حدود انسانیّت بیرون می رفتند و به مرز حیوانیّت می رسیدند.

در نتیجه به این صورت بودند که در کتاب محکمش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه آنان گمراه ترند!».

و سپاس مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و شکرش را به ما

ص:۲۰

الهـام فرمود و درهـای دانش را به پروردگـاریش به روی مـا گشود و مـا را بر اخلاـص ورزی در یکتاییش راهنمایی کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.

خـدا را سـپاس می گزارم، سپاسـی که بـا آن، در گروه سـپاس گزاران از بنـدگانش زنـدگی کنم و بـا آن سـپاس بر هر که به خشنودی و گناه بخشیش پیشی جسته، سبقت گیرم.

سپاسـی که به سـبب آن، تاریکی های برزخ را بر ما روشن کند و به وسـیلهٔ آن، راه رسـتاخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه های ما را نزد گواهان روز قیامت بلند گرداند. روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده، پاداش داده شود و مورد سـتم قرار نگیرد؛ روزی که هیـچ دوستی، چیزی از عـذاب را از دوسـتش دفع نکنـد و این گنهکـاران حرفه ای از جـانب کسـی یـاری نشونـد؛ سپاسـی که از جـانب مـا، در پرونـده ای که کردار نیکـان در آن رقم خورده و مقرّبان درگاهش گواهان آننـد، به سوی اعلاـ علیّین بالا رود، سپاسـی که چون دیـده ها در قیامت خیره شود، سـبب روشـنی دیـدهٔ ما شود و هنگامی که چهره ها سـیاه گردد، به نورانیّت آن صورت های ما به سپیـدی رسـد. سپاسـی که ما را از آتش دردناک خـدا آزاد و در جوار کریمانه اش جای دهد.

خـدایا! اکنـون کـه مرا بـه پرده گـذشت و عفـوت پوشانـدی و در این جهـان فـانی، احسـانت را در برابر مردم شامـل حـال من فرمودی، پس مرا از رسوایی های جهان ابدی، در برابر اهل محشـر که عبارتند از فرشتگان مقرّب و پیامبران بزرگوار و شهدا و شایستگان پناه ده.

سپاسـی که به وسـیلهٔ آن، همدوش فرشـتگان شویم و در پیشـگاه رحمتش جای را بر آنان تنگ کنیم و به سـبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی پذیرد با پیامبران مرسل همراه شویم. و سپاس

مخصوص خداست که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید و روزی های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت.

و ما را با تسلّط بر همهٔ موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش فرمانبردار ما هستند و در سایهٔ عزّتش، در گردونهٔ اطاعت از ما قرار دارند. و سپاس مخصوص خداست که درِ احتیاج و نیاز ما را از غیر خود بست؛ پس چگونه قدرت، سپاس گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی می توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ گاه!

و سپاس مخصوص خداست که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آنها را قرار داد و ما را با روان های زنده، از زندگی بهره مند ساخت و اعضای انجام دادن کار را در وجود ما استوار کرد و با روزی های پاکیزه خوراک داد و با احسانش ما را بی نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید، آنگاه دستورهایش را متوجّه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرّمات بر حذرمان داشت تا شکر کردنمان را بیازماید، پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش روی گرداندیم و بر مرکب سخت و سنگین محرّماتش سوار شدیم. با این همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نورزید و بر انتقام گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش از سر خشنودی و رضایت با ما معامله کرد و به مهربانی و بردباریش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید.

و سپاس مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه ای که آن را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم و اگر از فضل و احسان بی شمارش، غیر این عنایت را که عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش دربارهٔ ما نیکو و احسانش در حقّ ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است.

روش وجود مقدسش در برنامهٔ توبه دربارهٔ کسانی که پیش از ما بودند،

چنین نبود؛ آنچه را در عرصه گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده، از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تکلیف نفرموده، در میان آن همه تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه ای باقی نگذاشته است؛ بنابراین هلاک شوندۀ از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد و سعادتمند از ما کسی است که به سوی او میل و رغبت نماید.

و خدا را سپاس، به همۀ آن سپاسی که نزدیک ترین فرشتگان به او و بزرگوارترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده ترین ستایش گران آستان او، حضرتش را ستوده اند؛ سپاسی که از دیگر سپاس ها، برتری جوید، مانند برتری پروردگار به همۀ مخلوقات. سپس او را سپاس، به جای تمام نعمت هایی که او بر ما و به تمام بندگان گذشته اش و همۀ آنانی که هستند و می آیند دارد، سپاسی به عدد تمام اشیایی که دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسی به جای هر یک از اشیا به چندین برابر؛ سپاسی ابدی و همیشگی تا روز قیامت، سپاسی که مرزش را پایانی و شمارۀ آن را حسابی و پایانش را نهایتی و مدّتش را سرآمدی نباشد.

سپاسی که رشتۀ اتصال به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودیش و وسیلۀ آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده از کیفرش و امان از خشمش و مددکاری بر طاعتش و مانع و سدّی از نافرمانیش و کمکی بر ادای حق و عهد و پیمانش باشد.

سپاسی که به وسیلۀ آن ، در گروه سعادتمندان از دوستانش ، به خوشبختی و سعادت برسیم ، و به سبب آن با شمشیر دشمنانش در سلک شهیدان قرار گیریم . همانا او یار بندگان ، و خدای ستوده خصال است .

دعای ۲ در صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیان اوصاف آن حضرت

سپاس مخصوص خداست، که نه بر امّت های گذشته و زمان های سپری شده ؛ بلکه بر ما به وجود محمد صلی الله علیه و آله منّت نهاد ؛ با قدرتش که از هیچ چیز هر چند بزرگ باشد، ناتوان نمی شود و هیچ چیز هر چند کوچک و ریز باشد، از دایرهٔ اختیار و عرصهٔ ارادتش، بیرون نمی رود.

خدای توانا، ما را بر همه امّیت هایی که آفرید، خاتم قرار داد و بر همه منکران حق و حقیقت گواه گرفت و با نیکی و احسانش، ما را بر آنان که اندک بودند، فزونی بخشید.

خدایا بر محمّد درود فرست، آن وجود مبارکی که امین بر وحیت و گزیدهٔ از مخلوقاتت و انتخاب شدهٔ از بندگان توست و او پیشوای رحمت و قافله سالار خوبی و کلید برکت است.

چنانکه جانش را برای فرمانت به زحمت انداخت و بدنش را در راه وجود مقدّست در معرض ناراحتی قرار داد و در دعوت به سوی تو، آشکارا با خویشان و نزدیکانش رو در رو قرار گرفت و در مسیر خشنودیت با اشخاص خانواده اش جنگید و در راه برقراری دینت، از خویشاوندانش برید و نزدیک ترین بستگانش را به سبب انکارشان، از خود دور کرد و دورترین را به

علت پـذیرفتن دین تو، به خود نزدیـک فرمود. بـا بیگـانه ترین مردم، به خـاطر تو دوستی ورزیـد و با نزدیک ترین خویشان، به هوای تو دشمنی کرد.

و جانش را در رساندن پیام تو به خستگی افکند و وجودش را به خاطر فراخواندن مردم به آیین تو، به زحمت افکند و خود را به جهت خیرخواهی، نسبت به پذیرندگان دعوتت در عرصهٔ کار و کوشش گذاشت و برای تبلیغ دینت، به سرزمین های غربت و جا و مکان دور از وطن و دور از خانه و منزلش و جـدای از مرکز سـکونت و محلّ تولد و آرامگاه جانش، هجرت کرد. این هجرت اراده و خواست او بود برای نیرومنـد شـدن دینت و یاری جسـتن علیه کافران به حضـرتت، تا جایی که راه آنچه، دربارهٔ دشمنانت با چاره جویی و دوراندیشی، در صدد به دست آوردنش بود، برای او هموار شد و آنچه در مورد دوستانت، سنجیده و نظـام داده بود برایش کامـل گشت. پس در حـالی که از کمک دهیت، خواسـتار پیروزی بود و از یاریت به جبران ناتوانیش خواهان نیرو و قدرت بود، به سـرعت به کارزار، با دشـمنان برخاست ؛ در نتیجه در وسط سـرزمینشان با آنان جنگید و در میان محلّ اقامتشان به آنان هجوم برد تا فرمانت آشکار شد و دینت برتری یافت ؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید.

خـدایا ! به خـاطر مشـقّت و زحمتی که در راه تو کشـید، مرتبـهٔ او را به بالاـترین درجـهٔ بهشت بالا بر، تا جایی که هیـچ فرشـتهٔ مقرّب و پیـامبر مرسـل، در پیشـگاه حضـرتت در قـدر و منزلت و درجه و مرتبت بـا او یکسـان و برابر و موازی نشود و از نیکی شفـاعت و پـذیرش میـانجی گری او در مـورد اهـل بیـت پـاکیزه اش و امّـت مؤمنش، بیش تر از آنچه به او وعـده داده ای، به حضـرتش اعلام کن. ای که وعـده ات تحقق می یابـد و عهـدت قرین وفاست ! ای که بـدی ها را، به چندین برابر به خوبی ها تبدیل می کنی ! همانا تو صاحب احسان و بخشش عظیمی.

دعای ۳ درود بر فرشتگان

خـدایا! و حاملان عرشت؛ آن بزرگوارانی که از تسبیـح گفتن برای تو سـست و بی حال نمی شوند و از تقدیست به سـتوه نمی آیند، و از بندگیت خسـته و وامانده نمی گردند، و کوتاهی در عمل را بر کوشـش در اجرای دستورت ترجیح نمی دهند، و از شیفتگی و سرگشتگی نسبت به تو، غفلت نمی ورزند.

و اسـرافیل که صـاحب شـیپور است؛ آن بلنـدمرتبه ای که چشم به راه اجـازه و فرود آمـدن دسـتور، از جانب توست. به محض رسیدن فرمانت با یک بار دمیدن در شیپور، افتادگان در زندان گور، از خواب مرگ بیدار می کند.

و میکائیـل که نزد تو، صـاحب مقـام و مرتبه است، و در عرصه طـاعتت دارای درجه ای بلنـد است. و جبرئیل که امین بر وحی توست، و در میـان اهـل آسـمان هایت مورد اطاعت است؛ فرشـته ای که در پیشـگاهت ارجمنـد، و نزد حضـرتت مقرب است. روحی است که بر فرشـتگانِ حجـاب هـا گمـارده ای، و جـانی است که از مشـرق فرمانت طلوع کرده؛ پس بر همـهٔ آنان درود فرست. و بر فرشـتگانی که از نظر مرتبه و مقـام پـایین تر از آنانـند؛ فرشـتگانی که ساکنـان آسـمان هایت هسـتند، بر پیام هایت امینند.

و آنان که به خاطر کوشش پیوسته و دائم شان، ملامت بر آنها وارد نمی شود،

و از هیـچ زحمتی، خسـتگی و سـستی و نـاتوانی به آنـان راه پیـدا نمی کنـد. امیال و شـهوات، از تسبیحت بازشان نمی دارد، و فراموشـی ناشـی از غفلت هـا آنان را از تعظیم به تو جـدا نمی کنـد، فروهشـته دیدگاننـد؛ بنابراین، نظر کردن به جمال و جلال حضـرتت را درخواست نمی کننـد. از حقـارت و خواری، در برابر عظمتت سـر به زیر افتـاده انـد. شوقشان به آنچه نزد توست، طولانی شد. به یاد نعمت هایت شیفته اند و در برابر عظمت و بزرگی کبریاییت فروتنند.

و آن دسته از فرشتگانی که چون به جانب جهنّم بنگرند، و آن را بر متخلّفان از دستورهایت خروشان و عربده کنان ببینند، می گوینـد: خـدایا! منزّه و پـاکی. مـا تو را چنانکه سـزاوار توست بنـدگی نکردیم؛ پس بر آنان درود فرست، و نیز درود فرست بر روحانیون از فرشتگانت و اهل رتبه و منزلت در پیشگاهت و حاملان پیام غیب، به سوی رسولانت، و امینان بر وحیت و اصناف فرشـتگانی که آنـان را به خود اختصاص داده ای، در سایـهٔ تقـدیست، از خوراک و آشامیـدن بی نیاز کرده ای، و در انـدرون طبقات آسمان هایت، ساکن فرموده ای.

و درود بر آنان که چون فرمانت به انجام وعده ات نازل شود، به اطراف آسمان ها گماشته شوند.

و درود بر خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابر و فرشته ای که به صدای فریادش، غرّش رعدها شنیده می شود، و هنگامی که ابر خروشان به وسیلهٔ او به حرکتی شتابانه درآید، شعله های برق درخشیدن گیرد.

و درود بر فرشتگانی که برف و تگرگ را بدرقه می کنند، و فرشتگانی که همراه قطرهٔ باران، چون ببارد، فرود آیند. و درود بر آنان که سـرپرست خزینه های بادنـد، و آنان که بر کوه ها گماشـته شـده انـد؛ بنابراین از جا در نمی روند، و درود بر آنان که وزن آب ها، و اندازهٔ باران های سیل آسا، و رگبارهای متراکم را به آنها شناسانده ای.

ص:۳۲

و درود بر فرستادگانت به سوی اهل زمین، از فرشتگانی که گرفتاری ناخوشایند و گشایش خوش آیند برای آنان می آورند، و درود بر سفیران بزرگوار نیکوکار، و نویسندگان ارجمندی که حافظان اعمال مردمند، و درود بر فرشتهٔ مرگ و یارانش و منکر و نکیر و رومان آزمایش کنندهٔ مردگان قبرها، و درود بر طواف کنندگان بیت معمور، و بر مالک و خازنان دوزخ و رضوان، و خدمتگزاران بهشت.

و درود بر فرشتگانی که، خدا را در آنچه دستورشان می دهد، مخالفت نمی کنند، و آنچه را فرمان داده می شوند، انجام می دهند.

و درود بر فرشتگانی که به اهل بهشت می گویند: بر شما به خاطر صبری که بر عبادات و ترک محرمات کردید، سلام باد. بنابراین خانهٔ آخرت برای شما نیکو خانه ای است، و درود بر نگاهبانان دوزخ؛ چون به آنها گفته شود: مجرم را بگیرید و او را زنجیر کنید و سپس به جهنّم دراندازید، شتابان و سریع دستگیرش کنند و به او مهلت ندهند، و درود بر فرشته ای که یادش را از حساب انداختیم، و از رتبه و منزلتش آگاه نشدیم، و نمی دانیم او را به کاری گماشته ای.

و درود بر فرشتگانی که ساکن هوا، و زمین و آبند، و کسانی از آنان که گماشتگان بر مخلوقاتند؛ پس بر آنان درود فرست، روزی که هر شخصی به محشر می آید، در حالی که همراه او فرشته راننده، و فرشته گواه عمل است، و بر آنان درود فرست؛ درودی که، کرامت بر کرامتشان و پاکی بر پاکیشان بیفزاید، خدایا! زمانی که بر فرشتگان و رسولانت درود می فرستی، و درود ما را به آنان می رسانی، به خاطر گفتار نیکی که در وصف آنان بر زبان ما جاری ساختی، بر ما هم درود فرست؛ همانا تو بخشندهٔ ارجمندی.

ص:۳۳

دعای ۴ درود بر پیروان انبیای الهی علیهم السلام

خدایا! پیروان رسولان و تصدیق کنندگانشان، که عبارتند از مردم روی زمین، آن مردمی که تصدیقشان، قلبی و درونی بود، آنهم زمانی که دشمنان با تکذیب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولی پیروان و تصدیق کنندگان، به کمک حقایق ایمانی، مشتاقانه به طرف رسولان روی آوردند، در هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی، و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم، تا دوران محمد صلی الله علیه و آله ، از پیشوایان هدایت و فرماندهان اهل تقوا، بر همهٔ آنان سلام باد! خدایا! آنان را از جانب خود، به آمرزش و خشنودی یاد کن.

خدایا! و به ویژه اصحاب محمّد را، آنان که شرط همنشینی با او را، به خوبی پاس داشتند، و کسانی که در یاری دادن به حضرتش، امتحان دادند، امتحانی نیکو، و او را در تمام پیشامدها کمک کردند، و به زیارت و دیدارش شتافتند، و برای شنیدن دعوتش، بر یکدیگر پیشی جستند، و هنگامی که دلیل پیام هایش را، به گوش آنان رساند، او را اجابت کردند، و آیینش را پذیرفتند و در راه آشکار کردن دینش، از همسران و فرزندان جدا شدند، و برای پابرجا شدن نبوّتش، با پدران و فرزندان خود جنگیدند، و به خاطر وجود او، در آن جنگ ها پیروز

شدند.

و کسانی که به رشتهٔ محبت او پیچیده شدند، در مسیر دوستی و عشقش، ۷تجارتی را امید دارند، که هرگز کسادی و زیان، در آن راه نـدارد، و آنـان که وقتی به دسـتگیرهٔ دین او آویختنـد، قبایـل و عشایرشان از آنان دوری گزیدنـد، و زمانی که در سایهٔ قرب به او آرمیدند، خویشاوندانشان از آنان کناره گرفتند.

خـدایا! لطفت را برای اصـحاب محمّد به خـاطر آنچه که محض تو، و در راه تو از دست دادنـد، از نظر دور مـدار و آنان را از خشنودیت خشنود ساز!

و نیز به خـاطر آن که مردم را پیرامـون دینت گرد آوردنـد، و در حـالی که خالصـانه، ملّت را به سـوی تـو دعوت می کردنـد، همراه فرسـتاده ات بودنـد، و برای این که در راه تـو از شـهر و دیـار و قـوم خود هجرت کردنـد و از فراخی معـاش، به تنگی و سختی دچار شدند و افراد زیادی که برای بزرگداشت دینت ستم ها تحمل کردند، پاداش عنایت کن.

خـدایا! به آنـان که به خوبی و نیکی پیرو اصـحاب پیامبرنـد؛ آن پیروانی که می گوینـد: « پروردگـار! مـا و برادران ما را که به ایمان بر ما پیشـی گرفتنـد بیامرز! » بهترین پاداشت را برسان؛ همانان که روش اصـحاب را قصـد کردند و سـمت و سو و جهت آنان را برگزیدند، و شـیوهٔ آنان را دنبال کردند، در حالی که تردیدی در بیناییشان خطور نکرد و شکّی در پیروی آثارشان، و اقتدا به نشان هدایتشان، دل مشغولشان نساخت. کمک کاران و تقویت کنندگان اصحاب بودند؛ به دین آنان می گروند و به هـدایت آنان راه می یابنـد و نسبت به اصـحاب واقعی پیامبر اتفاق نظر دارنـد، و آنان را در برنامه هایی که از رسول اسـلام به ایشان رساندند، متهم به دروغ و کذب نمی کنند.

خـدایا! از امروز تـا روز قیـامت، بر تـابعین و همسـران و فرزنـدانشان و بر هر که از آنـان که تـو را اطـاعت کرده، درود فرست؛ درودی که به سبب آن از معصیت

بازشـان داری، و به آنـان در بـاغ بهشت، وسـعت و گشـایش دهی و از نیرنـگ شـیطان مانعشـان گردی، و به هر کار نیکی که نسـبت به آن از تو مـدد جوینـد، یاریشـان دهی، و از حوادث شب و روز حفظشـان کنی، مگر حادثه ای که به خیر می آیـد، و آنـان را بـه سـبب آن درود، بر اسـاس اعتقـاد بـه امیـد نیـک و نسـبت به عنایـات و لطفت، و طمـع به آنچه نزد تـوست و ترک بدگمانی دربارهٔ آنچه بندگان مالك و صاحب آنند، برانگیزی.

و به جانب شوق و رغبت به سویت، و بیم از حضـرتت برگردانی و به فراخی دنیای زودگـذر و فانی شدنی بی رغبتشان سازی، و عمـل برای جهـان آخرت، و آمـادگی برای آنچه پس از مرگ است، محبوب آنان فرمایی و هر سـختی و مشـقت و انـدوه و حزنی که روز بیرون رفتن جان ها از بـدن ها بر آنان وارد می شود، آسان کنی، و آنان را از اموری که به سـبب آنها، فتنه واقع می شود؛ فتنه هـایی که از آن می پرهیزنـد، و از کانون و مرکز آتش و طول مانـدگاری در آن، سـلامت همه جانبه دهی، و به مقام امنی که جایگاه استراحت پرهیزکاران است، منتقل گردانی.

ص:۳۹

دعای ۵ دعا دربارهٔ خود و دوستانش

ای آن که، شگفتی های عظمتش به پایان نمی رسد! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از سرکشی و ستیزگی در برابر بزرگیت، حایل و مانع باش. و ای آن که دوران فرمان رواییش به نهایت نمی رسد! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ما را از مجازاتت رهایی بخش.

و ای آن که خزینه های رحمتش نابود نمی شود! بر محمد و آلش درود فرست، و از رحمتت برای ما بهره و سهمی قرار ده.

و ای آن که دیده ها، از دیدنش قطع است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به قرب خود نزدیک کن. و ای آن که نزد عرصه گاه مقامش، همهٔ مقام ها کوچک است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را در پیشگاهت ارجمند دار، و ای آن که خبرهای پنهانی، نزدش آشکار می شود، بر محمد و آلش درود فرست.

و ما را نزد خود رسوا مکن.

خدایا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان دیگران بی نیاز ساز، و از ما غم و اندوه بریده شدن احسان دیگران را به احسان و جایزه ات کفایت فرما، تا با بذل و بخشش تو، به دنبال و بخشش احدی رغبت نکنیم، و با فضل و احسان تو از احدی نهراسیم. خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و به سود ما چاره فرما و

ص:۴۰

به زبـان مـا چاره مساز، و به سود ما تـدبیر کن و به زیان ما تـدبیر مفرما، و ما را بر دیگران پیروزی ده، و دیگران را بر ما پیروز مگردان.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار و به عنایت محافظت فرما و به سوی خود هدایت کن و از حضـرتت دور مساز؛ همانا هر که را تو حفظ کنی سالم می مانـد، و هر که را تو هدایت فرمایی دانا می شود، و هر که را تو به خود نزدیک کنی، به بهره مندی می رسد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از شدّت حوادث ناگوار زمان و شرّ دام های شیطان و قهر و خشم سلطان، کفایت فرما.

خـدایا! جز این نیست که قنـاعت کننـدگان، به فضـل نیروی تو قناعت می کننـد؛ پس بر محمـد و آلش درود فرست و ما را از فضل نیروی خود کفایت فرما، و جز این نیست که بخشندگان از فضل جود تو می بخشند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و از فضـل جـود خود بر مـا ببخش، و جز این نیست که راه یافتگـان، به نور وجه تو راه می یابنـد؛ پس بر محمـد و آلش درود فرست، و ما را به نور وجه خود هدایت کن.

خـدایا! هر که را تـو یـاری دهی، اقـدام خوارکننـدگان برای خـوار کردنش زیـانی به او نمی رسانـد، و هر که را تو عطـا کنی، ممانعت کردن منع کنندگان از او نمی کاهد، و هر که را تو هدایت فرمایی، اقدام گمراه کنندگان برای گمراه کردنش او را به گمراهی دچار نسازد؛ پس بر محمـد و آلش درود فرست، و به عزتت ما را از شـرّ بندگانت باز دار و به عطایت از غیر خود بی نیاز کن، و به هدایتت ما را به راه حق ببر.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست، و سـلامت دل هـای ما را در یاد بزرگیت، و آسایش بـدن هایمان را در شـکر نعمتت و گشوده شدن زبانمان را در وصف عطایت قرار ده.

ص:۴۴

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و ما را از دعوت کننـدگانی که به سوی تو دعوت می کنند، و راهنمایانی که به جانب تو، به دلالت بنـدگان برمی خیزند، و از ویژهٔ بندگانت که در پیشـگاه حضـرتت اختصاص به تو دارند قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۴۵

دعای ۶ نیایش در بامداد و شامگاه

سپاس مخصوص خداست، که شب و روز را به نیرویش آفرید و به قدرتش میان آن دو جدایی ایجاد کرد و برای هر یک از آنها مرزی مشخص و زمانی گسترده قرار داد. هر کدام را در درون دیگری وارد می کند، به سرنوشت و تقدیری که از جانب او، برای بندگان مقرّر شده، تا آنان را به این وسیله روزی رساند و رشد و پرورششان دهد. پس شب را برای بندگان آفرید، تا در آن از حرکات خستگی آور و برپا ایستادن های رنج زا بیاسایند و آن را پوششی قرار داد تا از آسایش و خوابش بهره مند شوند و نهایتاً از برکت نعمت شب، پیمانهٔ وجودشان از نشاط و نیرو لبریز شود و به وسیلهٔ آن به لذّت و کام دل رسند.

و روز را برای بندگان روشنی بخش آفرید، تا در آن به طلب فضل و احسانش برآیند، و آن را وسیله و ابزاری برای رسیدن به رزق و روزیش قرار دهند، و در زمین او از پی به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخیر و سریع دنیای آنهاست، و نیز رسیدن به منفعت دائمی آخرتشان به راه افتند. به تمام این امور کارشان را اصلاح می کند، و کردارشان را می آزماید، و می نگرد که در اوقات طاعتش و جایگاه های واجباتش، و موارد احکامش چگونه اند. تا کسانی را که بد کردند، به خاطر کار زشتشان، جزا دهد و آنان را که خوبی کردند، با

بهشت پاداش بخشد.

خدایا! فقط تو را سپاس، بر این نعمت: که تاریکی شب را شکافتی، و روشنی صبح را آشکار کردی، و ما را به شکافتن تاریکی شب از روشنی روز بهره مند ساختی و در راه به دست آوردن خوردنی ها بینا فرمودی، و از پیشامدهای ناگوار بلاها نگاه داشتی. شب را برای تو صبح کردیم، و همهٔ آفریده ها برای تو قدم در عرصهٔ صبح گذاشتند. آسمان و زمینشان، و آنچه در هر کدام از آنها پراکنده ای، ساکن و جنبنده اش ایستاده و رونده اش، و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده، در عرصه گاه ملکیّت تو صبح کردیم.

فرمانروایی و پادشاهیت ما را گرد آورده، و ارادت ما را جمع کرده. از برکت فرمانت، در کارها تصرّف می کنیم، و در سایهٔ تدبیرت دگرگون می شویم. جز آنچه فرمانت بر آن صادر شده، برای ما کار و مطلبی نیست، و جز آنچه را به ما بخشیدی، خیری وجود ندارد.

امروز روز آفریده شدهٔ جدیدی است، و او بر ما گواه آماده ای است. اگر خوبی کنیم، ما را با سپاس ترک می کند و اگر بدی کنیم، نکوهش کنان از ما جدا می شود!

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و نیکو همنشینی با این روز را نصیب ما گردان، و از بد جدا شدن با او، همراه دست زدن به گناه، و ارتکاب معصیت کوچک یا بزرگ، ما را حفظ فرما، و در آن بهرهٔ ما را از خوبی ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتی ها تهی کن.

و از ابتدا تا پایانش را، برای ما از سپاس و شکر و پاداش و اندوختهٔ آخرتی و فضل و احسان پُر فرما. خدایا! سختی و دشواری ما را به برکت تقوا و اعمال شایسته، بر کرام کاتبین که فرشتگان نویسندهٔ اعمالند، آسان ساز، و صفحات پروندهٔ ما را از خوبی ها پر کن، و ما را نزد فرشتگان نویسندهٔ اعمال، به

کردارهای زشتمان رسوا مساز.

خدایا! در هر ساعتی از ساعات روز بهره ای از بندگیت، و سهمی از شکرگزاریت، و شاهد راستی از فرشتگانت برای ما قرار ده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از پیش رو، و پشت سر و طرف راست و جانب چپ و از تمام سمت و سویمان، حفظ کن، حفظی که ما را از نافرمانیت باز دارد، و به فرمانبرداریت راهنمایی کند، و برای عشق و محبتت به کار گیرد.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را در این روز و شبمان، و در تمام ایاممان برای این امور موفّق بدار: به کارگیری خیر، و دوری از شر، و شکر نعمت ها و پیروی از روش های نیک، و دوری از بدعت ها، و امر به معروف، و نهی از منکر، و پاسداری از اسلام و کم کردن و خوار ساختن باطل، و یاری و گرامی داشت حق، و راهنمایی گمراه، و کمک کردن به ناتوان، و پناه دادن به درمانده و گرفتار.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و امروز را فرخنده ترین روزی که تا کنون شناخته ایم، و برترین همنشینی که با او همراه بوده ایم و بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده، و ما را از میان تمام آفریده هایت، از خشنودترین کسانی که شب و روز بر آنها گذشته، و شاکرترین کسانی که نعمت هایت را به آنان داده ای، و مستقیم ترین آنان، در عرصه گاه آیین هایی که وضع کرده ای، و خویشتن دارترین مردمی که از نافرمانیت بیمشان داده ای، قرار ده.

خدایا! قاطعانه تو را گواه می گیرم، و تو از نظر گواه بودن کافی هستی و آسمان و زمینت و فرشتگانی که میان آسمان و زمینت ساکن کرده ای، و دیگر آفریده هایت را در امروزم و این ساعتم و این شبم، و این جایگاهم گواه می گیرم، که من شهادت می دهم که همانا تویی خدا؛ که خدایی جز تو نیست، بر

پایهٔ قسط، عادل در حکم، مهربان به بندگان، مالک هستی، رحیم به آفریده هایی.

و شهادت می دهم که محمد، بنده و فرستاده و برگزیده ات، از میان آفریده های توست. رسالت را برعهده اش گذاشتی و او حق آن رسالت را ادا کرد و حضرتش را به خیرخواهی برای امتش دستور دادی، و او برای امت خیرخواهی کرد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، بیش از آنچه بر احدی از آفریده هایت درود فرستاده ای، و از جانب ما بهترین چیزی که به یکی از بندگانت داده ای، به او عنایت کن، و از ناحیهٔ ما برترین و کریمانه ترین پاداشی که به یکی از پیامبرانت از طرف امتش داده ای، به او بده؛ همانا تو بسیار احسان کننده ای؛ احسان کننده به نعمت های تومند، و آمرزنده ای؛ آمرزندهٔ گناه بزرگ، و تو از هر مهربانی مهربان تری، پس بر محمد و آل پاکیزه و پاکش که نیکوکاران برگزیده اند، درود فرست.

دعای ۷ پیشامدهای سخت و اندوهناک

ای آن که گره های امور رنج آور، به وسیلهٔ او گشوده می شود، و ای آن که تندی و تیزی سختی ها، به عنایت او فرو می نشیند، و ای آن که بیرون آمدن از تنگی و فشار، و قرار گرفتن در راحتی گشایش، و رهایی از غم و اندوه، از او خواسته می شود.

دشواری ها در برابر قدرتت آسان گردد. وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطفت فراهم آید، و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد. و همه چیز بر اساس و اراده ات می گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان قولی دهی، فرمان برند، و به اراده ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند.

تنها تو را در دشواری ها می خوانند، و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی. بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی شود، مگر آنچه را که تو دور کنی، و از گره های رنج آور، چیزی گشوده نمی شود، مگر آنچه را تو بگشایی.

پروردگارا! بلایی بر من نازل شده، که سنگینی اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختی و مشکلی به دردم آورده، که تحمّلش مرا در فشار قرار داده.

و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده ای، و به اقتدارت به سوی من فرستاده ای؛

دور کننده ای برای آن وجود ندارد، و چیزی را که تو بسته ای گشاینده ای برایش نمی باشد، و چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را که تو دشوار کرده ای، آسان کننده ای برایش نیست، و کسی را که تو بی یار و یاور گذاشته ای یاوری برای او وجود ندارد.

پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و توانایی‌ات درِ گشایش و فرج را به روی من باز کن، و به چاره سازیت، تسلّط غم و اندوه را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم، به تأمل و تدبّر نیک برسان.

و در آنچه از تو درخواست می کنم، شیرینی اجابت را بچشان، و از جانب خودت، رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش، و برای من از نزد خود، راه نجاتی سریع قرار ده. و مرا به خاطر غمگینی و حزن و اندوه از رعایت واجبات، و به کار گرفتن مستحبات باز مدار.

پرورگارا! به سبب بلایی که بر من نازل شده، درمانده شده ام و از تحمّل آنچه برای من پیش آمده، دلم از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف کردن آنچه که به آن گرفتار شده ام، و دور کردن بلایی که در آن افتاده ام، توانایی؛ بنابراین قدرت و توانایی‌ات را دربارهٔ من به کار گیر؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نیستم. ای دارای عرش بزرگ!

دعای ۸ پناه بردن به حق

خدایا! به تو پناه می آوریم، از توفان حرص و تندی و شدّت خشم، و چیرگی حسد و ناتوانی صبر، و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق، و پافشاری و سماجت شهوت و صفت تعصّب.

و پیروی از هوای نفس و عقب ماندن از هدایت، و خواب غفلت و انجام کار سخت و پرمشقت و ترجیح دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه، و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و فخر فروشی ثروتمندان و تحقیر تهی دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستمان، و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی کرده.

خدایا! به تو پناه می آوریم از این که ستمگری را یاری کنیم، یا ستم دیده ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست بخواهیم، یا بدون آگاهی در امور علمی سخن گوییم.

و به تو پناه می آوریم از این که راه خیانت به کسی را به پیماییم، و نسبت به کردارمان خودپسندی کنیم، و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم و به تو پناه می آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک، و این که شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصهٔ بلا و نکبت اندازد، یا پادشاه بر ما جور و ستم

روا دارد.

و به تو پناه می آوریم، از رسیدن به اسراف، و از دست دادن آنچه که در زندگی به اندازه و کافی است و به تو پناه می آوریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به هم نوعان، و از معیشت در سختی، و از مرگ بدون توشه.

و به تو پناه می آوریم، از حسرت عظیم تر و بلای بزرگ تر، و بدترین بدبختی و بدی بازگشت، و محرومیت از ثواب، و داخل شدن مجازات.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا و تمام مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همهٔ این امور زشت پناه ده، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای ۹ درخواست بخشش

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و راه ما را به جانب توبه که محبوب توست تغییر ده، و وجودمان را از پافشاری بر گناه که مورد نفرت توست، دور ساز.

خدایا! هر گاه در ارتباط با دین یا دنیا، میان دو کاهش قرار گرفتیم، کاهش را بر دنیامان که زودتر از دست می رود، وارد کن، و توبه و انابه را در دینمان که با دوام تر است قرار ده.

و زمانی که دو برنامه را قصد کردیم که یکی از آنها تو را از ما خشنود می کند، و آن دیگری تو را بر ما خشمگین می سازد، ما را به جانب آن کاری که تو را از ما خشنود می کند، رغبت ده، و قدرت و توانمان را از عملی که تو را بر ما خشمگین می کند، سست کن و در این امور ما را میان نفوسمان و انتخابشان رها مکن که نَفْس انتخاب کننده باطل است، مگر آن که تو در انتخاب حق توفیقش دهی، و فراوان دستور دهنده به زشتی و بدی است، مگر آن که رحمتش آری.

خدایا! ما را از ناتوانی آفریدی، و بر سستی بنا کردی، و از آب ناچیز و بی مقدار به وجود آوردی؛ پس ما را جز به نیروی تو چاره و تدبیر نیست، و جز

به یاریت قوت و قدرت نمی باشد؛ پس ما را به توفیقت نیرو بخش و به هدایتت استوار دار، و دیدهٔ قلوبمان را از آنچه مخالف عشق توست کور کن، و برای هیچ یک از اعضای ما راه نفوذی به جانب معصیتت قرار مده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و رازهای دلمان و حرکات اعضامان، و نگاه های چشم هایمان، و گفتارهای زبانمان را در موجبات ثوابت قرار ده، تا جایی که کار نیکی که به خاطر آن مستحق پاداش تو می شویم، از دست ما نرود و کار بدی که به سبب آن سزاوار مجازاتت می شویم، برای ما نماند.

دعای ۱۰ پناه بردن به خداوند

خدایا! اگر بخواهی ما را عفو کنی، به فضل و احسانت عفو می کنی، و اگر بخواهی عذابمان کنی، به عدالتت عذاب می کنی. عفوت را از سر منّتت بر ما آسان کن، و ما را به چشم پوشی و گذشتت، از عذابت پناه ده. مسلّماً ما را نسبت به عدالتت تاب و توان نیست، و برای احدی از ما بدون عفوت، نجاتی میسّر نمی باشد.

ای بی نیازترین بی نیازان! اینک ما بندگانت پیش روی توایم، و من تهیدست ترین تهیدستان در پیشگاه توام. تهیدستی و نداری ما را، به توانایی‌ات جبران کن، و امید ما را به بازدارندگیت قطع مفرما! که اگر چنین کنی، به تحقیق کسی که خود را به تو خوشبخت خواسته، بدبخت کرده ای، و آن که فضل و احسانت را طلبیده، محروم ساخته ای.

در این وقت از پیشگاه تو، به سوی چه کسی بازگردیم و با محرومیت از درِ رحمتت، راه ما به کجا خواهد افتاد؟

پاک و منزّهی. ما درماندگانی هستیم که پذیرش دعایشان را واجب کرده ای، و گرفتارانی هستیم که برطرف کردن گرفتاری آنان را وعده فرموده ای.

خدایا! شبیه ترین چیزها به خواسته ات و سزاوارترین امور به حضرتت،در

عرصهٔ عظمت و بزرگیت، رحمت آوردن بر کسی است که از تو رحمت خواسته، و فریادرسی نسبت به کسی است که به تو فریاد خواهی کرده، پس زاری ما را به پیشگاهت رحمت آر و به فریاد ما رس؛ چون وجودمان را در برابرت انداخته ایم.

خدایا! شیطان ما را سرزنش کرد؛ چون او را در نافرمانیت همراهی کردیم.

پس بر محمّد و آلش درود فرست، و پس از این که او را به خاطر تو رها کردیم و از او روی گردانده، به سوی تو آمدیم، وی را با دوباره گرفتار شدن به دست او،شیرین کام مکن.

دعای ۱۱ عاقبت به خیری

ای آن که یادش، برای یادکنندگان مجد و بزرگواری است، و ای آن که سپاس گزاریش، برای سپاس گزاران پیروزی و رستگاری است، و ای آن که فرمان برداریش برای فرمانبرداران، نجات و رهایی است! بر محمد و آلش درود فرست، و دل های ما را به یادت از هر یادی، و زبانمان را به سپاس گزاریت از هر سپاسی، و اعضامان را به طاعتت از هر طاعتی غافل کن.

و اگر در جنب کار و کوشش، فراغت و آسایشی برای ما مقدّر فرموده ای، آن فراغت و آسایش را قرین سلامت قرار ده که در عرصه گاه آن، پی آمد بدی به ما نرسد، و ملالت و دل تنگی به ما نپیوندد، تا فرشتگان نویسندهٔ بدی ها، با پرونده ای پاک و خالی از ثبت بدی های ما برگردند، و فرشتگان نویسندهٔ خوبی ها، به سبب خوبی هایی که از ما نوشته اند، خوشحال و شادان باز آیند.

و هنگامی که روزگار زندگیمان سپری شود، و مقدار عمرمان بگذرد و به پایان برسد و دعوتت به مرگ که چاره از آن و اجابتش نیست، ما را آماده افتادن به کام مردن کند. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پایان آنچه نویسندگان اعمال ما در پروندهٔ ما خواهند نوشت، توبهٔ پذیرفته شده قرار بده، توبه ای که پس از آن ما را بر گناهی که کسب کرده ایم و معصیتی که مرتکب

ص:۶۸

شده ایم، نایستانی.

و پرده ای که بر ما پوشانـدی، در برابر حاضـران روز قیامت، از روی گناهان ما برندار، روزی که خبرهای بندگانت را آشکار می کنی. مسلّماً تو نسبت به کسی که می خواندت، مهربانی و نسبت به کسی که صدایت می زند، جواب دهنده ای.

دعای ۱۲ اعتراف به گناه و توفیق توبه

خدایا! مسلّماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع می شود، و یک خصلت، مرا به جانب درخواست از تو پیش می برد. آن سه خصلتی که مانع درخواست من می باشد این است:

۱. کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی، و من در انجامش کندی کردم.

۲. کار زشتی که مرا از آن بازداشتی، و من در ارتکابش شتاب ورزیدم.

۳. نعمتی که به من دادی، و من در سپاس گزاریش کوتاهی کردم.

و آنچه مرا به جانب درخواست از تو پیش می برد، احسان توست به کسی که با نیت خالص به سوی تو آمد، و با خوش گمانیش به پیشگاه حضرتت وارد شد؛ زیرا تمام احسانت تفضّل و همهٔ نعمت، آغاز و ابتدایی از جانب تو نسبت به آفریده هاست. ای معبود من! اینک منم که به پیشگاه عزّتت ایستاده ام؛ ایستادن فرمان بردار خوار، و بر اساس حیا و شرمم از تو درخواست کننده ام، درخواست کنندهٔ بی نوای عیال وار.

اقرار دارم به این که هنگام احسانت، جز برکنار ماندن از نافرمانیت، فرمانی نبرده ام، و در تمام حالات از نیکی و احسانت، بی بهره نبودم.

ای معبود من! اقرارم نزد تو به زشتی اعمالی که مرتکب شده ام، آیا برایم

سودی خواهد داشت؟ و اعترافم به محضر حضرتت به بدی کرداری که از من صادر شده، آیا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟ یا در این وضعی که هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب نمودی، یا در وقت درخواستم، دشمنیت ملازم من گشته؟!

پاک و منزّهی، از تو ناامید نمی شوم و حال آن که درِ توبه به محضرت را به رویم گشوده ای؛ بلکه سخن می گویم، سخن بنده ای خوار؛ بنده ای ستم کننده به خویش؛ بنده ای که حرمت پروردگارش را سبک شمرده؛ بنده ای که گناهانش بزرگ شده و روی هم انباشته گشته و روزگارش از او روی گردان شده، و به او پشت کرده، تا جایی که چون نظر می کند، می بیند زمان عمل سپری شده، و نهایت عمر به پایان رسیده. یقین می کند که برای او گریزگاهی از عذابت، و پناهگاهی از کیفرت وجود ندارد. همراه انابه و ناله با حضرتت روبه رو می شود و بازگشت و توبه را برای تو خالص می کند، پس با دلی پاک و پاکیزه در پیشگاهت می ایستد. سپس با ناله ای سوزناک و آهسته تو را می خواند.

در جائی که در برابرت، سر تواضع و فروتنی پایین انداخته، تا جایی که از شدّت فروتنی خمیده گشته و از خواری سر به زیر افکنده؛ به طوری که قامت راستش کج شده، بیم و ترسش از عظمت تو، قدم هایش را به لرزه انداخته، و اشک هایش صفحهٔ رخسارش را فراگرفته. تو را با این جملات می خواند: ای مهربان ترین مهربانان! و ای رحیم ترین کسی که درخواست کنندگان رحمت به او توجّه می کنند، و ای عطوف ترین کسی که آمرزش خواهان گِرد او گردند، و ای آن که گذشتش از انتقامش بیشتر، و خشنودیش از خشمش افزون تر است.

و ای آن که باگذشت نیکویش ستوده بودنش را به مخلوقش می نمایاند، و بندگان را به پذیرفتن توبه عادت می دهد، و اصلاح شدن تباه کارشان را به توبه می خواهد، و ای آن که از عمل بندگان، به اندکش خشنود است، و عمل اندک

آنان را پاداش فراوان می دهد.

و ای آن که اجابت دعایشان را ضامن شده، و به احسانش، پاداش نیکو را به آنان وعده داده.

خدایا! من نه از گناهکارترین گناهکارانم که او را آمرزیده ای، و نه از نکوهیده ترین کسانی که از پیشگاهت عذر خواسته اند، و تو عذرشان را پذیرفته ای، و نه از ستم کارترین کسانی که به سویت بازگشته اند، و تو بازگشتشان را قبول کرده ای.

خدیا! در این مقام و وضعی که هستم، به درگاهت توبه می کنم؛ توبه پشیمانی که بی اختیار گناهانی از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت و ترس است، و از امور زشتی که در آن افتاده خالصانه شرمگین است. دانایم به این که گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمی آید، و بخشیدن معصیت گران بر تو سخت نمی باشد.

و تحمل جنایات زشت و ناپسند که از مردم بدکار صادر می شود، تو را به مشقت و زحمت نمی اندازد.

و آگاهم به این که محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که از سرکشی و تکبر نسبت به تو دست بردارد، و از پافشاری بر گناه اجتناب کند و استغفار را بر خود واجب بداند. من از این که در برابر تو سرکشی کنم بیزارم، و از این که بر گناه پافشاری ورزم، به تو پناه می آورم، و نسبت به آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و بر آنچه از انجامش عاجزم، از تو یاری می طلبم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و حقوقی که بر عهدهٔ من داری بر من ببخش، و از عذابی که از جانب تو سزاوار آنم، مرا به سلامت دار، و از اموری که بدکاران از آن می ترسند پناهم ده. مسلماً به گذشت از گنهکار قدرت داری و برای آمرزش، مورد امیدی، به بخشیدن معصیت معروفی، برای حاجتم

محلّ طلبی جز تو نیست، و برای گناهم آمرزنده ای غیر تو وجود ندارد. حاشا که چنین نباشی، من بر خود به غیر تو نمی ترسم. تو اهل تقوا و آمرزشی. بر محمّد و آل محمّد درود فرست.

و حاجتم را روا کن و خواسته ام را برآور و گناهم را بیامرز، و ترسم را ایمنی ده. همانا تو بر هر چیز توانایی، و اموری که از تو خواستم، روا کردنش برای تو آسان است. دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان!

دعای ۱۳ درخواست نیازمندی�ها

خدایا! ای نهایت خواستن حاجات، و ای آن که رسیدن به تمام خواسته ها به دست قدرت اوست، و ای آن که نعمت هایش را به بها و قیمت نمی فروشد، و ای آن که بخشش هایش را، به منّت گذاشتن، تیره و ناصاف نمی کند، و ای آن که به او بی نیاز می شود، و از او بی نیاز نمی شوند، و ای آن که به او رغبت می کنند، و از او روی برنتابند، و ای آن که درخواست ها، گنج هایش را از بین نمی برد، و دست آویزها، حکمتش را تغییر نمی دهد، و رشتهٔ حوایج نیازمندان از او قطع نمی شود، و دعای دعا کنندگان او را خسته و درمانده نمی کند.

وجودت را به بی نیازی از همهٔ آفریده ها ستوده ای، و حضرتت به بی نیازی از آنها شایسته است. آفریده ها را به نیازمندی نسبت داده ای، و آنان هم بی چون و چرا نیازمند به تو هستند. پس کسی که ترمیم خلأ و شکاف زندگیش را از تو بخواهد، و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند، محقّقاً حاجتش را از جایگاه اصلی اش خواسته و به دنبال مطلبش، از راه صحیح و درستش آمده، و کسی که برای حاجتش به یکی از آفریده های تو رو کند، یا او را به جای تو وسیلهٔ رسیدن به نیازش قرار دهد، محقّقاً خود را در معرض محرومیت قرار داده، و سزاوار از دست رفتن احسان تو گشته است.

ص:۷۸

خدایا! برای من در پیشگاه حضرتت حاجتی است که دست طاقت و توانم، از دست یابی به آن کوتاه است، و رشتهٔ چاره ام، بدون لطف تو بریده است، و نَفْسم در نظرم چنین آراسته که رفع نیازم را از کسی بخواهم که رفع نیازهایش را از تو می خواهد، و در حاجاتش از تو بی نیاز نیست. این درخواست حاجت از غیر تو لغزشی است، از لغزش های خطاکاران، و افتادنی است، از افتادن های گناهکاران.

آن گاه به یادآوری تو، از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو از عرصه گاه لغزشم برخاستم و به راهنمایی تو از افتادنم به وادی خطر پس آمدم، و از علل در افتادن به گمراهی دست برداشتم، و گفتم: منزه و پاک است پروردگارم، چگونه نیازمندی از نیازمند دیگر طلب حاجت کند، و از کجا تهی دستی به تهی دستی دیگر میل و رغبت نشان دهد؟!

روی این حساب، با اشتیاق و شوق آهنگ تو کردم، و از باب اطمینان به تو، امیدم را به جانب حضرتت آوردم، و دانستم آنچه را از تو می خواهم، هر چند زیاد باشد، در کنار داراییت اندک است، و چیزهای با ارزشی که بخشش را از تو درخواست می کنم، در جنب توانابیت کوچک و بی مقدار است، و دایرهٔ کرم و بزرگواریت با تقاضای هیچ کس تنگ نمی شود، و دست بخشندگیت از هر دستی برتر است.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا به کرم و بزرگواریت بر دست یافتن به احسانت کمک فرما، و از باب عدالتت بر کیفری که سزاوار آنم دچار مکن.

من اوّلین رغبت کننده ای نیستم که به حضرتت رو آورده، پس به او عطا کرده ای، و حال آن که سزاوار ممنوع شدن از عطایت بوده، و اولین خواهنده ای نیستم که از تو طلب حاجت کرده و تو بر او احسان کرده ای در حالی که مستحق

محرومیت از احسان توست.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و مستجاب کنندهٔ دعایم باش و به ندایم توجه کن، و به زاریم رحمت آر، و صدایم را شنوا باش، و امیدم را از حضرتت قطع مکن، و دست آویز مرا از خود جدا مساز، و در این حاجتم و دیگر حوایجم، مرا به سوی غیر خودت روانه مکن، و به برآورده شدن خواسته ام، و روا شدن حاجتم و رسیدن به مطلبم، پیش از برخاستن از جایم و با آسان ساختن مشکلم و با سرنوشت خوبی که در تمام امور برایم رقم می زنی، کار ساز من باشد.

و بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودی دائمی و فزاینده که برای مدّتش انقطاعی، و برای زمانش پایانی نباشد. این درود را برایم مدد، و جهت برآورده شدن حاجتم سبب قرار ده؛ همانا تو واسع و کریمی و ای پروردگارم! از جملهٔ درخواست هایم چنین و چنان است. (و نیاز به درخواستت را می گویی، سپس به سجده می روی، و در سجده ات می گویی:) عطاو بخششت به من آرامش می دهد، و احسانت راهنماییم می کند. به حق خودت و به حق محمّد و آلش که درودت بر آنان باد، از تو می خواهم که مرا از پیشگاهت ناامید برنگردانی.

ص:۸۳

دعای ۱۴ ستم و ستمدیده

ای آن کـه اخبـار شاکیـانِ از سـتم بر او پنهـان نیست! و ای آن که نسبت به سـتمی که بر سـتم دیـدگان رفته، نیـاز به شـهادت شاهـدان نـدارد! و ای آن که یاری و نصـرتش به سـتم دیـدگان نزدیک، و مددکاریش از سـتمگران دور است! ای خدای من! محقّقاً می دانی، از فلانـی فرزنـد فلانـی ستمی بـه مـن رسـیده کـه او را از آن سـتم نهی کردی، و پردهٔ حرمتـم را دریـده که دریـدنش را بر او منع فرمودی. این سـتم گری و پرده دری، از بـاب طغیـان در نعمت توست که در اختیـار اوست، و براسـاس غفلت و بی اعتنایی به خشم و غضب توست که گریبان او را خواهد گرفت.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ستم کنندهٔ بر من و دشمنم را با نیرویت از ستم بر من بازدار، و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن، و برایش در آنچه که دوست دارد، مشغولیّت و سرگرمی قرار ده، تا از سـتم ورزی غافل گردد، و بر وجودش در برابر مظلومی که به دشمنی برمی خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست. و ستم کار را رخصت ستم بر من مده، و یاریت را نسبت به من، در برابر او نیکو قرار ده، و مرا از دست زدن به کارهایی

ص:۸۴

مانند کار او حفظ کن، و در حالتی مانند حال او قرار مده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی درنگی که خشمم را نسبت به او شفا، و کینه ام را در برابر او وفا باشد.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و عفو و بخششت را، در برابر ستمی که دشمن به من روا می دارد عوض ده و به جای رفتار بدش نسبت به من، رحمتت را قرار ده، پس هر شدّتی ورای خشم تو ناچیز، و هر بلایی با وجود غضب تو معتدل است.

خدایا! همان طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند جلوه دادی، مرا از این که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی کنم، و از هیچ حاکمی غیر تو یاری نمی خواهم؛ حاشا که چنین کنم. پس بر محمّد و آلش درود فرست و دعایم را به اجابت برسان، و شکایتم را به تغییر وضع فعلی ام مقرون ساز.

خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف آزمایش نکن، و دشمن را به ایمنی از کیفرت امتحان مفرما تا بر ستمش نسبت به من پافشاری کند، و بر حقّم چیره شود، و به زودی او را به عذابی که ستمکاران را به آن تهدید کردی آشنا کن، و مرا با اجابتی که نسبت به دعای بیچارگان وعده دادی آگاه فرما.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به پذیرفتن هر سود و زیانی که برایم مقدور کرده ای موفق دار، و مرا به آنچه از دیگری برای من، و از من برای دیگری می ستایی، خشنود ساز، و به راست ترین راه هدایتم کن، و به سالم ترین برنامه به کارم گمار.

خدایا! اگر خیر من نزد تو در این است که در گرفتن حقّم تأخیر افتد و انتقام از کسی که به من ستم روا داشته، تا روز جدا شدن حق از باطل و جایگاه گرد آمدن مدعیان متروک گذاشته شود، همان را در حق من عملی فرما. پس بر محمّد و

آلش درود فرست، و مرا از جانب خود، به نیّت صادقانه، و پایداری همیشگی یاری فرما، و از میل و رغبت بد و بی قراری اهل حرص پناه ده و نقشی از ثوابی که برای من ذخیره کرده ای، و کیفر و عقابی که برای دشمنم مهیا ساخته ای، در دلم به تصویر آر، و آن را وسیله ای برای خرسندی و رضایت من نسبت به آنچه که برایم مقدور کرده ای، و اطمینان به آنچه که برایم انتخاب فرموده ای قرار ده.

ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن؛ همانا تو داری احسان بزرگی و بر هر کاری توانایی.

ص:۸۹

دعای ۱۵ بیماری یا اندوه و گرفتاری

خدایا! تو را سپاس بر تندرستی بدنم که پیوسته از آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بیماری و مرضی که در جسمم پدید آوردی.

ای خدای من! کدام یک از این دو حال، برای سپاس گزاری به درگاهت سزاوارتر، و کدام یک از این دو وقت، برای سپاس و ثنا به پیشگاهت شایسته تر است؟ آیا زمان سلامت که روزی های پاکیزه ات را در آن برایم گوارا فرمودی، و به سبب آن برای به دست آوردن خشنودی و احسانت به من نشاط دادی، و مرا همراه آن، بر آنچه که از اطاعتت توفیق دادی، نیرو بخشیدی. یا هنگام بیماری که مرا به وسیلهٔ آن از ناخالصی ها خالص ساختی، و نعمت هایی که به من هدیه دادی، برای سبک کردن گناهانی که پشتم را گران و سنگین کرده، و پاک کردن زشتی هایی که در آن فرو رفته ام، و آگاهی دادن برای این که توبه را فراگیرم، و به یاد آوردن نعمت های قدیم، برای محو کردن گناهان بزرگ از پرونده ام؟

و در اثنای آن بیماری، از جمله تحفه هایی که به من عنایت کردی این است که فرشتگان نویسنده به حساب من اعمال پاکیزه ای نوشتند؛ اعمالی که نه دلی در آن فکر کرده، و نه زبانی به آن گویا شده، و نه عضوی در انجامش رنج برده،

بلکه بخششی از جانب تو بر من و احسانی از ساختهٔ تو به سوی من بود.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و آنچه را برایم پسندیده ای محبوب من ساز، و آنچه را بر من وارد کرده ای آسان کن، و از آلودگی اعمال زشتی که در گذشته انجام داده ام پاکم فرما، و شرّ آنچه که پیش از این مرتکب شده ام، از صفحه وجودم محو کن، و از شیرینی عافیت کامیابم ساز، و گوارایی تندرستی را به من بچشان، و راه بیرون رفتن از بیماریم را به سوی بخشش و عفوت و جابه جا شدنم را از بستر بیماری به جانب گذشتت، و نجاتم را از اندوهم به عرصهٔ رحمتت، و تندرستیم را از این دشواری به دایرهٔ گشایشت قرار ده، همانا تو تفضّل کنندهٔ به احسان و عطا کنندهٔ به نعمتی، بسیار بخشنده و بزرگواری؛ دارای جلال و اکرامی.

دعای ۱۶ طلب عفو از گناهان و عیوب

خدایا! ای آن که گنهکاران از رحمتش یاری می طلبند، و ای آن که بیچارگان به جانب یاد احسانش پناه می برند، و ای آن که خطاکاران از بیم عذابش به شدّت گریه می کنند!

ای آرامش هر ناآرام غریب! ای گشایش هر اندوهگین دل شکسته! ای کمک کنندهٔ هر خوار شدهٔ تنها! و ای یاری دهندهٔ هر نیازمند رانده شده!

تویی که از جهت رحمت و دانش، همه چیز را فرا گرفته ای و تویی که برای هر آفریده ای، سهم و نصیبی از نعمت هایت قرار داده ای، و تویی که عفو و بخشش از عقابش برتر است، و تویی که رحمتش پیشاپیش غضبش حرکت می کند، و تویی که عطا و بخشش از منع کردنش بیشتر است، و تویی که همهٔ آفریده ها را در سعهٔ رحمتش فرا گرفته، و تویی که هر کسی را نعمت عطا کردی، از او انتظار پاداش نداری، و تویی که در کیفر کسی که از تو نافرمانی کرده، از اندازه نمی گذری.

و من ای خدای من! بندهٔ توام؛ که او را به دعا دستور دادی؛ پس لبیک و سعدیک گفت. اینک منم ای پروردگارم! که انداخته شدهٔ در برابر توام؛ منم که خطاها پشتم را سنگین کرده؛ و منم که گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم که به

نادانیم، تو را نافرمانی کردم، و تو شایستهٔ این نبودی که من این گونه با تو معامله کنم.

ای خدای من! آیا حضرتت به کسی که تو را بخواند، رحم می کند، تا در خواندن تو اصرار ورزد، یا کسی که به درگاهت گریه و زاری کند می آمرزی تا در گریه شتاب کند، یا گذشت می کنی از کسی که از باب فروتنی، صورت به خاک درگاهت ساید؟ یا کسی که از باب توکّل و اعتماد، از تهی دستی خودش به تو شکایت کند، بی نیاز می سازی؟

ای خدای من! کسی را که جز تو عطا کننده ای نمی یابد، ناامید مکن و کسی را که از تو به احدی غیر تو بی نیاز نمی شود، خوار و بی یار رها مکن.

خدای من! بر محمّد و آلش درود فرست، در حالی که به تو روی آورده ام، از من روی مگردان و اکنون که به تو رغبت کرده ام، مرا از لطف و رحمتت محروم مکن. اینک که در برابرت قرار گرفته ام، دست ردّ به سینه ام مزن، و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش؛ تویی که وجود مقدّست را به رحمت وصف کرده ای، بر محمّد و آلش درود فرست، و به من رحم کن، و تویی که خود را خطابخش نامیده ای؛ بنابراین مرا ببخش ای خدای من! جریان اشکم را به خاطر ترسی که از تو دارم، و لرزیدن دلم را محض خشیتی که نسبت به عظمت تو دارم، و حرکت و تکان اعضایم را در برابر بیمی که از تو دارم مشاهده می کنی.

همهٔ اینها محصول شرمساری من از حضرت توست؛ آنهم به خاطر اعمال زشتی که از من سرزده؛ به همین سبب صدایم از این که به درگاهت به زاری بلند شود، خاموش شده و زبانم از راز و نیاز با تو باز مانده.

ای خدای من! تو را سپاس، چه بسیار عیوبی که بر من پوشاندی، و مرا رسوا نکردی، و چه بسیار گناهی که مستور داشتی، و به آنم مشهور نساختی، و چه بسیار خیانت و نیرنگ و امور هوسناکی که مرتکب شدم، ولی پردهٔ آنها را به

خاطر حفظ آبرویم ندریدی، و حلقهٔ عار و ننگ آنها را به گردنم نیاویختی، و زشتی هایم را نزد همسایگانی که به دنبال عیوب من هستند، و حسودانی که نعمت هایت را نزد من می بینند، آشکار نکردی. سپس این همه الطاف و عنایاتت نسبت به من، مرا از گرایش به بدی هایی که از من سراغ داری بازداشت مفرما.

ای خدای من! نادان تر از من به صلاح کار خود کیست؟ و غافل تر از من به نصیب و بهره اش کدام انسان است؟ و چه کسی از اصلاح وجودش، دور افتاده تر از من است، آنگاه که تمام نعمت هایی که به من می دهی، در گناهانی که مرا از آن نهی فرمودی صرف می کنم؟!

و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته و سخت تر از من اقدام به زشتی کرده، زمانی که میان دعوت تو، و دعوت شیطان می ایستم، ولی از دعوت او پیروی می کنم، با این که او را، به صورتی که باید می شناسم، و نسبت به وضع او فراموشی ندارم، و من در این موقعیت، یقین دارم که نهایت دعوت تو به سوی بهشت، و عاقبت دعوت او به جانب جهنّم است.

پاک و منزّهی تو؛ چه شگفت است که به زبان خود شهادت می دهم، و امور پنهان خود را شماره می کنم، و شگفت تر از آن بردباریت نسبت به من، و درنگت از مؤاخذهٔ سریع این بنده گنهکار است. سببش این نیست که من در آستان حضرتت انسانی گران قدرم؛ بلکه علّتش، مدارایت با من و تفضّل وجود مقدست بر من است، برای این که از نافرمانیت که موجب خشم توست باز ایستم، و وجودم را از عرصه گاه گناهانی که فرسوده کنندهٔ هویت و شخصیت من است درآوردم؛ به خاطر این که گذشتت نسبت به من نزد تو، از مجازات کردن من محبوب تر است، وگرنه ای خدای من، گناهانم فراوان تر و آثارم زشت تر و کردام ناپسندتر و گستاخیم در باطل شدیدتر، و بیداریم نزد طاعتت ضعیف تر، و هشیاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که بتوانم عیوبم را

برایت شماره کنم، یا توان ذکر کردن گناهانم را داشته باشم. جز این است که خود را به این صورت نکوهش می کنم، در حالی که به مهربانی بیش از اندازه ات که صلاح کار گنهکاران به آن است، چشم طمع دارم، و به رحمتت که آزادی خطاکاران، در گروی آن است امیدوارم.

خدایا! این وجود من است که گناهان او را به بند بردگی کشیده؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و وجودم را به عفوت از بند بردگی گناهان آزاد کن، و این پشت من است که خطاها آن را گران و سنگین کرده؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و به احسانت آن را سبک فرما ای خدای من!

اگر به درگاهت گریه کنم تا جایی که پلک های دو چشمم روی هم افتد، و چنان به شدّت ناله زنم تا صدایم قطع شود، و چندان به پیشگاهت بایستم که پایم ورم کند، و آن مقدار برایت رکوع کنم که استخوان های پشتم از جا کنده شده و زدوده گردد، و به اندازه ای سجده کنم که چشم هایم از کاسه درآید، و در طول عمرم خاک زمین را بخورم، و تا پایان حیاتم آب آلوده به خاکستر بنوشم، و در اثنای این اوضاع و احوال، چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند، آنگاه از روی شرمساری از تو، چشم به آفاق آسمان باز نکنم، با این همه سزاوار محو یک گناه از تمام گناهانم نیستم.

و اگر زمانی که سزاوار آمرزشت شوم، مرا بیامرزی، و هنگامی که مستحق عفوت گردم، مرا عفو کنی؛ همانا این آمرزش و عفو، به خاطر استحقاق من نسبت به من واجب نیست، و من مستحق وجوب آمرزش و عفو نیستم؛ زیرا پاداش من از جانب تو، در اولین باری که مرتکب معصیت شدم آتش بود، بنابراین اگر مرا عذاب کنی، ستمکار بر من نیستی.

خدای من! اکنون که مرا به پرده پوشیت در پوشیده ای و رسوایم نکردی، و به کرمت با من مدارا کرده، و به کیفرم شتاب نورزیدی و به احسانت از من

ص:۱۰۰

گـذشتی و نعمتت را نسـبت به من تغییر نـدادی و نزد من نیکی و خـوبیت را تیره و تـار نکردی، پس بر طـول زاریم، و سـختی بیچارگیم و بدی جایگاهم رحمت آر.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرسـت، و مرا از گناهـان حفـظ کـن، و بـه طـاعت و فرمـانبرداری از خـود به کـار گیر، و نیکو بـازگشت را روزیم فرما، و به توبه پاکم کن، و به دوری از گناه، یاریم ده، و به سـلامت همه جانبه، زنـدگیم را اصـلاح کن و شیرینی آمرزش را به من بچشـان، و مرا رهـا شـدهٔ عفـوت و آزاد شـدهٔ رحمتت قرار ده و از خشم خـود خـطّ امـانم بـده، و هم اکنون نه در آینده، به مژدهٔ آن خوشـحالم فرما، مژده ای که آن را بشـناسم، و به نشانه ای که، آن را آشـکارا بینم، آگاهم کن که این کـار در عرصه گـاه سـعهٔ رحمتت، بر تـو دشـوار نیست، و تـو را در میـدان قـدرتت به مشـقت نمی انـدازد، و در حوزهٔ بردباریت، تو را دچار سـختی نمی کند، و در فضای بخشـش های فراوانت که آیاتت بر آنها گواه است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمی دهد. همانا هر چه بخواهی انجام می دهی و هر چه را اراده فرمایی حکم می کنی، مسلماً بر هر کاری توانایی.

ص:۱۰۱

دعای ۱۷ پناه بردن به حق

خدایا! به تو پناه می برم از فتنه انگیزی های شیطان رانده شده، و از نیرنگ و مکرهایش، و از اطمینان به دروغ ها و وعده ها و فریب کاری و دام هایش، و این که خود را در گمراه کردن ما از راه بندگیت، و خوار کردنمان بر اثر معصیتت، به طمع اندازد یا نزد ما نیکو شود زشتی هایی که او در نظر ما نیکو جلوه می دهد، یا گران و سخت شود، خوبی هایی که او در نظر ما زشت نشان می دهد.

خدایا! به عبادت و بندگی ما، او را از عرصه گاه زندگیمان دور کن و به سبب جدّیت و تلاشمان در راه محبتت، او را ذلیل و خوار گردان، و بین ما و او پرده ای قرار ده که آن را ندرد، و حجابی ضخیم برقرار کن که آن را نشکافد.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و شیطان را با سرگرم شدن به برخی دشمنانت از ما منصرف کن و ما را به رعایت نیکویت از او حفظ فرما، و از خیانت و نیرنگش کفایت کن و رویش را از ما برگردان، و ردّ پایش را از ما قطع کن. خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از هدایتی که در دوام و پابرجایی مانند گمراهی او باشد، بهره مند ساز، و ما را در برابر بی راهی او، توشهٔ تقوا کرامت فرما، و خلاف راه هلاکت بار او، ما را به مسیر تقوا رهنمون باش.

ص:۱۰۲

خـدایا! برای او در دل های ما راه وارد شدن قرار مده، و در شؤون زندگی ما برای او جایگاه اقامت فراهم نکن. خدایا! ما را به آنچه که از باطـل در نظرمان بیارایـد، آگاه ساز، و چون آگاهمان کردی، از آن نگاهمان دار و ما را به زمینه های چاره جویی در برابر او بینـا گردان، و آنچه را که بایـد علیه او آمـاده کنیم، به مـا الهـام کن، و مـا را از خـواب غفلـتی که سـبب گرایش به اوست بیدار فرما، و یاری دادن ما را در جنگ با او، به توفیقت نیکو گردان.

خدایا! دل های ما را از ردّ کردن و انکار عملش سرشار ساز، و به ما برای درهم شکستن حیله اش لطف فرما.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و سـلطه و تسلّط شـیطان را از مـا بگردان، و امیـدش را از ما قطع کن، و او را از حرص ورزیدن به گمراهی ما دفع فرما.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و پـدران و مـادران و فرزنـدان و اهـل مـا و خویشـان و نزدیکان و همسایگانمان اعمّ از مردان مؤمن، و زنان مؤمنه را از وجود خطرناکی چون شـیطان در جایگاهی محکم، و دژی حفظ کننـده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و آنان را برای دفع زیان او، زره های نگاه دارنده بپوشان، و اسلحه های برّنده بر ضد او عطا کن.

خـدایا! مشـمول این دعا قرار ده کسـی را که به پروردگاریت گواهی می دهد، و به وحدانیت اخلاص می ورزد، و به حقیقت بندگیت با شیطان دشمنی می کند، و از تو برای شناخت علوم ربّانی، علیه او یاری جوید.

خـدایا! آنچه را گره زده بگشای، و هر راهی که باز کرده ببنـد، و هر تـدبیری که اندیشـیده به هم زن، و از هر کاری که قصـد کرده بازش دار، و هر چه را محکم کرده سست کن.

خدایا! لشکرش را شکست ده، و نیرنگش را باطل ساز، و پناهگاهش را

ویران کن، و بینی اش را به خاک مال.

خدایا! ما را در سلک دشمنانش قرار ده، و از شمار دوستانش برکنار کن تا چون ما را بفریبد از او پیروی نکنیم، و هر گاه ما را بخواند، جوابش ندهیم، و هر که را پیروی دستور ماست به دشمنی با او دستور دهیم و هر که را پیروی نهی ماست، برای بازداشتن از اطاعت او پند دهیم.

خدایا! بر محمّد خاتم انبیا و سید رسولان، و بر اهل پاک و پاکیزهٔ او درود فرست، و ما و اهل ما و برادران ما و تمام مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه می جوییم پناه ده، و از آنچه از بیم آن، از تو ایمنی می خواهیم امان بخش، و دعای ما را نسبت به آنچه دعا می کنیم بشنو، و آنچه را از درخواستش غفلت می کنیم، به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و ما را به سبب آن به درجات شایستگان و رتبه های اهل ایمان انتقال ده. دعایمان را مستجاب کن. ای پروردگار جهانیان!

ص:۱۰۷

دعای ۱۸ بلا و عافیت

خدایا! تو را سپاس بر سرنوشت خوبی که مقدّر می کنی، و بر بلا و مصیبتت که از من می گردانی؛ پس بهره ام را از رحمتت، در این عـافیتی که در زنـدگی دنیـا به من عنایت کرده ای منحصـر مکن؛ که در نتیجه به سـبب آنچه که دوست دارم بـدبخت شوم، و دیگری به خـاطر آنچه که خوش نـدارم، خوشـبخت شود، و اگر عافیتی که روز را در آن به شب می رسانم، یا شب را در آن به روز می رسـانم، مقـدّمه بلا-یی است که قطع نمی شود، و پیشـاپیش بـار سـنگینی است که بر طرف نمی گردد، پس آنچه را برایم به تـأخیر انـداخته ای، پیش انـداز، و آنچه را پیش انـداخته ای به تأخیر افکن؛ زیرا چیزی که پایانش فنا و نابودی است، بسیار فراوان به حساب نمی آید و آنچه عاقبتش بقا و همیشگی است، اندک و کم نمی باشد، و بر محمّد و آلش درود فرست.

ص:۱۰۸

دعای ۱۹ درخواست باران

خـدایا! برای ما باران فرست، و رحمتت را به باران پُر آب و فراوان بر ما بگستران؛ از ابری که برای گیاه زیبای زمینت، در تمام ناحیه ها و اطراف سوق داده شده.

و بر بندگانت با به بار آمدن و رسـیدن میوه منّت گذار، و سـرزمین های مرده ات را با شکفتن شکوفه ها زنده کن، و فرشتگان بزرگوار نویسـنده ات را با فرسـتادن بارانی سودمند و پیوسته، از جانب خودت گواه گیر؛ بارانی که فراوانی و انبوهش وسیع، و باریدنش بسـیار تند و آمدنش سـریع و زود باشد تا به آن باران، هر چه از زمین و گیاه مرده است، زنده کنی، و به سبب آن از دست رفته ها را بازگردانی، و آنچه از دل زمین آمدنی است، بیرون آری، و از برکت آن باران، روزی ها را وسعت بخشی، از ابری انباشـته، لـذّت بخش، گوارا، فراگیر و غرّان که بارانش انـدک نباشـد، و برقش نفریبـد. خدایا! برای ما بارانی فریادرس و برطرف کنندهٔ قحطی فرست؛ بارانی رویانندهٔ گیاه، و سـرسبز کنندهٔ دشت و دمن، و بارانی وسیع و فراوان که به وسیلهٔ آن گیاه از رشـد ایسـتاده را به عرصـهٔ رشـد و نموّ بـازگردانی و در سایـهٔ آن، مردگی و خشـکی زمینی که علف و گیاهش از بین رفته جبران کنی.

ص:۱۱۲

خـدایا! مـا را بـارانی فرست که به وسـیلهٔ آن از تپّه هـا آب سـرازیر فرمـایی، و چاه ها از آن پر کنی، و نهرها را روان سازی، و درختـان را برویـانی، و قیمت هـا را در تمـام شـهرها ارزان کنی، و چهارپایـان و مخلوقات را نشاط و قوّت دهی، و روزی های پاکیزه را برای ما کامل کنی، و زراعت را برویانی، و پستان ها را پر شیر سازی، و نیرو به نیروی ما بیفزایی.

خـدایا! سایهٔ ابر را بر ما باد گرم و زهرآگین مساز، و سـردی آن را بر ما شوم و نحس مکن، و بارانش را بر ما عذاب قرار مده، و آبش را برای ما تلخ و شور مگردان.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از برکت آسمان ها و زمین روزی بخش؛ همانا تو بر هر کاری توانایی.

دعای ۲۰ در مکارم اخلاق و اعمال پسندیده

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و ایمانم را به کامل ترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده.

خداونـدا! نیتّم را به بهترین نیتّ هـا و عملم را به بهترین اعمـال برسـان و نیّتم را به بهترین نیّت هـا و عملم را به بهترین عمل ها منتهی سـاز. خـدایا! نیّتـم را به لطفت کامـل گردان و یقینم را به رحمتت در گردونـهٔ صـحّت و سـلامت قرار ده و فسـادم را به قدرتت اصلاح کن.

خـدایا بر محمّـد و آل محمّـد درود فرست، و مرا از آنچه توجّه به آن دچار سـر گرمی و مشـغولیت می کند، کفایت کن، و در اموری به کـار گیر که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسـی می کنی، و روزگارم را در اهـدافی که مرا به خاطر آن به وجود آوردی مصروف دار.

و مرا تـوانگر کـن و روزیـت را بر مـن وسـعت ده، و مرا به چشم داشت نسـبت به آنچه در دست این و آن است مبتلاـ مکن، و ارجمندم ساز.

و مرا به سرکشـی و گردن کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگیت قرار ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را به دست من برای تمام مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن، و اخلاق شریفه و بلند مرتبه

به من ببخش و از فخرفروشی نگاهم دار.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه ای نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست گردانی، و عزّت آشکاری برایم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه، خواری باطنی برایم ایجاد کنی.

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدایتی شایسته بهره مند ساز که آن را با روشی دیگر عوض نکنم، و راه حقّی نصیبم کن که از آن منحرف نشوم، و نیّت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم.

و مرا زنده دار، مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان پیش از آن که دشمنی و نفرتت بر من پیشی گیرد، یا خشمت نسبت به من محکم و استوار شود.

خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من مگذار، جز این که اصلاحش کنی، و عیب قابل ملامتی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که نیکویش گردانی، و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایی.

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت هایی که می شمارم، به نفع من تغییر ده: شدت کینۀ دشمنان را به محبت، و حسد متجاوزان را به مودّت، و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت خویشان را به خوش رفتاری، و تنها و بی یار گذاشتن نزدیکان را به یاری، و دوستی فریبکاران را به درست شدن دوستی، و ردّ کردن همنشینان را به رفتای کریمانه، و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیّت.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر کسی که به من ستم می کند غالب و چیره، و بر ضدّ کسی که با من به مجادله برمی خیزد زبان گویا، و بر کسی که با من دشمنی می ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می زند، چاره جویی بخش، و در برابر کسی که به من ستم می کند قدرت عنایت فرما، و علیه

کسی که به من دشنام می دهد و غیبت می کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید می کند به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می برد، توفیق فرمانبری ده، و از آن که مرا به راه راست هدایت می کند، توفیق پیروی عنایت کن.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به این اموری که از تو می خواهم پایدار و استوار دار: ایستادن در برابر کسی که به من خیانت کرده با سلاح نصیحت و خیرخواهی، پاداش دادن به کسی که از من دوری جسته با نیکی و خوبی، جزا دادن به کسی که مرا از عطایش محروم ساخته، با بذل و بخشش، تلافی کردن نسبت به کسی که با من قطع رابطه کرده، با صله و پیوند، مخالفت ورزیدن با کسی که از من غیبت کرده، با نیکو یاد کردن از او، به جا آوردن سپاس، در برابر خوبی و چشم پوشی از بدی.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم، آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان ها، نرم خویی، فروتنی، خوش رفتاری، آرامش، وقار، خوش اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش، خوبی کردن به غیر مستحق، حق گویی، گرچه سنگین باشد، اندک دانستن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد و زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم، هر چند اندک باشد، و همهٔ این امور را به دوام اطاعتم از حضرتت، و همراهی با مسلمانان، و دست برداشتن از اهل بدعت، و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می گیرند، کامل کن.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فراخ ترین روزی را، هنگامی که پیر

شدم برایم قرار ده، و نیرومندترین نیرویت را، زمانی که خسته و درمانده شدم نصیبم فرما، و مرا به سستی و کسالت از بندگیت مبتلا نکن، و نه به نابینایی از شناخت راهت، و نه به دچار شدن خلاف دوستیت، و نه به همراهی کردن با کسی که از تو جدا شده، و نه به جدا شدن از کسی که با تو همراه گشته.

خدایا! چنانم قرار ده که هنگام ضرورت با کمک حضرتت به دشمنان حمله کنم، و به هنگام نیاز از تو بخواهم، و زمان درماندگی و مسکنت، به درگاه تو بنالم.

خدایا! مرا به این امور امتحان مکن: کمک خواستن از غیر خودت، هنگامی که مضطر شوم. به خاکساری و فروتنی در برابر ما سوای وجودت، زمانی که به تهی دستی گرفتار آیم. به زاری کردن به درگاه غیر حضرتت، وقتی که دچار ترس شوم، تا به خاطر این امور مستحق خواری و منع نعمت و روی گردانی و بی اعتنایی از جانب تو گردم.

ای مهربان ترین مهربانان! آنچه شیطان از آرزوی باطل و بدگمانی و حسد در دل من می اندازد، همه را یاد بزرگیت و اندیشهٔ در قدرتت، و تصمیم و طرح علیه دشمنت قرار ده، و آنچه بر زبانم جاری می کند، از فحش و بدگویی یا ناسزا به ناموس مردم، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایبی، یا دشنام به حاضری و آنچه شبیه اینهاست، همه را سخن به حمد و سپاست و مبالغه در ثنایت، و فرو رفتن در تعظیمت و شکر نعمتت و اقرار به احسانت و شمردن نعمت هایت قرار ده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و بر من ستم نشود، در حالی که به دفعش از من توانایی، و بر دیگری ستم نکنم، در حالی که بر نگاه داشتنش از من قادری، و گمراه نشوم در حالی که بر هدایت من نیرومندی، و تهی دست نشوم، در حالی که فراخی روزی من نزد توست، و طغیان نکنم، در حالی که توانگری

من از جانب توست.

خدایا! به سوی آمرزشت آمدم، و به جانب بخششت روی کردم، و به گذشتت مشتاقم، و به احسانت اعتماد کردم. چیزی نزد من نیست که به خاطر آن سزاوار بخششت شوم، و پس از این که علیه خود داوری کردم، به این نتیجه رسیدم که چیزی جز احسانت برایم نیست؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و به من احسان کن.

خدایا! به هدایت، گویایم کن و تقوا را به من الهام فرما، و به پاکیزه ترین روش توفیقم ده، و به اموری که پسندیده تر است به کارم گیر.

خدیا! مرا به بهترین راه بر، و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در تمام امور زندگی از میانه روی بهره مند کن، و اهل صواب و درستی، و از زمرهٔ راهنمایان به خیر، و از بندگان شایسته ات قرار ده، و رستگاری روز قیامت و سلامت از کمینگاه عذاب را روزیم فرما.

خدایا! از نَفْس من آنچه که او را رهایی و نجات می دهد، برای خود دریافت کن و برای نفس من از نفس من آنچه که او را اصلاح می کند باقی گذار. همانا نفس من در معرض هلاکت است؛ مگر این که تو حفظش کنی.

خدایا! اگر اندوهگین شوم، تو ذخیره و مایهٔ دل خوشی منی، و اگر از هر دری محرومم کنند، تو محلّ رفت و آمد منی، و اگر در فشار و سختی قرار گیرم، کمک خواهیم از وجود توست، و آنچه از دستم رود، عوض و بدلش نزد توست، و برای هر چه فاسد شود، مایهٔ اصلاح پیش توست، و هر آنچه را ناپسند داری، تغییرش به دست توست.

خدایا! پیش از بلا به عافیت، و قبل از درخواست، به توانگری، و پیش از

ص:۱۲۳

گمراهی، به هدایت بر من منّت گذار، و مرا از سختی و دشواری، آزار بندگان کفایت فرما، و ایمنی روز قیامت را نصیبم کن، و ارشاد کردن نیکو و خوب را به من عطا فرما.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، شرور را به لطف خود از من دفع کن، و به نعمتت مرا پرورش ده، و به بزرگواریت، مرا اصلاح کن، و به احسانت مرا مداوا فرما، و در سایهٔ پناهت جای ده، و خلعت خشنودیت را بر من بپوشان، و زمانی که امور بر من مبهم و مشکل شود، به هدایت آمیزترینش، و هنگامی که اعمال برایم مشتبه شود، به پاکیزه ترینش، و چون آیین ها دچار اختلاف شوند، به پسندیده ترینش، موفقم دار.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و تارک وجودم را به تاج کفایت بیارای، و به حسن سرپرستی، بلند مرتبه ام گردان، و مرا صدق هدایت بخش، و به گشایش در امور زندگی آزمایشم مکن، و آرامش نیکو به من عطا فرما، و زندگیم را دشوار و سخت قرار مده، و دعایم را به من بر مگردان؛ برگرداندنی تلخ و ناهنجار، همانا من برای تو ضدی در اعتقادم قرار نمی دهم، و با تو همانند و شبیهی نمی خوانم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از اسراف بازدار، و روزیم را از تلف شدن نگاه دار، و داراییم را به برکت در آن افزون کن، و مرا برای خیر و نیکی در آنچه از آن مال خرج می کنم، به راه هدایت برسان.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از سختی و دشواری کسب و کار کفایت کن، و روزیم را از جایی که گمان نمی بریم عنایت فرما، تا در راه به دست آوردن روزی از بندگیت باز نمانم، و سنگینی وبال های کسب را به دوش نکشم.

خدایا! آنچه را می طلبم، به قدرتت برایم فراهم کن، و از آنچه می ترسم، به

عزّتت پناهم ده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آبرویم را به توانگری حفظ کن، و قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما که از روزی خوارانت روزی بخواهم، از بَدان و اشرار آفریده هایت عطایی بطلبم، تا به سپاسگزاری کسی که عطایم می کند گرفتار شوم، و به سرزنش کسی که از عطا کردن به من باز می ایستد دچار گردم، و حال آن که تو متولّی عطا و منعمی، نه دیگران.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و صحت و سلامتی که در عبادت مصرف شود، آسایش و فراغتی که در فضای زهد به کارم آید، و دانش و معرفتی که در عمل به کار گرفته شود، و پارسایی و تقوایی که از افراط و تفریط دور باشد، روزی من فرما.

خدایا! مدت عمرم را به عفو و بخشش پایان ده، و آرزویم را در امید به رحمتت تحقّق ده، و راههایم را برای رسیدن به خشنودیت هموار ساز، و در تمام احوال، کردارم را نیکو گردان.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در اوقات بی خبری برای یادت بیداری ده، و در روزگار مهلت برای فرمانبرداریت به کار گیر، و برایم راه آسانی به سوی محبّتت باز و هموار کن و به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل ساز.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ مانند برترین درودی که پیش از او بر یکی از بندگانت فرستادی، و پس از او بر یکی از آفریده هایت می فرستی، و ما را در دنیا و آخرت خوبی عطا کن، و مرا به رحمتت از شکنجهٔ آتش حفظ فرما.

ص:۱۲۵

دعای ۲۱ هجوم اندوه و نگرانی از گناه

خدایا! ای بی نیاز کنندهٔ فرد ناتوان! و ای حافظ بندگان از حادثهٔ ترسناک! خطاها مرا دچار تنهایی کرده؛ پس هم نشینی که وزرو وبال و عذاب خطاها را از من دفع کند برایم نیست، و از تحمل خشمت ناتوان شده ام، و نیرو دهنده ای برایم نمی باشد، و بر ترس دیدارت، به وقت مرگ و قیامت، آنهم دیداری نامناسب و هولناک نزدیکم، و آرام بخشی برای ترسم وجود ندارد.

اگر مرا بترسانی چه کسی در برابر تو امانم می دهد؟ و اگر تنهایم بگذاری چه کسی مرا یاری می دهد؟ و اگر ناتوانم سازی چه کسی مرا تقویت می کند؟

ای خدا! منِ پرورده را جز پروردگار پناه نمی دهد، و شکست خورده را جز پیروز امان نمی بخشد، و خواسته شده را جز خواستار کمک نمی کند.

ای خدای من! تمام آن وسایل و اسباب به دست ارادهٔ توست، و گریزگاه و پناهگاه به سوی توست، پس بر محمد و آلش درود فرست، گریزم را پناه ده، و خواسته ام را روا کن. خدایا! اگر روی کریمت را از من بگردانی، یا مرا از احسان بزرگت محروم کنی، یا روزیت را از من دریغ ورزی، یا رشتهٔ پیوندت را از من بگسلی، راهی برای دست یابی، به هیچ یک از آرزوهایم جز تو نیابم، و بر آنچه پیش توست، جز به یاری تو دست رسی پیدا نکنم؛ چرا که من بندهٔ تو،

و در قبضـهٔ ارادهٔ توام. اختیـارم به دست توست، با فرمان تو فرمانی برای من نیست. حکم تو در تمام شؤون زنـدگی من جاری است، و تقدیرت دربارهٔ من عین عدالت است. مرا نیروی بیرون رفتن از قلمروی سلطنت تو نیست، و استطاعت تجاوز از حیطهٔ قـدرتت برایم وجود نـدارد، و توان جلب دوستیت را نـدارم، و به خشـنودیت نمی رسم، و به آنچه نزد توست جز به طاعتت و فضل رحمتت، دست نمی یابم.

خـدایا! صبح و شب کردم، درحالی که بنـدهٔ خوار و بی مقـدار توام. برای خود جز بـا کمک حضـرتت بر جلب سودی و دفع زیانی قدرت ندارم. به آنچه دربارهٔ خود گفتم، شهادت می دهم. به ناتوانی نیرویم، و کمی تدبیرم اعتراف می کنم؛ پس آنچه را به من وعـده دادی وفا کن، و آنچه را که به این بنـده ات عطا فرموده ای، کامل ساز؛ زیرا که من بنـدهٔ بی نوا، ذلیل، ناتوان، دردمند، کوچک، بی مقدار، تهی دست، ترسان و پناهنده به توام.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست، و مرا نسبت به یاد خود در آنچه به من عطا کردی، فراموشکار مکن، و به احسانت در آنچه به من بخشیده ای غافـل و بی خبر مساز، و از اجابت دعایم، گرچه تأخیر افتـد ناامیـد مکن. هر چنـد در خوشی باشم، یا ناخوشی، در سختی باشم یا رفاه، در سلامت همه جانبه باشم یا بلا، در تنگدستی و بیچارگی باشم یا نعمت، در دارایی باشم یا محنت، در تهیدستی باشم یا توانگری.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست و ثنـایم را برای خودت، و ستودنم را محض حضـرتت، و سپاسم را در تمـام حالاتم به خـاطر وجـود مبـارکت قرار ده، تـا بـه آنچـه از دنیـایم عطـایم می کنی، خوشحال نشـوم، و بر آنچه در دنیـا محرومم می کنی اندوهگین نگردم، و تقوایت را به قلبم بچسبان، و بدنم را در اعمالی که از من قبول می کنی به کارگیر و وجودم را، برای دور ماندن از هر خلافی که به

جانب من می آید، به طاعت و بندگیت مشغول دار، تا ذره ای از خشمت را دوست نداشته باشم، و نسبت به ذرّه ای از خشنودیت خشم نورزم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و دلم را برای دوستیت خالی کن، و به یاد خود مشغول ساز، و به بیم و هراس از خود نشاطش ده، و به شوق و رغبت به سویت نیرومندش کن، و به جانب طاعتت میلش ده، و در محبوب ترین راههایِ به سویت روانش ساز، و در تمام دورهٔ زندگیم او را به رغبت داشتن نسبت به آنچه نزد توست رام گردان.

از دنیا، تقوایت را توشه ام و سفرم را به جانب رحمتت، و ورودم را در خشنودیت، و جایم را در بهشتت قرار ده، و مرا قدرتی بخش که تمام بار خشنودیت را به دوش جان حمل کنم.

گریزم را به سویت، و میلم را در آنچه نزد توست قرار ده، و لباس وحشت از شرار بندگانت را بر دلم بپوشان، و انس گرفتن به خودت و عاشقانت و اهل طاعتت را به من ارزانی دار.

و به سود هیچ بدکار و کافری بر من منّت و نعمت قرار مده. و روی نیازم را به جانب آنان مکن؛ بلکه آرامش دل، و انس جان، و بی نیازی و انجام گرفتن کارم را برعهدهٔ خود، و برگزیدگان از بندگانت قرار ده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا همنشین و یار ایشان قرار ده، و به شوق ورزیدن به سویت، و به عمل برایت چنانکه دوست داری و می پسندی بر من منّت گذار؛ همانا تو بر هر کاری توانایی، و تحقق آن همه که گفتم بر تو آسان است.

ص:۱۳۱

دعای ۲۲ سختی و دشواری امور

خدایا! کار دشواری چون اصلاح نفسم را بر عهدهٔ من نهاده ای که خودت از من به آن کار تواناتری، و تواناییت بر آن کار و بر من، بیش از توانایی من است؛ پس چیزی که تو را از من خشنود می کند به من عطا فرما، و خشنودیت را در حال تندرستی ام، از من دریافت کن.

خدایا! مرا طاقت بر مشقت، و شکیبایی بر مصیبت، و قدرت بر تنگ دستی نیست؛ پس روزیم را منع مکن و مرا به بندگانت وامگذار؛ بلکه خود به تنهایی حاجتم را برآور و کار ساز من باش، و به من با نظر رحمت بنگر، و در تمام امورم مصلحتم را در نظر گیر؛ زیرا اگر مرا به خود واگذاری، از تحقق دادن کارهایم عاجز شوم، و به کاری که مصلحت من در آن است برنخیزم، و اگر مرا به بندگانت واگذاری، با ترش رویی به من بنگرند، و اگر به پناه خویشانم فرستی، محرومم سازند، و اگر عطا کنند، عطایی اندك و پر دردسر دهند، و بر من منّت بسیار گذارند، و بیش از اندازه نکوهش کنند.

خدایا! پس به احسانت بی نیازم کن، و به بزرگیت مرتبهٔ بلندم ده و به توانگریت، دستم را گشاده ساز، و به آنچه که نزد توست بی نیازم فرما.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از حسد رهایی ده، و از گناهانم

ص:۱۳۲

بـازم دار، و از حرام هـا پرهیز ده، و بر معاصـی دلیرم مگردان، و میـل و رغبتم را متوجـهٔ خود فرمـا، و خشـنودیم را در آنچه از جانب تو به من می رسـد قرار ده، و مرا در آنچه روزیم کرده ای، و از روی بزرگواری به من بخشـیده ای، و احسان فرموده ای برکت ده، و مرا در تمام حالاتم، محفوظ، حراست شده، پوشیده، دست نایافتنی، پناه داده و امان یافته قرار ده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به انجام تمام آنچه برای خود یا بنده ای از بندگانت، در جهتی از جهات طاعتت بر من لازم و واجب فرموده ای توفیق ده، و اگر بـدنم از انجامش ناتوان باشد، و نیرویم از آن سـست شود، و توان و قدرتم به آن نرسـد، و مال و منالم گنجایشـش را نداشـته باشد، خواه یادش باشم یا فراموشـش کرده باشم، و آن تکلیف، ای پروردگارم! از اموری باشـد که به حسـاب من گذاشـته ای، و من از انجامش غفلت کرده ام، آن را از عطای عظیمت، و رحمت واسـعه ات از جـانب مـن ادا کـن کـه تـو تـوانگر کریمی، ای پروردگـارم! آن تکـالیف را به گـونه ای از جـانب من ادا کن که چیزی از آن برعهدهٔ من نماند، تا روزی که تو را ملاقات می کنم، لازم نیاید از خوبی هایم کم کنی، و بر بدی هایم بیفزایی.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست، و برای آخرتم میـل و رغبت در عمل، آنهم عمل برای خودت روزیم فرما، تا جایی که درسـتی این عمـل را از قلبم بیـابم، و به گونه ای که بی رغبتی نسبت به دنیـایم بر من چیره شود، و به صورتی که از سـر شوق خوبی ها را به جا آورم، و از بیم و ترس از عذاب، از بدی ها در امان مانم، و نوری به من بخش که به وسیلهٔ آن در میان مردم زندگی کنم، و در تاریکی با فروغش راه یابم، و به سـبب آن از اشک و شبهه ها، رهایی یافته، روشنی ایمان و اعتقاد محکم و استوار به دست آورم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ترس و اندوه و عذاب، و اشتیاق

ص:۱۳۶

پاداش وعده داده شده را روزیم فرما، تا لذّت آنچه تو را به خاطر آن می خوانم، و دشواری چیزی که از آن به تو پناه می آورم، بیابم.

خدایا! آنچه از کار دنیا و آخرتم، مرا اصلاح می کند می دانی؛ پس به برآوردن خواسته های من مهربان باش.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و هنگام کوتاهی در شکر گزاریت، آنهم شکرگزاری به خاطر نعمت هایی که در زمان آسایش و سختی، و سلامت و بیماری به من عنایت فرمودی، حق را که تسلیم بودن در برابرت، و اقرار به احکام حکیمانه ات و اعتراف به کوتاهی ورزیدنم در شکر است روزیم کن، تا از وجودم نسیم خشنودی و آرامش باطن دریابم؛ آنهم در برابر ادای وظیفه ای که نسبت به حضرتت بر من واجب است، ادای وظیفه در اموری که در حال ترس و امنیّت، و خشنودی و خشم، و زیان و سود پیش می آید.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و سلامت سینه از حسد روزیم کن تا به هیچ یک از بندگانت برای ذرّه ای از احسانت که به آنها عنایت کردی، حسد نورزم، و تا جایی که هیچ نعمتی از نعمت هایت را، بر احدی از بندگانت در دین یا دنیا، یا سلامت یا تقوا، یا فراخی یا راحت نبینم؛ جز آن که برتر از آن را به لطف تو، و از سوی تو برای خود آرزو کنم، یگانه ای و شریکی برایت نیست.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و خودداری از خطاها، و پرهیز از لغزش ها را در دنیا و آخرت، در حال خشنودی و خشم روزیم فرما؛ به طوری که حالت درونم نسبت به آنچه که از خشنودی و خشم بر من وارد می شود، یکسان و مساوی باشد، در حالی که عمل کنندهٔ به طاعتت باشم و خشنودی تو را در حق دوستان و دشمنان بر آنچه غیر طاعت و خشنودی توست ترجیح دهم، تا دشمنم از ستم و جورم ایمن باشد، و دوستم از رغبتم و پایین آمدن هوای نفسم به سویش ناامید گردد، و مرا از آنان قرار ده که تو را مخلصانه در حال آسایش

می خوانند، مانند خواندن مخلصین درمانده؛ همانا تو ستودهٔ بزرگواری.

دعای ۲۳ عافیت و شکر بر آن

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست، و عافیت را بر من بپوشان، و سـراپایم را به عافیت فراگیر، و به عافیت محفوظم دار، و به عـافیت گرامیم دار، و به عـافیت بی نیـازم کن، و به عافیت بر من صـدقه ده، و عافیت را به من ببخش، و عافیت را بر من بگستران، و عافیت را برایم شایسته گردان، و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی مینداز.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا عافیت ده؛ عافیتی بی نیاز کننده، شفابخش، برتر، افزون شونده؛ عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند، عافیت دنیا و آخرت.

و بر من منّت گذار، به تندرستی و امنیّت و سـلامت در دین و بدنم و بینایی در دلم، و قاطعیت در امورم، و هراس برایت، و بیم از حضرتت، و توان و نیرو بر آنچه از طاعتت به من فرمان دادی، و دوری از نافرمانیت نسبت به آنچه مرا از آن برحذر داشتی.

خـدایا! بر من منت گـذار به حـجّ و عمره، و زیـارت قبر رسولت که درود و رحمت و برکاتت بر او و بر آل او باد، و بر زیارت قبور اهل بیت رسولت علیهم السلام ، همیشه تا وقتی که مرا زنده بداری، در امسالم و همه سال و آن زیارت را مقبول

و پسندیده و منظور نظر پیشگاهت، و اندوخته ای برایم نزد خود قرار ده.

و زبانم را به سپاس و شکر و ذکر و ستایش نیک، نسبت به حضرتت گویا کن، و دلم را برای راههای مستقیم دینت گشاده فرما، و مرا و فرزندانم را پناه ده از شیطان رانده شده، و از شرّ جانوران زهردار، و حیوانات بدون زهر، و سایر جانداران، و مردم چشم شور، و از شر هر شیطان سرکش، و شر هر پادشاه ستمگر، و شر هر خوش گذران نازپرورده، و شر هر ناتوان و قوی، و شرّ هر عالی مقام و فرومایه، و شر هر کوچک و بزرگ، و شر هر دور و نزدیک، و از شرّ هر جن و انس که در برابر پیامبرت و اهل بیتش، جنگی را برپا کرد، و از شر هر جنبنده ای که تو زمام اختیارش را به دست داری. همانا تو بر راه راستی.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و هر که نسبت به من آهنگ بدی کند، او را از من بگردان، و نیرنگش را از من دور ساز، و شرش را از من دفع کن، و مکرش را به گلوگاهش برگردان، و مانعی پیش رویش قرار ده تا چشمش را از دیدن من کور، و گوشش را از شنیدن گفتار من کر سازی، و دلش را از یاد من قفل کنی، و زبانش را از گفتگو دربارهٔ من لال گردانی، و سرش را بکوبی، و عزّتش را خوار کنی، و بزرگیش را بشکنی، و بر گردنش، گردن بند خواری اندازی، و کبریاییش را از هم بپاشی، و مرا از تمام زیان و شرّ و طعنه و غیبت و عیب جویی، حسد، دشمنی، بندها، دام ها، پیاده و سواره اش ایمن داری؛ همانا تو شکست ناپذیر توانایی.

دعای ۲۴ پدر ومادر

خدایا! بر محمّد بنده و فرستاده ات، و بر اهل بیت پاکش درود فرست، و آنان را به برترین درودها و رحمت و برکات و سلام خود، مخصوص گردان.

خدایا! پدر و مادرم را به گرامی داشتن نزد خود، و درود از جانب حضرتت اختصاص ده. ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و دانش آنچه از حقوق ایشان بر من واجب است، به من الهام فرما، و دانش همهٔ آن حقوق واجبه را برایم فراهم آور؛ سپس مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده ای به کار گیر، و برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی توفیق ده، تا به کار بستن چیزی که به من آموخته ای از دستم نرود، و اندامم از خدمت کردن بر اساس حقوقی که به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ چنانکه ما را به وجود مبارکش شرافت دادی، و بر محمّد و آلش درود فرست؛ همان سان که به سبب حضرتش حقّی به سود ما برعهدهٔ مردم واجب فرمودی.

خدایا! چنانم قرار ده که از پدر و مادرم مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار بترسم، و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم، و اطاعت و نیکوکاریم را به

آنـان، در نظرم از خـواب خـواب آلوده شـیرین تر، و برای سوز سـینه ام، از شـربت گوارا، در ذایقـهٔ تشـنه، خنـک تر گردان تا خواستهٔ هر دو را بر خواستهٔ خود ترجیح دهم. و خشـنودی آنها را بر خشنودی خود مقدّم دارم، و نیکوکاری ایشان را در حق خود، هر چند اندک باشد، زیاد شمارم، و نیکوکاری خود را دربارهٔ ایشان هر چند بسیار باشد، اندک به حساب آورم.

خـدایا! صدایم را در محضـر آنان آهسـته، و گفتارم را پاکیزه و دلنشـین، و خویم را نسـبت به آنان نرم فرما، و دلم را به هر دو مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو اهل مدارا و نرمش و مهربان و دلسوز گردان.

خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش ده، و در برابر گرامی داشت من جزا عنایت فرما، و هر چه را در کودکی من نسبت به من منظور داشتند، در حق آنان منظور دار.

خدایا! آنچه از جانب من آزار به ایشان رسـیده یا کار ناپسـندی از من نسـبت به آنها رخ داده، یا حقی که از آنان بر عهدهٔ من ضایع شـده، همه را موجب ریختن گناهانشان، و بلنـدی مقامشان و افزونی خوبی هاشان قرار ده، ای تبـدیل کننـدهٔ بـدی ها، به چندین برابرش به خوبی ها.

خدایا! آنچه را پدر و مادرم، در سـخن گفتن با من از اندازه بیرون رفتند، یا در کاری نسـبت به من زیاده روی کردند، یا حقی را از من به تباهی کشـیدند، یـا واجبی را نسبت به من کوتـاهی کردنـد، همه را به آنان بخشـیدم، و تمام آنها را بر هر دو نثار کردم، و از تو می خواهم که وزر و وبـال آن را از دوش آنـان برداری؛ زیرا من آنـان را نسـبت به خود، در کوتاه آمـدنشان از حقم متهم نمی کنم و آنان را در نیکوکاریشان دربارهٔ خود سـهل انگار نمی دانم، و از آنچه درباره ام انجام داده انـد ناراضـی نیستم.

ای پروردگار من! حق آنان بر من، از حق من بر آنان واجب تر، و احسانشان

به من پیش تر و دیرین تر، و نعمتشان نسبت به من عظیم تر است از این که آنان را بر اساس عدالت، به دایرهٔ تلافی کردن وارد کنم، یـا بـا آنـانماننـد آنچه را بـا من رفتـار کردنـد، رفتـار کنم. ای خـدای من! اگر چنین کنم، روزگار مدیـدی که به تربیتم مشغول بودند و زحمت سختی که در نگاهداری من تحمل کردند، و آن همه بر خود تنگ گرفتند، تا در زندگی من گشایش باشـد چه می شود؟! بعید است که بتوانند حق خود را به طور کامل از من دریافت کنند، و من قدرت ندارم حقوقی که از آنان برعهـدهٔ من واجب شـده، تـدارک کنم، و وظیفهٔ خدمت را نسـبت به آن دو به جا آورم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و ای بهترین کسـی که از او یـاری خواهنـد! مرا بر ادای حق آنان یاری ده وای راه نماینـده تر کسـی که به او رو کننـد! مرا برای خـدمت به پدر و مادر توفیق عنایت کن، و روزی که هر انسانی به خاطر آنچه مرتکب شده جزا داده می شود، و در برنامهٔ جزا به آنان ستم نمی شود، مرا در زمرهٔ آنان که عاقّ پدر و مادرند قرار مده.

خـدایا! بر محمـد و آلش و بر نسل او درود فرست، و پـدر و مادرم را به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان مؤمنت را به آن اختصاص دادی، اختصاص ده، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! یاد ایشان را در پی نمازهایم، و در وقتی از اوقات شبم، و در هر ساعتی از ساعات روزم، از یادم مبر.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعـایم برای آنـان بیامرز، و آنان را به خاطر احسانشان به من، در گردونه آمرزش قرار ده؛ آمرزشـی لازم و قطعی، و به خاطر شفاعتم در حقّ آنان، از آنها خشنود شو؛ خشنودی استوار و پابرجا، و آنان را با گرامی داشتن به جاهای سلامت برسان.

خدایا! اگر آمرزشت نسبت به آنها بر من پیشـی گرفته، پس آنها را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنها مورد مغفرت قرار داده ای، پس مرا شفیع آنان

فرما تـا در پرتـو مهربـانیت، در سـرای کرامت و جایگـاه آمرزش و رحمتت گرد آییم؛ همانـا تو دارای احسـان عظیم و نعمت قدیمی، و تو مهربان ترین مهربانانی.

دعای ۲۵ دربارهٔ فرزندان

خـدایا! به بـاقی مانـدن فرزنـدانم، بر من منت گـذار و به شایسـته نمودنشان، برای پیروی از من، و به بهره منـد شـدنم در دنیا و آخرت از ایشـان بر مـن منت گـذار، خـدایا! عمرشـان را به سـود من طولانـی کن، و مـدّت زنـدگی آنهـا به خـاطر من بیفزا، و خردسالشان را به نفع من تربیت کن، و ناتوانشان را برای من نیرومنـد ساز، و بدن ها و آیین ها و اخلاقشان را برایم به سـلامت دار، و به آنهـا در جـان و اعضا و هر کارشان که به آن اهتمام دارم، سـلامت همه جانبه عنایت کن، و برای من و به دست من، روزی آنـان را فراوان فرمـا. و آنان را نیکوکار، پرهیزکار، بصـیر و بینا، شـنوا، و فرمانبردار خود، و نسـبت به دوسـتانت عاشق و خیرخواه، و در ارتباط به دشمنانت، معاند و کینه ورز قرار ده.

خـدایا! وجودم را به آنـان نیرومنـد، و کجی ام را به وسـیلهٔ آنـان راست فرمـا، تبـارم را به آنان افزون کن، و مجلسم را به آنان زینت ده، و یـادم را به آنـان زنـده دار، و در نبود من کارهایم را به وسـیلهٔ ایشان کفایت کن، و مرا به سـبب آنان بر روا شـدن نیازم یاری ده، آنان را نسـبت به من عاشق و مهربان، و روی آورنده، و برایم مسـتقیم و مطیع قرار ده؛ نه عصیان کننده و عاق و مخالف و خطاکار، و مرا در تربیت و ادب کردن و نیکی در حقّشان یاری فرما، و مرا از جانب خود

علاوه بر آنان اولاد پسر بخش، و آن را برایم خیر قرار ده، و آنان را در آن چه از تو می خواهم یاورم ساز.

و مرا و نسلم را از شیطان رانده شده پناه ده؛ چرا که تو ما را آفریدی، و به ما امر و نهی فرمودی، و ما را در ثواب آنچه به آن امر کردی ترغیب، و به عذاب آنچه از آن نهی فرمودی تهدید کردی، و برای ما دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ می کند، و او را بر ما تسلّطی دادی که ما را به آن اندازه بر او تسلّط نیست، در دل هایمان جایش دادی، و در رهگذرهای خونمان روانش ساختی، اگر ما از او غفلت ورزیم، او از ما غافل نمی شود، و اگر او را فراموش کنیم، او ما را فراموش نمی کند. ما را از عذاب تو ایمنی می دهد، و از غیر تو می ترساند.

چون آهنگ کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر کند، و چون قصد کار شایسته ای کنیم، ما را از آن باز دارد. ما را به شهوات می طلبد، و بنای شبهه ها را برای ما برپا می کند. اگر به ما وعده دهد، دروغ می گوید، و اگر به آرزویمان نشاند، تخلف می کند، و اگر تو نیرنگش را از ما نگردانی، ما را گمراه می کند، و اگر از فسادش، حفظمان نکنی، ما را به لغزش می اندازد.

خدایا! سلطه اش را نسبت به ما با سلطنتت مغلوب کن تا به سبب کثرت دعایمان به پیشگاهت، او را از ما باز داری تا به وسیلهٔ تو، از نیرنگش در زمرهٔ حفظ شدگان از شرّ او قرار گیریم.

خدایا! تمام خواسته هایم را عطا کن، و همه حاجاتم را برآور، و از اجابت دعا که اجابتش را برایم ضمانت کرده ای محرومم مکن، و دعایم را از درگاهت که مرا به آن دستور داده ای منع مفرما، و هر آنچه در دنیا و آخرتم باعث اصلاحم شود به من عنایت کن؛ آنچه را که از آن یاد کردم و آنچه فراموشم شد، اظهار کردم یا پوشیده داشتم، آشکار نمودم یا پنهان کردم، و در تمام این امور به سبب درخواستی که از تو دارم، مرا از اصلاح کنندگان قرار ده؛ آنان که به

درخواستشان از تو، در شمار کامیابان شدند، و با توکّل بر تو محروم از لطفت نشدند.

و مرا از آنانی قرار ده که به پناه آوردن به تو خو گرفته اند، و از سودای با تو سود سرشار برده اند، و پناهنده به عزتت شدند، و رزق حلال از احسان فراگیرت به جود و کرمت بر آنان وسعت دادی، و به وسیلهٔ تو از مدار خواری درآمده به تخت عزت نشستند، و از ستم و جور، به عدالتت پناهنده شدند، و به رحمتت، از بلا و مصیبت، سلامت همه جانبه یافتند، و به غنای تو، از تهیدستی به توانگری رسیدند، و به تقوای تو از گناهان و لغزش ها و خطاها، محفوظ ماندند، و به طاعتت، به خیر و هدایت و درستی، توفیق یافتند، و به قدرتت بین آنان و گناهان حایل و مانع ایجاد شد، رها کنندهٔ معصیت های تواند، در جوار رحمتت ساکنند.

خدایا! همهٔ این امور را به توفیق رحمتت به ما عطا کن، و ما را از عذاب دوزخ پناه ده، و به تمام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه را برای خود و فرزندانم از تو خواستم، در این جهان و آن جهان عطا فرما! همانا تو به بندگان نزدیک، اجابت کنندهٔ دعا، شنوا و دانا، بخشنده و آمرزنده، مهربان و رحیمی، و ما را در این دنیا و آن دنیا حسنه عنایت کن، و از عذاب دوزخ حفظ فرما.

ص:۱۵۳

دعای ۲۶ همسایگان و دوستان

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سرپرستی مرا، دربارهٔ همسایگان و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما مخالفند، به برترین سرپرستیت به عهده گیر و آنان را به این امور موفق فرما: برپا داشتن روش و طریقه ات، فرا گرفتن محاسن اخلاقت برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به مظلومشان، خوب کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان، احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از درخواستشان.

خدایا! مرا چنان قرار ده که بدکارشان را به نیکی و خوبی پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم، دربارهٔ همه آنان خوش گمانی را به کار گیرم، تمامشان را با نیکوکاری سرپرستی کنم، عفیفانه چشم از خطایشان بپوشم، فروتنانه با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلادیدهٔ آنان رقت آورم، در پنهان دوستی خود را بر آنان ظاهر سازم، خیرخواهانه دوام نعمتشان را بخواهم، آنچه برای اقوام خود لازم می دانم، برای آنان لازم بدانم، آنچه برای مخصوصان خود رعایت می کنم، برای آنان رعایت کنم.

ص:۱۵۴

خـدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا هم از جانب ایشان، رفتاری به همین صورت نصـیب فرما، و کامل ترین بهره هایی که نزد ایشـان است برای من قرار ده، و بصـیرتشان را در حق من و معرفتشـان را به فضـل من افزون فرمـا، تـا به خـاطر من نیک بخت شوند، و من نیز به خاطر آنان نیک بخت شوم. پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن.

دعای ۲۷ مرزداران

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و به عزّتت مرزهـای مسـلمانان را محکم و اسـتوار سـاز، و به نیرویت نگهبانان مرزها را توانایی بخش، و عطایای آنان را به توانگریت کامل و سرشار کن.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرسـت، و تعـدادشان را بیفزا و سـلاحشان را تیز و برّا کـن، و اطراف و جوانبشـان را محکـم و نفوذناپـذیر ساز، و جمعشان را به هم پیونـد ده، و کارشان را رو به راه کن، و آذوقهٔ آنان را پی در پی برسان، و سـختی هاشان را به تنهـایی کارسـاز بـاش، و به یـاری خود نیرومنـدشان ساز، و به شـکیبایی مـددشان ده، و آنان را در چاره جویی، دقّت نظر عنایت فرما.

خـدایا! بر محمّـد و آل محمّـد درود فرست، و آنچه را به آن جاهلنـد به آنـان بشـناسان و آنچه را نمی داننـد، به آنان بیاموز و آنچه را بینش ندارند، نسبت به آن بیناشان کن.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و هنگام برخورد با دشـمن، یاد دنیای خدعه گر فریب کار را از خاطرشان ببر، و اندیشـهٔ مال فتنه انگیز را از صـفحهٔ دلشان محو کن و بهشت را برابر چشـمشان قرار ده، و آنچه را در بهشت فراهم کرده ای؛ از مساکن ابدی و سراهای ارجمند و حوریان زیباروی و نهرهای روان

شـده، بـا آشامیـدنی هـای رنگارنـگ، و درختـانی بـا شـاخ و برگ آویخته، همراه با میوه های گوناگون، در برابر دیـدگانشان بنمایان، تا هیچ کدام از آنان آهنگ پشت کردن به دشمن نکند، و فکر گریز از هماورد را به خاطرش نگذراند.

خدایا! به سبب آن امور، دشـمنانشان را در هم شـکن، و دست قدرت آن نابکاران را از ایشان جدا ساز، و بین دشمن و جنگ افزارشـان فاصـله انـداز، و بنـدهای دلشـان را از جـا بر کن، و میـان آنـان و آذوقه هاشـان دوری انـداز، و در فنون جنگی شـان سرگردانشان ساز، و از مقصدشان گمراهشان کن، و کمک را از آنان قطع فرما، و از تعدادشان بکاه، و دلشان را از بیم و ترس پر کن. و قـدرتشان را از فعّالیّت علیه مرزداران بـاز دار، و زبانشان را از سـخن علیه آنان ببنـد، و با شـکست خوردنشان، گروه پشت سـرشان را پراکنـده ساز، و شـکست آنان را مایـهٔ عبرت دیگران ساز، و با خواری و زبونی آنان، آرزوهای کسانی را که پس از آنهایند قطع کن.

خـدایا! زنانشـان را عقیـم سـاز، و صـلب مردانشـان را خشـک کن، و نسـل چهارپایـان و گـاو و گوسـفندشان را قطع فرمـا، به آسمانشان اجازه باریدن، و به زمینشان رخصت روییدن مده.

خدایا! به این امور تدبیر مسـلمانان را نیرو بخش، و شهرهایشان را استوار ساز، و اموالشان را فزونی ده، و خاطرشان را از جنگ با دشـمن برای بنـدگیت، و از کارزار با آنان برای خلوت کردن جهت راز و نیاز خودت آسوده کن؛ تا در سراسـر زمین جز تو پرستش نشود، و صورتی از آنان جز برای تو به خاک نساید.

خـدایا! هر ناحیه از مسـلمانان را، به جنگ با مشـرکانی که در برابرشان هسـتند بـدار، و آنان را از جانب خود به فرشـتگانی که پیاپی درآیند مدد فرما، تا دشـمنان را به دورترین نقطهٔ آباد زمین فراری دهند، و با کشتن و اسارتشان، زمینت را از لوث وجود آنان خالی کرده و پاک نمایند، یا این که اقرار کنند به این که تو

خدایی و غیر تو خدایی نیست، تنهایی و همتا نداری.

خدایا! این سرنوشت را بر همهٔ دشمنانت عمومیّت بده؛ در اطراف همهٔ کشورها، از هند و روم، و ترک، و خزر، و حبشه، و نوبه، و زنگبار، و سقالبه، و دیالمه و دیگر طوایف مشرکین، آنان که نام و نشان و اوصافشان بر ما پنهان است، و تو به دانش خود آنان را شماره کرده ای، و به قدرتت به آنان آگاهی.

خدایا! مشرکان را از دستیابی به سرزمین مسلمانان به دیگر مشرکان گرفتار ساز، و آنان را با کاستن عددشان، از کاستن مسلمانان جلوگیر باش، و با پراکنده کردن آنان، از گرد آمدنشان علیه مسلمانان بازدار.

خدایا! دل هاشان را از آرامش تهی ساز، و بدن هاشان را از توانایی بی بهره کن، و قلوبشان را از چاره جویی غافل ساز، و اندامشان را از ایستادن در برابر رجال اسلام سست کن. آنان را از کوبیدن دلیران بترسان، و سپاهی از فرشتگانت با عذابی از عذاب هایت را علیه آنان برانگیز؛ مانند کاری که روز جنگ بدر انجام دادی، (۱) تا به این سبب بنیانشان را قطع کنی، و شوکتشان را ریشه کن سازی، و جمعیّتشان را پراکنده کنی.

خدایا! آب های آنان را به وبا، (۲) و خوراکشان را به بیماری ها مخلوط کن، و شهرهاشان را به زمین فروبر، و پیوسته بر آن شهرها سنگ و ریگ بباران، و به قحطی و خشک سالی بکوبان، و آذوقهٔ آنان را در خالی ترین و دورترین زمین قرار ده، و دژهای آن زمین را از حفاظت آنان منع کن، و آنها را به گرسنگی دائم، و بیماری دردناک دچار ساز.

خدایا! هر رزمنده ای از اهل آیینت، یا مجاهدی از پیروان سنّتت با آنان جنگ کند، تا دینت برتر، و حزب و گروهت نیرومندتر، و نصیب دوستانت

ص:۱۶۳

۱- ((۱)) - اشاره به آیهٔ ۱۲۳ سورهٔ آل عمران است.

۲- ((۲)) - از معجزات حضرت سجّاد علیه السلام است، که قرن ها قبل از پاستور به وجود میکرب اشاره فرموده است.

کامل تر باشد، او را آسانی پیش آور، و کار را برایش مهیّا ساز، و پیروزیش را عهده دار باش، و برای او یاران و همنشینان برگزین، و پشتش را قوی کن، و درآمدش را کامل فرما، و او را به نشاط و خرّمی بهره مند ساز، و آتش شوق به دنیا و مال و منال را از او فرو نشان، و از اندوه تنهایی پناه ده، و یاد زن و فرزند را از خاطرش بزدای.

و حسن نیّت را برایش انتخاب کن، (۱) و عافیتش را عهده دار شو، (۲) و سلامت را همراهش فرما، و از ترسیدن، نگاهش دار، و جرأت را به او الهام کن، و نیرومندی را روزیش فرما، و او را به پیروزی یاری ده، و راه ها و روش های اسلامی را به او بیاموز، و راه شایسته را در داوری کردن به او بنما، و ریا را از او برطرف کن، و از شهرت و خودنمایی رهایش فرما، و اندیشه و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه خشنودی خود و برای خود قرار ده. پس هر گاه با دشمنان تو و دشمنان خودش روبه رو شود، عددشان را در نظرش اندک نما، و مقامشان را در دل او کوچک ساز، و او را بر آنان پیروزی ده، و دشمنان را بر او پیروز مکن، و اگر زندگی او را به نیک بختی پایان دادی، و شهادت را برایش مقدّر فرمودی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن ریشه کن سازد، و پس از آن باشد، که اسارت به دست مسلمانان، آن نابکاران را به رنج و زحمت افکند، و به دنبال آن باشد که اطراف و جوانب سرزمین های مسلمین ایمنی یابد، و پس از آن باشد که دشمنانت به میدان جنگ پشت کرده، و شکست خورده بازگردند.

خدایا! هر مسلمانی که عهده دار امور خانهٔ رزمنده یا مرزداری شود، یا در نبود او به کفالت و سرپرستی خانواده اش اقدام کند، یا به قسمتی از مالش او را یاری دهد، یا او را به ساز و برگ جنگ مدد رساند، یا همّت او را برای رفتن به

۱- ((۱)) - مسئلهٔ نیّت، به طور مفصل در دعای بیستم گذشت.

۲- ((۲)) - توضیح و تفسیر عافیت، در دعای بیست و سوم گذشت.

جهاد تنـد و تیز گردانـد، یا وی را در برابرش به دعای خیر همراهی کند، یا پشت سـرش آبروی او را حفظ نماید، به او نیز اجر همـان رزمنـده و مرزدار را، وزن به وزن و مثـل به مثل عنایت فرما، و عمل او را پاداشـی نقـد عطا کن، که بـدون درنگ، سود کـاری که پیشـاپیش فرسـتاد، و شـادی عملی که به جـا آورد، در همین دنیـا به دست آورد، تـا عمرش به پایان رسـد، و به آن پاداشی برسد که از احسانت بر او روا داشته ای، و از کرامتت برای او مهیّا ساخته ای.

خدایا! هر مسـلمانی که کار اسـلام او را نگران کند، و گرد آمدن مشرکین علیه مسلمین او را به اندوه نشیند، پس قصد جنگ، یـا آهنـگ جهاد کنـد، ولی ناتوانی و سـستی او را بنشانـد، و تنگـدستی و حاجت او را وادار به کنـدی و درنگ کنـد، یا پیش آمـدی او را از رفتن به تأخیر انـدازد، یا مانعی در برابر اراده اش قـد علم کنـد، نامش را در زمرهٔ عبادت کننـدگان ثبت فرما، و ثواب مجاهدان را بر او واجب کن، و وی را در سلک شهیدان و شایستگان قرار ده.

خـدایا! بر محمّد بنده و رسولت، و آل محمّد درود فرست؛ درودی برتر از درودها، و از نظر رفعت و مرتبه، بالای همهٔ درودها، که مـدّتش به پایـان نرسـد، و شـماره اش قطع نشود؛ درودی کامـل تر از درودهـایی که گـذشت، از درودهـایی که بر یکی از دوستانت فرستادی. تو عطا بخش ستوده ای، آغاز کننده و بازگرداننده ای، هر چه را بخواهی انجام می دهی.

ص:۱۶۵

دعای ۲۸ راز و نیاز با خداوند متعال

خدایا! بر بریدنم از غیر و پیوستنم به تو، خود را خالص و پاک کردم، و با تمام وجودم به حضرتت روی آوردم، و از کسی که نیازمند عطای توست قطع امید کردم، و درخواستم را از آن که از احسان تو بی نیاز نیست برگرداندم، و دیدم که حاجت خواستن نیازمند از نیازمند، محصول سبکی رأی و گمراهی عقل اوست.

ای خدای! من چه بسیار انسان ها دیدم که با تکیه به غیر تو، عزّت خواستند، ولی خوار شدند، و از غیر تو درخواست ثروت کردند، اما به تهی دستی نشستند، و آهنگ بلندی کردند، ولی پست شدند؛ پس دور اندیشی دوراندیش با دیدن امثال این سبک مغزان، که بنا گذاشت به غیر تو تکیه نکند صحیح است، و عبرت آموزی از اینان، او را موفّق کرد و انتخاب درستش، او را به راه راست رهنمون شد.

پس ای مولای من! تو جایگاه درخواست منی نه غیر تو، و تو روا کنندهٔ حاجت منی نه غیر تو، و تو پیش از هر موجودی که بخوانندش، مخصوص به خواندن منی، هیچ کس در امید من با تو شریک نمی شود، و احدی در دعای من با تو، هم پیمان نمی گردد، و ندای من کسی را با تو به یک سلک در نمی آورد.

ای خدای من! من وحدانیّت و یگانگی و قائم بودن به قدرت و بی نیازی، و

برتری حول و قوّت، و پایهٔ والایی و رفعت مخصوص توست، و هر چه غیر توست، در تمام عمرش به او رحم شده، و در زندگیش مغلوب قدرتی گشته، و در کارش شکست خورده، و در صفات و خصوصیات جا به جا شد؛ تو بالاتر از آنی که شبیه ها و همانندها برای تو باشد، و بزرگتر از آنی که همسان ها و همتاها برایت قرار دهند؛ پس پاک و منزّهی و معبودی جز تو نیست.

دعای ۲۹ ضیق روزی

خدایا! ما را در رزق و روزیمان، به یقین نداشتن، و در مدّت زندگی مان به درازی آرزو آزمودی تا جایی که روزی های تو را، از روزی خوران خواستیم، و به آرزومان نسبت به عمر طولانی، در عمر سال خوردگان طمع بستیم؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ما را یقینی صادقانه بخش که به سبب آن از مشقّت طلب روزی بی نیازمان کنی، و اطمینانی خالص به ما الهام کن، تا به خاطر آن از شدّت رنج و تعب نگاهمان داری.

و چنان کن که آنچه در قرآنت به صراحت وعده داده ای، و از پی آن وعده در کتابت سوگند یاد کرده ای، ما را از دویدن دنبال آن رزقی که رساندنش را به ما متکفّل شده ای باز دارد، و مانع پریشانی خاطر ما نسبت به آنچه ضامن کفایتش شده ای، شود.

پس چنین گفته ای و گفتهٔ تو حق و راست ترین گفته هاست، و سوگند خورده ای، و سوگندت راست ترین و رساترین سوگند است:

«و روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده، در آسمان است.»

سپس گفتی: «پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، موجود بودن روزی، و آنچه به آن وعده داده شده اید حق است، مانند آن که شما سخن می گویید.»

ص:۱۷۰

دعای ۳۰ پرداخت قرض و دین

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و مرا از وامی که به خـاطر آن آبرویم را بریزی نجـات بخش؛ وامی که ذهنم را پریشان می کند، و فکرم را پراکنده می سازد، و کارم را در چاره کردن آن طولانی می کند.

ای پروردگـارم! از انـدوه وام و فکرش، و از دل مشـغولی به آن، و بی خوابیش به تو پنـاه می برم؛ پس بر محمّـد و آلش درود فرست، و مرا از آن پناه ده.

ای پروردگـارم! از خواری وام در این زنـدگی دنیـا، و از گرفتاریش، پس از مرگ به تو پناه می جویم؛ پس بر محمّـد و آلش درود فرست، و مرا از سختی وام به ثروت سرشار، و رزق کافی که از من قطع نشود، پناه ده.

خـدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا از اسـراف و زیاده خواهی بازدار، و به بخشـیدن و میانه روی مسـتقیم ساز، و نیکو انـدازه نگاه داشـتن را به من بیاموز، و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن، و روزیم را از وسایل حلال جاری فرما، و خرج کردنم را در راه هـای خیر و نیکی جهت ده، و ثروتی که برای من خودبینی ایجاد کنـد، یا به سـتمگری کشانـد، یا به دنبال آن دچار طغیان و سرکشی شوم از من بگیر.

خدایا! همنشینی با تهی دستان را محبوب من قرار ده، و مرا در همنشینی با

آنان به صبر نیکو یاری ده، و آنچه از متاع دنیایِ نابود شدنی که از من گرفتی، آن را در خزانه های پایدارت برایم ذخیره کن، و آنچه از توشهٔ ناچیز دنیا به من دادی، و از کالای بی ارزشش برای من پیش انداختی، وسیلهٔ رسیدن به جوارت، و پیوستن به مقام قرب حضرتت، و سببی به سوی بهشت قرار ده؛ همانا تو دارندهٔ احسان عظیمی، و تو بخشندهٔ کریمی.

دعای ۳۱ توبه و بازگشت

خدایا! ای آن که توصیف وصف کنندگان او را نمی ستاید، و ای آن که امید امیدواران از او نمی گذرد، و ای آن که پاداش نیکوکاران نزد او ضایع نمی شود، و ای آن که حضرت او نهایت ترس عابدان، و هدف بیم پرهیزکاران است.

این جایگاه کسی است که دست های گناهان، او را دست گردان کرده اند، و مهارهای خطاها، او را به دنبال خود کشیده اند، و شیطان بر او چیره شده و از باب ضایع کردن امر نسبت به آنچه امر فرمودی کوتاهی کرده، و به خاطر غفلتش از عاقبت کار، آنچه را نهی کردی مرتکب شده، مانند کسی که قدرتت را بر وجودش جاهل و فراوانی احسانت را نسبت به خودش منکر است، تا هنگامی که دیدهٔ هدایت برایش باز شده، و ابرهای کوردلی، از صفحهٔ باطنش برطرف گشته، ستم هایی که بر خود کرده، به شمار آورده، و در اموری که پروردگارش را مخالفت کرده به اندیشه نشسته؛ در نتیجه گناه بزرگش را بزرگ، و عظمت مخالفتش را عظیم دیده.

پس با امید به حضرتت و شرمساری از وجود مقدّست، به جانب تو روی کرده و از باب اطمینان به تو، رغبت و شوقش را متوجّهٔ پیشگاه تو ساخته، و از روی یقین یا طمعش آهنگ تو کرده، و از باب اخلاص، با توشهٔ ترسش به سوی

ص:۱۷۸

تـو روی آورده، طمعش از هر که به او طمـع ورزیـده می شـود تهی شـده غیر تو، و ترسـش از هر چه از آن ترسـیده می شود، برطرف شـده جز تـو، پس بـا حـال زاری و ذلّـت پیش رویـت ایسـتاده، و از روی تواضـع و فروتنی دیـده اش را به سـوی زمین انداخته، و سرش را در برابر عزّتت، ذلیلانه به زیرافکنده و خاضعانه رازش را که تو از او به آن داناتری، برایت آشکار ساخته، و خاشـعانه گناهـانش را که حضـرتت به تعـدادش آگـاه تر است برشـمرده، و برای نجـات از گناهان بزرگی که برای مرتکب شونـده اش در علم تو، عین هلاکت است، و زشتی اعمالی که در عرصـهٔ قضا و قدَرَت او را رسوا کرده، به فریاد رسـی و طلب یـاری برخاسـته؛ همـان گناهـانی که روزگـار لـذّت هایش پشت کرده و از بین رفته، و پیامـدهای زیان بخشـش به جا مانـده و گریبان گیر شده.

ای خـدای مـن! اگر ایـن گنهکـار را کیفر دهی، عـدالتت را منکر نمی شـود، و اگر از او گـذشت کنی و بـه او رحمت آوری، گذشـتت را در برابر بی نهـایت بودنت بزرگ نمی شـمارد؛ برای این که تو پروردگـار کریمی، پروردگـاری که آمرزش گنـاه بزرگ، او را بزرگ ننماید.

خدایا! اینک منم که در پیشگاهت نسبت به امرت، مطیع و سر به فرمان آمدم، و آن امر این است: ما را دستور دادی دعا کنیم، و من وفای به وعده ای را که در مورد اجابت دعا داده ای خواستارم؛ زیرا فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»

خدایا! پس بر محمّد و آلش درود فرست و با من با آمرزشت برخورد کن؛ چنانکه من با اعتراف به گناه با تو برخورد کردم، و مرا از لغزش گـاه هـای گناهـان برگیر؛ چنـانکه خود را برای تو پست کردم، و به پرده پوشـیت بر من پرده پوشان، چنانکه از به کیفر رساندن من درنگ کردی.

خدایا! نیّتم را در طاعتت استوار کن، و بینشم را در بندگیت محکم فرما، و به

ص:۱۸۲

اعمالی موفّقم دار که به سبب آن اعمال، چرکی خطاها را از من بشویی، و هنگامی که می خواهی جانم را بگیری، مرا بر آیین خود و آیین پیامبرت محمد – علیه السلام – بمیران.

خدایا! در این موقعیّتی که هستم، از گناهان بزرگ و کوچکم، و پوشیده و آشکارم، و از لغزش های گذشته و جدیدم به سویت توبه می کنم؛ توبهٔ کسی که با خود از گناه سخن نمی گوید، و اندیشه بازگشتن در عرصهٔ خطا را به خاطرش راه نمی دهد.

ای خدای من! در کتاب محکم و استوارت فرمودی: «بازگشت و توبه بندگانت را می پذیری، و از گناهان گذشت می کنی، و توبه کنندگان را دوست داری.» پس چنانکه وعده دادی، توبه ام را بپذیر و همان گونه که ضمانت کردی از گناهانم گذشت کن، و چنانکه شرط فرمودی محبّتت را بر من واجب گردان.

من هم ای پروردگارم! در برابر این همه عنایات تو تعهّد و شرطم این است که به آنچه پسند تو نیست برنگردم و ضمانتم این است که به آنچه مورد نکوهش توست بازنگردم، و پیمانم این است که از تمام گناهانت دوری کنم.

خدایا! به آنچه انجام داده ام آگاه تری؛ پس آنچه را از من آگاهی بیامرز، و مرا به قدرتت به آنچه دوست داری، برگردان.

خدایا! حق و حقوق قابل مطالبه ای از مردم به عهدهٔ من است که آنها را به یاد دارم، و حق و حقوقی است که از یاد برده ام و همهٔ آنها در برابر چشم توست که به خواب نمی رود، و در مقابل دانش توست که فراموش نمی کند؛ پس در برابر آن حقوق به صاحبانش عوض ده، و گرانی آنها را از دوش من فرود آر، و سنگینی اش را از من بردار، و مرا از این که مرتکب مانند آنها شوم، حفظ کن.

خدایا! برای من قدرت وفای به توبه نیست جز به نگهداری تو، و توان خودداری از خطاها نیست مگر از ناحیهٔ نیرو و توان تو؛ پس مرا به نیرویی

کفایت کننده نیرومند ساز، و به نگهدارنده ای بازدارنده، یاریم ده.

خدایا! هر بنده ای که به پیشگاهت توبه کند، و در علم غیبت معلوم است که شکنندهٔ توبه است، و بازگشت کنندهٔ به گناه و خطایش. من به تو پناه می آورم از این که چنین باشم؛ پس این توبهٔ مرا توبه ای قرار ده که پس از آن نیازمند به توبه ای نباشم؛ توبه ای سبب محو شدن گناهان گذشته، و سلامت از گناه در باقی ماندهٔ عمر.

خدایا! از نادانیم به درگاهت عذر می خواهم، و نسبت به زشتی عملم طلب بخشش می کنم؛ پس مرا از باب احسان در پناه رحمت خود آر، و از راه تفضّل به پوشش عافیت مرا بپوشان.

خدایا! از عملی که با خواسته ات مخالفت می کند یا مرا از عرصهٔ محبتت بیرون می برد، مانند اندیشه های غیر منطقی دلم، و نگاه های چشمم، و گفته های بی جای زبانم، به درگاهت توبه می کنم؛ توبه ای که هر یک از اندامم به سهم خودش از کیفرت سالم بماند، و از سختگیری های دردناکت که متجاوزان از آن می ترسند، در امان قرار گیرد.

خدایا! تنهاییم را در برابرت، و تپیدن دلم را از ترست، و لرزهٔ اندامم را از هیبتت رحم کن. ای پروردگارم! محققاً گناهانم مرا در آستانت در مقام خواری و رسوایی برپا داشته؛ پس اگر سکوت کنم، کسی از جانب من سخن نمی گوید، و اگر از خود شفاعت کنم، شایستهٔ شفاعت نیستم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و کرم و بزرگواریت را نسبت به خطاهایم، شفیع من قرار ده، و با عفوت بر زشتی های من تفضّل فرما، و به پاداشی که از کیفرت سزاوار آنم پاداشم مده، و دامان احسانت را بر من بگستران، و مرا به پردهٔ پوششت بپوشان، و با من رفتار کن؛ رفتار نیرومندی که بندهٔ خواری، پیش او به زاری برخاسته، و او بر آن بندهٔ خوار رحمت آورده، یا

رفتار توانگری که تهی دستی نزد او رفته، و او تهی دست را از مال و ثروتش بی نیاز کرده.

خدایا! از کیفرت برایم حمایت کننده ای نیست؛ پس باید عزّت و توانایيت حمایتم کند، و برایم در پیشگاه تو شفیعی نیست؛ پس باید احسانت شفیع من شود، و گناهانم مرا ترسانده؛ پس باید عفوت مرا امان دهد. پس آنچه به زبان آوردم، از باب نادانیم نسبت به کردار زشتم، و از روی فراموشی در مورد عمل بر گذشته ام نیست؛ بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است، و زمینت و هر که روی آن است، صدای ندامتی که برای تو آشکار کردم، و فریاد توبه ای که در سایۀ آن به تو پناه بردم، بشنود تا مگر برخی از آنان به خاطر رحمتت بر بدی وضعم رحم کند، یا رقّت بر من به سبب بدی حالم او را دریابد، تا از جانب خود دعایی به من کند، که از دعای خود من، نزد تو به اجابت نزدیک تر باشد، یا از طرف او شفاعتی به من برسد، که از شفاعت من استوارتر جلوه کند؛ شفاعتی که نجاتم از خشمت، و دستیابیم به خشنودیت به آن باشد.

خدایا! اگر پشیمانی از گناه، در پیشگاهت توبه است، من از همه پشیمانان، پشیمان ترم، و اگر ترک گناهانت بازگشت است، من اولین بازگشت کننده ام، و اگر استغفار، ریزندۀ گناهان است، من از مستغفرینم.

خدایا! چنانکه به توبه کردن فرمان دادی، و پذیرفتنش را ضمانت فرمودی، و به دعا ترغیب کردی و اجابتش را وعده دادی؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و توبه ام را بپذیر، و مرا از درگاهت باز مگردان؛ بازگشت کسی که از رحمتت ناامید است. همانا تو پذیرندۀ توبۀ گناهکارانی، و رحم کننده بر خطاکاران بازگشت کننده ای.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست چنانکه ما را به وسیلۀ او راهنمایی کردی، و بر محمّد و آلش درود فرست چنانکه ما را به سبب او، از جهالت و

ص:۱۸۵

گمراهی رهانیـدی، و بر محمّـد و آلش درود فرست؛ درودی که در روز قیـامت و روز نیاز به تو، از ما شـفاعت کنـد. تو بر هر کاری توانایی و خواستهٔ من بر تو آسان است.

دعای ۳۲ دعای پس از نماز شب

خدایا! ای دارای فرمانروایی ابدی و جاوید! و ای صاحب سـلطنتی که بدون سپاهیان و دست یاران، پرقدرت و نیرومند است! و ای مالک عزّت مانـدنی و ثابت که با رفتن روزگاران، و سپری شدن سال ها، و گذشت زمان ها و ایام، خللی در آن وارد نمی شود؛ بلکه ازلاً و ابداً ماندنی و ثابت است، سـلطنتت عزیز و شکست ناپذیر است؛ اول این سلطنت را حدّ و مرزی، و آخرش را پایان و نهایتی نیست، و فرمانرواییت برتر است؛ چنانکه همـهٔ اشـیا، از دسترسـی به قلّهٔ بی نهایتش فرو مانده اند. نهایت وصـف واصـفان، به پـایین ترین مرتبه از بلنـدی و رفعتی که به خود اختصـاص داده ای نمی رسـد. اوصـاف در مقـام وصـفت گمراه و سرگشـته، و تعریف ها در پیشـگاه حضرتت، عاجز و از هم گسسته اند، و دقیق ترین تصورات در بارگاه کبرياييت سرگردانند. بـا بیـانی که اول دعـا تو را سـتودم، اکنون بایـد نـتیجه گیری کنم که تو در اوّلیّتت اوّلی؛ اوّلیّـتی که ازلی است و آن را حـدّ و مرزی نیسـت، و هـم چنین دائم و جاویـدی. از نظر عمـل بنـده ای نـاتوانم؛ عملم در کمّیّت انـدک، و در کیفیت دارای عیب و نقص و از جهت آرزو، دارای آرزوی بزرگ و فراوانم، وسایل پیونـد که عبارت از طاعات و عبادات و کار خیر است، از کفم بیرون رفته، مگر آنچه را رحمتت وصل نموده. رشته های

امیدم از من گسسته، مگر آنچه از عفو و گذشتِ تو به آن چنگ زده ام. از اطاعت و بندگیت، آنچه را که باید به حساب آورم، در پرونده ام اندک است، و از معصیت و نافرمانیت، آنچه را که باید از آن به سوی تو بازگردم، بسیار و فراوان است. گذشت از بنده ات، گرچه مرتکب گناه شده باشد، هرگز برای تو دشوار و سخت نیست؛ بنابراین از من بگذر.

خدایا! دانشت بر اعمال پنهان واقف است، و هر پوشیده ای نزد آگاهیت آشکار است، و امور دقیق و لطیف، از نظرت پنهان نیست، و رازهای نهان از تو غایب نمی شود.

به یقین دشمنت ابلیس بر من چیره شده، دشمنی که برای گمراه کردن من از تو فرصت خواست، و تو بنابر مصالحی به او فرصت دادی؛ و برای منحرف کردن من، تا روز قیامت از تو مهلت خواست، و تو مهلتش دادی. این دشمن غدّار مرا در عرصهٔ هلاکت انداخت و حال آن که از گناهان کوچک نابود کننده، و معصیت های بزرگ تباه کننده به سوی تو می گریختم. در عین حال با وسوسه و تشویق او، مرتکب معصیت تو شدم و به بدی کردارم سزاوار خشم تو گشتم. در چنین وضعیّتی ابلیس ملعون، عنان حیله و تزویرش را از من گرداند؛ چرا که در دام حیله اش گرفتار شده بودم، و نیازی به عنان گیری من نداشت و با بیزاری از من با من روبه رو شد؛ چرا که کارش در حق من انجام گرفته بود، و با برائت جستن از من، به من پشت کرد و از من روی گردان شد، و مرا یکه و تنها در صحرای خشمت وارد کرد. شفیعی نیست که از من برای خلاصی ام از گناه به درگاهت شفاعت کند، و پناه دهنده ای نیست که مرا از تو امان دهد، و دژ استواری نیست که مرا از کیفرت مانع گردد، و پناهگاهی نیست که از حضرتت به آن پناه برم. این جایگاه، جایگاه پناه آورندهٔ به تو، و این محل، محلّ اعتراف کنندهٔ به گناه در پیشگاه توست؛ پس باید احسانت از من تنگی نکند که شامل

ص:۱۹۰

حالم نشود، و گذشتت از من کوتاه نیاید که مرا فرا نگیرد، و زیان کارترین بندگانت و ناامیدترین آرزومندانی که به درگاهت آمده اند نباشم، مرا بیامرز؛ همانا تو بهترین آمرزندگانی.

خدایا! فرمانم دادی و من با فرمانت مخالفت ورزیدم، و از گناه بازم داشتی، و من مرتکب گناه شدم اندیشهٔ بد و نابه جا، خطا را در نظرم آراست و من به آلوده شدن خطا گردن نهادم. نمی گویم روزی را روزه گرفتم تا آن روز را به نفع خود گواه گیرم، و شبی را به شب زنده داری برخاستم تا به آن شب زنده داری پناه جویم، ونه عمل مستحبی را انجام داده ام، که به خاطر آن سزاوار مدح و ثنا شوم. کاری انجام نداده ام، جز واجباتت که هر کس آنها را ضایع کند، هلاک می شود، و با شرافت و برتری کار مستحبّی، به حضرتت متوسّل نمی شوم؛ در صورتی که از به جا آوردن بسیاری از تکالیف واجبت غفلت کرده ام، و از جایگاه های انجام حدودت تجاوز کرده، گرفتار محرّمات شدم، و پردهٔ حرمت ها را دریدم، و گناهان بزرگی را مرتکب شده ام، که عافیت تو در برابر رسوایی های آنها برای من پرده و پوشش است، و این جایگاه کسی است، که به خاطر ارتکاب گناه، از تو شرمسار و برخود خشمگین، و از تو خشنود است؛ پس با دلی شکسته و گردنی افتاده، و پشتی گرانبار از خطاها به سوی تو آمده، و در میان امید و بیم نسبت به تو قرار گرفته، و تو شایسته تر کسی هستی که به او امید ورزند، و سزاوارتر کسی که از او بترسند و پروا کنند؛ پس آنچه را امید دارم به من ببخش و از آنچه بیم دارم امانم ده، و به رحمتت که به وسیلهٔ آن به بندگانت باز می گردی به من بازگرد. تو بزرگوارتر کسی هستی که از او درخواست می شود.

خدایا! اکنون که مرا به پرده گذشت و عفوت پوشاندی، و در این جهان فانی، احسانت را در برابر مردم شامل حال من فرمودی، پس مرا از رسوایی های

جهان ابدی، در برابر اهل محشر که عبارتند از فرشتگان مقرّب و پیامبران بزرگوار، و شهدا و شایستگان پناه ده؛ آن شهدا و شایستگانی که در دنیا همسایه ام بودند، و من زشتی هایم را از آنان می پوشاندم، و خویشاوندانی بودند، که در کارهای بد و اعمال خلافم، از آنها شرم داشتم. آنان که به پرده پوشی آنها اعتماد نداشتم. و به تو ای پروردگارم، در آمرزشت نسبت به خود اطمینان کردم، و تو سزاوارتر کسی هستی که به او مطمئن شوند، و بخشنده تر کسی هستی، که به او رغبت کنند، و مهربان تر کسی هستی، که مهربانیش را بخواهند؛ پس به من رحم کن.

خدایا! تو مرا به صورت آبی کم ارزش، از پشتی که استخوان هایش در هم فشرده، و راه هایش تنگ است، به تنگنای رحم مادر که آن را به پرده ها پوشانده ای فرود آوردی، و مرا از مرحله ای به مرحلهٔ دیگر تغییر دادی، تا وقتی که صورت انسانیم را کامل کردی، و اندام را در من پابرجا فرمودی؛ همان گونه که در کتابت وصف کردی: نطفه، سپس علقه، آنگاه پارهٔ گوشت، و بعد از آن استخوان. سپس استخوان را گوشت پوشاندی، آنگاه آن گونه که خواستی، مرا به مرحله ای دیگر از آفرینش درآوردی، تا زمانی که به رزق و روزی تو نیازمند شدم، و از فریاد رسی احسانت بی نیاز نگشتم، از اضافهٔ خوردنی و آشامیدنی کنیزت که مرا در اندرونش جای دادی، و در قرارگاه رحمش به ودیعت سپردی، برایم خوراک و آشامیدنی قرار دادی.

ای پروردگارم! اگر در آن حالات مرا به نیروی خودم وا می گذاشتی، یا ناچارم می کردی که از قوّت خود برای رشد و کمالم بهره گیرم، هر آینه نیرو از من کناره می گرفت، و قوّت از من دور می شد؛ پس به فضل و احسانت مرا تغذیه کردی؛ تغذیه کردن نیکوکار مهربان. این تغذیه کردن را از باب عطا و فضلت تا به این پایه که رسیده ام، هم چنان درباره ام انجام می دهی، در هیچ

حالی از نیکوکاریت محروم نمی شوم، و نیکی احسانت درباره ام کندی نمی ورزد، با این همه لطفی که درباره ام کردی و می کنی، اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا کوششم را در عبادات و طاعاتی که نزد تو برایم بهره دهنده تر است به کار گیرم.

شیطان، مهارم را در بدگمانی ضعف یقین به دست گرفته، به این خاطر از بد همسایگی اش نسبت به خویش، و پیرویم از او به درگاهت شکایت می کنم، و از تسلّطش بر وجودم، از تو درخواست حفاظت دارم، و برای برگرداندن مکر و حیله اش از خود، به درگاه تو زاری می کنم.

و از تو می خواهم که راه به دست آوردن روزی را برایم آسان کنی.

سپاس مخصوص توست، بر نعمت های بزرگی که نسبت به من آغاز کردی، و دست قدرت کسی در فراهم آوردن و رساندنش به من در کار نبوده، و سپاس مخصوص توست که شکر به احسان و انعامت را به من الهام فرمودی. پس بر محمّد و آلش درود فرست، و رسیدن به روزیم را بر من آسان کن، و به مقداری که برایم مقرّر کرده ای قانع ساز، و به سهم در آنچه نصیبم فرموده ای راضی کن، و آنچه از جسم و عمرم خرج می شود، در راه طاعت و بندگیت قرار ده، همانا تو بهترین روزی دهندگانی.

خدایا! به تو پناه می برم از آتش که به سبب آن بر هر که از تو سرپیچی کرده، سخت گرفته ای، و هر که را از خشنودیت روی گردانده تهدید به عذاب کرده ای، و از آتشی که نورش تاریکی، و ملایمش دردناک، و دورش نزدیک است، و از آتشی که برخی از آن برخی دیگر را می خورد، و بخشی از آن به بخشی دیگر حمله می کند، و از آتشی که استخوان ها را می پوساند، و اهل خود را از آب جوشان سیراب می کند، و از آتشی که به هر کس در نزدش زاری کند، تخفیف نمی دهد، و به هر کس از او مهر جوید، مهر نمی ورزد، و قدرت بر تخفیف نسبت

به کسی که برایش فروتنی کند و مقابلش تسلیم شود ندارد؛ آتشی که با ساکنانش با عذاب دردناک و فرجامی سخت برخورد می کند، و به تو پناه می برم از عقرب های دهان گشوده اش، و مارهای نیش زنندهٔ به وسیله دندان هایش، و از آشامیدنیش که احشاء و دل های ساکنانش را پاره پاره می کند، و قلوبشان را از جا می کند، و برای آن اموری که انسان را از آتش دور می کند، و آدمی را از آن به عقب می اندازد، از تو راهنمایی و توفیق می خواهم.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا به فضل رحمتت از آن آتش پناه ده و به خوبی چشم پوشیت، از لغزش هایم چشم بپوش، و مرا ای بهترین پناه دهندگان خوار مساز.

خدایا! تو بندگانت را از امور ناخوشایند حفظ می کنی، و خوبی عطا می فرمایی، و هر چه بخواهی انجام می دهی، و بر هر کاری توانایی.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ هر گاه یاد نیکان شود، و بر محمّد و آلش درود فرست، تا زمانی که شب و روز در رفت و آمد است؛ درودی که دنباله اش قطع نشود، و عددش شماره نگردد؛ درودی که فضا را فرا گیرد و زمین و آسمان را پر کند. بر او درود فرست تا جایی که خشنود شود، پس بر او و آلش درود فرست؛ درودی که برایش حدّ و نهایتی نباشد، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای ۳۳ استخاره و درخواست صبر و نیکی

خدایا! به سبب دانشت که محیط به همه چیز است، از تو درخواست خیر دارم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به خیر و نیکی در حق من حکم فرما، و شناخت انتخاب کردن و برگزیدن را به ما الهام کن، و آن الهام را برای ما وسیلهٔ خشنودی به آنچه که برای ما مقدور کردی، و تسلیم به آنچه در حق ما حکم فرمودی، قرار ده.

پس آلودگی شک و دو دلی در تقدیرت را از دل ما پاک کن، و ما را به یقین مخلصان تقویت فرما، و داغ ناتوانی معرفت را نسبت به آنچه برایمان اختیار کردی، بر پیشانی ما نزن تا بزرگی و عظمتت را سبک انگاریم، و جایگاه خشنودیت را ناپسند شماریم، و به چیزی که از حسن عاقبت دورتر، و به ضد عافیت و سلامت همه جانبه نزدیک تر است مایل شویم.

آنچه را از مقدراتت نمی پسندیم، محبوب ما قرار ده، و آنچه را از حکم تو سخت می پنداریم، بر ما آسان ساز، و گردن نهادن آنچه از مشیّت و اراده ات بر ما وارد کردی، به ما الهام کن، تا عقب انداختن آنچه را پیش انداختی، و پیش انداختن آنچه را عقب انداختی دوست نداشته باشیم، و هر آنچه را دوست داری ناپسند نشماریم، و آنچه را ناپسند داشتی انتخاب نکنیم.

و کـار ما را به آنچه عاقبتش پسـندیده تر، و فرجامش برای انسان گرامی تر است پایان بخش، همانا تو عطای نفیس عنایت می کنی، و نعمت بزرگ می بخشی و هر چه می خواهی انجام می دهی، و تو بر هر کار توانایی.

دعای ۳۴ رسوایی گناه و ستاریت خداوند

خدایا! تو را سپاس بر پرده پوشیت بعد از آگاهیت، و بر عافیت بخشـیدنت پس از دانستنت. همهٔ ما مرتکب گناهان و معاصی شـدیم، و تو احـدی از ما را بین مردم به گناه مشـهور نکردی، و به کارهای زشت و ناپسـند آلوده شدیم، و تو یک نفر از ما را در برابر بندگانت رسوا نساختی.

هر یک از ما خود را به پردهٔ زشتی و گناه پوشانـد، و تو احـدی را بر زشتی ها و گناهانش راهنمایی نکردی. چه بسـیار نهی تو را به جا آوردیم، و چه بسیار دستور تو را، که گفتی نسبت به آن قیام کنیم و آن را انجام دهیم، و ما از آن تجاوز کردیم.

و چه بسـیار زشتی هـایی که به دست آوردیم، و خطاهایی که مرتکب شـدیم، در حالی که تو بر آنها آگاه بودی نه بیننـدگان دیگر، و تو بر افشایش قـدرت داشتی؛ قـدرتی فوق همـهٔ قدرتمنـدان؛ ولی عفو و چشم پوشـی و عافیتت برای ما در برابر دیـدهٔ بینندگان پرده ای، و در مقابل گوششان سدّی بود.

پس آنچه از زشتی هـا بر مـا پوشانـدی و آنچه از علـل فسـاد و تبـاهی از مـا پنهـان کردی، برای مـا پنـد دهنـده و بازدارنـدهٔ از بدخویی و نگاه دارندهٔ ارتکاب معصیت، و سبب کوشش به سوی توبهٔ نابود کنندهٔ گناه و راه پسندیده قرار ده، و

زمـان قرار گرفتن در تمام این امور مثبت را نزدیک گردان، و داغ غفلت از خود را به پیشانی ما نزن، که ما به سوی تو مایل، و از گناهان تائبیم.

و خـدایا! بر انتخاب شـده از آفریـده هایت محمد و عترتش درود فرست؛ عترتی که از میان تمام مخلوقاتت برگزیدی و عترتی که پـاک و پـاکیزه انـد، و مـا را گوش دهنـدهٔ کلام آنـان، و فرمـانبردار دسـتوراتشان قرار ده؛ همـان گونه که ما را به شـنیدن کلامشان و اطاعت از دستوراتشان فرمان دادی.

دعای ۳۵ رضا در برابر دنیاداران

سپاس خـدای را، به خاطر خشـنودی به حکم تقـدیر خـدا نسـبت به تمام موجودات. شـهادت می دهم که خـدا آنچه را وسـیلهٔ زندگی و معاش است، بین بندگانش به عدالت تقسیم کرد، و نسبت به تمام بندگانش راه احسان پیش گرفت.

خـدایا! بر محمـد و آل محمـد درود فرست، و مرا به آنچه به بنـدگانت عطا کردی امتحان مکن، و ایشان را به آنچه از من منع کرده ای میازمای، تا به بندگانت حسد ورزم، و حکم و فرمانت را سبک انگارم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به قضایت دل خوش کن، و سینه ام را به موارد فرمانت گشاده فرما، و به من حالت اعتمـاد و اطمینـان بخش تـا به وسـیلهٔ آن اقرار کنم که قضای تو، جز به آنچه خیر است روان نشـده و شـکرم را برای حضـرتت نسبت به آنچه از من دور داشتی، و عطایش را دریغ کردی، از شکرم بر آنچه به من عنایت فرمودی، افزون تر قرار ده.

و مرا از این که به تهیـدست فقیری گمـان پستی برم، و به ثروتمنـدی گمـان برتری ورزم حفظ فرما. چه آن که شـریف کسـی است که طاعت تو او را شرافت داده، و عزیز کسی است که عبادت تو او را به عزّت نشانده، پس بر محمد و آلش

درود فرست و ما را از ثروتی که تمام نمی شود بهره مند کن، و به عزتی که از بین نمی رود یاری ده، و ما را به جانب بهشت جاودانه روانه ساز؛ همانا تو یکتا و یگانه و بی نیازی، نزاییدی و زاییده نشدی، و احدی برایت همتا نبود.

دعای ۳۶ هنگام نظر به ابر و برق و شنیدن بانگ رعد

خدایا! همانا این «رعد و برق» دو نشانه از نشانه های تو، و دو خدمتگزار از خدمتگزاران تواند، که در مقام فرمان بردن از تو، به رحمتی سودمند یا عقوبتی زیان بخش می شتابند، پس به وسیلهٔ آن دو، باران زیان بار بر ما مباران، و به سبب آن دو لباس بلا بر ما میوشان.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فایده و برکت این ابرها را بر ما نازل کن و آزار و زیانش را از ما بگردان، و از درون ابرها آفتی به ما نرسان، و بر آنچه که معیشت ما بر آن استوار است آسیبی نفرست.

خدایا! اگر این ابرها را به خاطر عقوبت برانگیخته ای، و محض خشم فرستاده ای، ما از خشمت به تو پناه می آوریم، و برای درخواست گذشت و عفوت به درگاه تو زاری می کنیم. پس غضب و خشم را متوجه مشرکان کن، و آسیای عقوبتت را نسبت به منحرفان به گردش آر.

خدایا! خشکی سرزمین های ما را به بارانت برطرف کن، و شدّت خشم سینهٔ ما را به رزق و روزی خود بیرون فرما، و ما را از خود به غیر خود مشغول و سرگرم مکن، و مایه و منبع نیکی خود را از ما جدا ساز؛ چه این که، بی نیاز کسی است که تواش بی نیاز کنی، و سالم کسی است که تواش از هر شرّی نگاه داری،

ص:۲۰۶

نزد کسی جز دفاع تو نیروی دفاع نیست و برای احدی از عذاب تو، وسیلهٔ حفظ و نگاه داری وجود ندارد؛ بر هر کسی که بخواهی، به هر چه که بخواهی حکم می کنی، و به آنچه اراده فرمایی دربارهٔ هر کس اراده کنی فرمان می دهی.

تو را سپاس بر آن که ما را از بلا نگاه داشتی، و تو را شکر بر نعمت هایی که به ما دادی؛ سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سر گذارد؛ سپاسی که زمین و آسمان خدا را پر کند. همانا تویی بسیار نعمت دهنده به نعمت های بزرگ، بخشندهٔ نعمت های عظیم، پذیرندهٔ سپاس اندک، قبول کنندهٔ شکر ناچیز، نیکوکار و خوش رفتار، دارای احسان، معبودی جز تو نیست، پایان کار به سوی توست.

دعای ۳۷ اعتراف به ناتوانی از شکر

خدایا! کسی از شکر گزاریت در حالی از احوال، به نهایت شکر نمی رسد جز این که از احسانت نعمتی به دست می آورد، که او را به شکری دیگر وا می دارد.

و از آن جا که نعمتت پیوسته و پی درپی به بندگان می رسد، پس کسی را قدرت بر شکر نیست، و از اطاعتت گرچه تلاش و کوشش کند به اندازه ای نمی رسد، جز این که در برابر شایستگی ات، به سبب فضل و احسانت، ناتوان از طاعت است؛ بنابراین سپاس گزارترین بندگانت از سپاسگزاریت عاجز، و عابدترین ایشان، از اطاعتت ناتوان است.

کسی شایستهٔ آن نیست که به خاطر مستحق بودنش او را بیامرزی، و به سبب سزاوار بودنش از او خشنود شوی، هر که را بیامرزی به احسانت آمرزیده ای و از هر که خشنود شوی، به فضلت خشنود شده ای، عمل اندکی را که پذیرفته ای جزا می دهی، و بر اندک چیزی که اطاعت شده ای پاداش عنایت می کنی، تا آن جا که گویی سپاسگزاری بندگانت که پاداششان را بر آن واجب کرده ای و جزای ایشان را از آن بزرگ ساخته ای، کاری است، که بدون قدرت دادن تو بر باز ایستادن از آن توانمند بودند، و از این جهت پاداششان دادی، اما اینان قدرت باز ایستادن از شکرت را بدون تو ندارند، ولی با آنها هم چون کسی که قدرت

باز ایستادن دارد معامله کردی، یا انگار می کنی سبب آن شکر به دست تو نبوده، و به این خاطر اجرشان دادی؛ ولی این طور نیست، بلکه ای خدای من! مالک کار ایشان بودی، پیش از این که آنان مالک عبادت تو شوند، و مزدشان را آماده کردی، پیش از آن که وارد طاعت و بندگی تو شوند، و آن برای این است که روش تو عطا کردن، و عادتت احسان، و راهت گذشت است.

همهٔ آفریده هایت اعتراف دارند که تو دربارهٔ هر که عقوبتش کنی ستمکار نیستی، و شاهدند که هر که را از بلا عافیت دهی، در حقش احسان کرده ای، و همه دربارهٔ خویشتن به تقصیر و کوتاهی کردن نسبت به آنچه سزاوار آنی معترفند؛ بنابراین چنانچه شیطان ایشان را برای منصرف کردن از طاعتت نفریبد، هیچ عصیان گری تو را معصیت نکند، و اگر باطل را در نظرشان، مانند حق جلوه ندهد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نشود.

منزّه و پاکی، چه آشکار و روشن است بزرگواریت در معامله با کسی که تو را اطاعت کرده، یا از تو سرپیچی نموده.

مطیع را در برابر آنچه، خود برایش فراهم آورده ای پاداش می دهی، و معصیت کار را که تعجیل کیفرش در اختیار توست، به امید تو و بازگشت مهلت می دهی، به هر یک از مطیع و عاصی عطایی کرده ای که سزاوار آن نیستند، و به هر یک احسانی فرموده ای که عملش از آن کوتاه است.

اگر مطیع را نسبت به نعمتی که به او دادی مقابله به مثل می کردی؛ یعنی برابر هر نعمتی عملی از او می خواستی، نزدیک بود که پاداشت را نیابد، و نعمتت از او زایل شود؛ ولی حضرتت به بزرگواریت در برابر مدت کوتاه از دست رفتنی، که در آن به بندگیت برخاسته، به مدتی طولانی و همیشگی، و در مقابل مدت نزدیک گذرا، به مدت دامنه دار جاوید پاداشش دادی.

سپس در برابر رزقی که از سفرهٔ نعمتت خورده، تا به سبب آن بر بندگیت نیرو

گیرد، قیمت و عوض نخواستی، و از او نسبت به ابزاری که به کار بردن آنها را سبب رسیدن به مغفرتت قرار داده، بازرسی و حسابرسی دقیق نکردی، و اگر با بندهٔ مطیعت چنین رفتار می کردی، رنجی را که در راه عبادت کشیده بود، و تمام کوششی که در مسیر طاعت به دوش جان برداشته بود، در برابر کوچک ترین نعمت ها، و عطاهایت از دست می رفت، و در پیشگاهت به خاطر دیگر نعمت هایت تا ابد بدهکار تو می ماند، و در گرو طلب کاری تو قرار می گرفت.

روی این حساب چه زمانی شایستگی چیزی از ثواب تو را پیدا می کرد؟! نه هیچ گاه.

ای خدای من! این حال و روز کسی است که از تو فرمان برده، و راه کسی است که تو را عبادت کرده، اما کسی که از فرمانت روی گردانده، و مرتکب گناه شده، در رساندن عذاب و کیفرت به او شتاب نکردی، به خاطر این که وضعش را در نافرمانیت، به حال برگشتنش به بندگیت تغییر دهد، و محقّقاً در اول کاری که آهنگ نافرمانی تو کرد، همه عذاب هایت را که برای تمام بندگانت آماده ساخته ای مستحق می شد؛ پس هر عذابی را که از او به تأخیر انداختی، و هر مجازات سخت و کیفری که از او بازداشتی، حقّ مسلّم و قطعی خود، و خشنودی به کمتر چیزی است که برای تو واجب و ثابت است.

پس ای خدای من! کریم تر از تو کیست؟ و بدبخت تر از کسی که به سبب مخالفت با تو هلاک شد چه کسی است؟ نه هیچ کس؟

پس تو والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی، و پاک تر از آنی که جز عدالتت را بترسند. بیم ستمکاریت بر گناهکار نمی رود، و ترس واگذاشتن پاداش کسی که تو را خشنود کرده، در میان نیست؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را آرزو دارم، به من ببخش و هدایتت را بر من افزون کن؛ به گونه ای که به سبب آن به توفیق در عملم برسم. همانا تو بسیار نعمت دهندهٔ بزرگواری.

ص:۲۱۵

دعای ۳۸ پوزش از کوتاهی در حقوق بندگان و طلب آزادی از آتش

خدایا! از تو پوزش می خواهم دربارهٔ ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، و من یاریش ندادم، و از احسانی که نسبت به من شده، و سپاسش را به جا نیاوردم، و از بد کننده ای که از من پوزش خواسته و من پوزش او را نپذیرفتم، و از نیازمندی که از من درخواست کرده و من او را به خود ترجیح ندادم، و از حق مؤمن صاحب حقّی که بر عهده ام بوده و آن را نپرداخته ام، و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شده و آن را نپوشانده ام، و از هر گناهی که برایم پیش آمده و از آن دوری نکردم.

ای خدای من! از همه اینها و از آنچه مانند اینهاست، با دلی آکنده از پشیمانی پوزش می خواهم؛ پوزشی که مرا در برابر پیش آمدهایی نظیر آنها باز دارد. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پشیمانیم را از لغزش هایی که گرفتارشان شدم، و عزمم را بر ترک گناهانی که برایم پیش می آید، توبه قرار ده؛ توبه ای که برایم موجب عشق تو گردد، ای دوستدار توبه کنندگان!

ص:۲۱۶

دعای ۳۹ طلب عفو و رحمت

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و بنای شهوتم را از هر حرامی در هم شکن، و میل شدیدم را از هر معصیتی دور دار، و مرا از آزردن هر مرد مؤمن و زن مؤمنه، و هر مرد مسلمان و زن مسلمه باز دار.

خدایا! هر بنده ای نسبت به من مرتکب کاری شده که آن کار را بر او حرام کردی، یا پردهٔ حرمت مرا که دریدنش را بر او ممنوع کردی دریده، پس زیر بار ستمی که بر من داشته مرده، یا در حالی که هنوز زنده است، حقّی از من برعهدهٔ او ثابت است؛ پس او را نسبت به ستمی که بر من روا داشته بیامرز، و در رابطهٔ با حقی که از من پایمال کرده عفو فرما، و دربارهٔ آنچه با من کرده مؤاخذه مکن، و به خاطر گناهانی که با ستم بر من مرتکب شده رسوایش نساز، و این عفو و گذشتم را از آنان و چشم پوشی و کار نیکی که بدون چشم داشت نسبت به آنان انجام دادم، از پرفایده ترین صدقات صدقه دهندگان و بالاترین عطاهای مقرّبین پیشگاهت قرار ده، و در برابر عفو من از آنان عفوت، و در مقابل دعایم برای آنان رحمتت را عوض قرار ده، تا هر یک از ما به سبب فزون بخشیت سعادتمند شویم، و هر کداممان محض احسانت رستگار گردیم.

خدایا! هر یک از بندگانت که از جانب من صدمه ای به او متوجّه شده، یا از

ص:۲۲۰

سوی من آزاری به او رسیده، یا از من یا به سبب من ستمی بر او شده، و از پی آن ستم به گونه ای حقش را پایمال کرده ام، که باز گرداندن آن حق برایش ممکن نیست، یا با حقی که بر عهدهٔ من دارد، چنان از او پیش گرفته ام و از دستش فرار کرده ام، که یافتن من برای گرفتن حقّش به هیچ عنوان برایش میسّر نیست، در عین همهٔ این امور بر محمد و آلش درود فرست، و آن صاحب حق را به توانگری خود از من راضی کن، و حقّش را به طور کامل از نزد خود بپرداز، و مرا از عقوبتی که بر اساس فرمانت مستحق آن شده ام نگاه دار، و از کیفری که عدالتت به آن حکم می کند نجاتم ده؛ زیرا نیروی من تاب عذاب تو را ندارد، و برای طاقت من امکان تحمّل خشم تو نیست. به درستی که اگر مرا بر پایهٔ حق مکافات کنی هلاکم می کنی، و اگر به رحمتت نپوشانی، به مهلکه ام می اندازی.

ای خدای من! از تو بخشیدن چیزی را می خواهم که بخشیدن آن، چیزی از تو نمی کاهد، و باری را از دوشم می خواهم برداری، که برداشتن آن بر تو دشوار و گران نیست.

ای خدای من! از تو می خواهم که وجودم را به من ببخشی؛ وجودی که آن را خلق نکردی، تا به وسیلهٔ آن خودت را از شرّی باز داری، یا به سبب آن به سودی راه یابی؛ بلکه آن را آفریدی تا قدرتت را بر آفرینش نظیر آن به اثبات رسانی، و برهان و حجتی بر ایجاد شکل آن در آخرت قرار دهی، و از تو درخواست می کنم بار گناهانی که حمل آن مرا گران بار ساخته از دوشم برداری و از تو نسبت به آنچه سنگینی اش مرا به زانو درآورده، یاری می طلبم.

پس بر محمّد و آلش درود فرست و وجودم را به خاطر ستم بر خود بر من ببخش، و رحمتت را به برداشتن بار سنگین گناه از دوشم بر من بگمار. چه بسیار رحمتت به بدکاران رسیده، و چه فراوان گذشت و عفوت شامل ستمکاران شده.

پس بر محمّد و آلش درود فرست، و مرا سرمشق کسانی قرار ده، که آنان را

به گذشـتت از افتـادن در افتـادن گاه های خطاکاران سـرپا نگاه داشتی، و به توفیقت از ورطه های مجرمان رها کردی، پس در سایهٔ عفوت از اسارت خشمت رها شد، و به دست احسانت از بند عدالتت به آزادی رسید.

ای خـدای من! اگر این گونه رفتـار کنی، دربـارهٔ کسـی رفتـار کرده ای که اسـتحقاق عقوبتت را انکـار نمی کنـد و خود را از سزاوار بودن نسبت به خشمت تبرئه نمی نماید.

ای خـدای من! این رفتار را با کسـی می کنی که ترسـش از تو، از امیدش به تو بیشتر است، و نومیدیش از نجات، از امیدش به رهایی پابرجاتر است، نه این که نومیـدیش از باب یأس از رحمت تو یا امیـدش بر اساس مغرور بودن به کرم تو باشـد؛ بلکه از این جهت است که خوبی هایش نسـبت به گناهانش اندک، و دلایلش در مورد وظایفی که برعهده اش بوده، سست و بی پایه است.

ای خـدای من! شایسـته ای که صدّیقان به تو مغرور نشوند، و گنهکاران از تو مأیوس نگردند؛ زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که احسانت را از احـدی منع نمی کنی، و در گرفتن حق خود به کسـی سـخت گیری روا نمی داری، یادت از یاد شدگان برتر است، و نـام هـایت از نسبت نقص منزّه و پـاک است، و نعمتت در میـان تمام آفریـده ها پراکنـده و پخش است. تو را بر تمام آنچه از اوصافت بیان شد سپاس، ای پروردگار جهانیان!

ص:۲۲۵

دعای ۴۰ یاد مرگ

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از آرزوی دور و دراز بی نیاز کن، و دست آرزوهای دراز با عمل راستین از دامن حیات ما کوتاه فرما تا به پایان بردن ساعتی را از پی ساعتی، و دریافتن روزی را که به دنبال روزی، و پیوستن نفسی را به نفسی، و رسیدن گامی را به گامی آرزو نکنیم، و از فریب آرزوها ما را سالم دار، و از بدی هایش امان ده، و مرگ را در برابر دیدگان ما قرار داده؛ قرار دادنی دائم و همیشگی، و یادش را به گونه ای قرار مده که روزی یادش کنیم، و روزی از آن غفلت ورزیم.

و از اعمال شایسته عملی برایمان قرار ده، که آمدن به سوی تو را همراه با آن آرام و آهسته شماریم، و برای زود رسیدن به لقای تو حرص ورزیم؛ به طوری که مرگ برای ما محلّ انسی باشد که به آن انس گیریم، و مرکز الفتی باشد که به آن شوق ورزیم، و خویشاوند نزدیکی باشد که نزدیکی به او را دوست داشته باشیم. پس هنگامی که مرگ را بر ما وارد کنی و نازل فرمایی، ما را از دیدار چنین دیدار کننده ای خوشبخت فرما، و زمانی که بر ما وارد شد، ما را با او مأنوس ساز و ما را به مهمانیش به رنج و زحمت مینداز، و به زیارتش خوار و سرافکنده مکن، و آن را دری از درهای آمرزشت، و کلیدی از کلیدهای رحمتت

ص:۲۲۶

قرار ده. مـا را در زمرهٔ هـدایت یافتگـان بمیران؛ نه گمراهـان، و در سـلک مطیعـانی که از مرگ اکراه ندارنـد، و در جمع توبه کنندگان از دنیا ببر نه گناهکاران و اصرار ورزان به گناه، ای ضامن پاداش نیکوکاران، و اصلاح کنندهٔ کردار بدکاران!

دعای ۴۱ طلب پرده�پوشی

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و بستر کرامتت را برایم بگستران، و به آبشـخورهای رحمتت درآور، و در وسط بهشـت جـایم ده، و داغ مردود شـدن از درگـاهت را بر پیشـانیم مگـذار، و بـه نومیـدی از درگـاهت محرومـم مکن، و به گناهـانی که مرتکب شـدم، مرا به عرصهٔ تقاصّ و عقوبت مینداز، و به خاطر اعمال زشتی که انجام داده ام، حسابم را مورد دقت قرار مده، و رازم را آشـکار مکن، و سرّم را فـاش مسـاز، و عملم را در ترازوی عـدالت مگـذار، و امور پنهـانم را در برابر چشم بزرگـان و پیشوایان برملا مکن.

و آنچه که آشـکار شـدنش مایـهٔ ننگ من است.از آنان پنهان دار، و آنچه مرا در حضورت بدنام و رسوا کند، از دیدگان آنها بپوشـان، مرتبه ام را به خشـنودیت بالاـ بر، و کرامتم را به آمرزشت کامل کن، و مرا در زمرهٔ اصـحاب یمین درآور، و به جانب راه های ایمن یافتگان هـدایتم کن، و در گروه رسـتگاران قرار ده، و انجمن شایسـتگان را به وجود من آباد کن، ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب فرما.

ص:۲۳۰

دعای ۴۲ ختم قرآن

خـدایا! تو مرا به پایـان رسانـدن قرائت قرآنت یـاری دادی؛ قرآنی که آن را به صورت نور فرسـتادی، و بر هر کتـابی که نـازل کردی، شاهد و نگهبان قرار دادی، و بر هر سخن و کلامی که بر خوانده ای برتری دادی.

و جـدا کننده اش ساختی، که به وسـیلهٔ آن بین حلال و حرامت جدایی انداختی، و آیات به هم پیوسـته ای است، که از برکت آن، راه هـای احکـامت را آشـکار کرده ای، و کتابی است که هر چیزی را برای بنـدگانت در آن بیان کرده ای؛ بیانی جامع و رسا، و وحی است که بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله فرود آوردی؛ فرود آوردنی به حق.

و آن را نوری قرار دادی، که در پرتو پیروی از آن از تـاریکی هـای گمراهی و نـادانی، به عرصه گاه هـدایت راه یابیم، و شـفا برای کسـی که با رعایت سکوت به آیاتش گوش فرا دهد، برای آن که مفاهیم و معانی اش را درک کند، و واقعیت هایش را با دل و جان تصدیق نماید، و ترازوی عدلی که زبانه اش از حق منحرف نمی شود و نور هدایتی که روشنایی برهانش، از برابر بینندگان خاموش نگردد، و پرچم نجاتی که هر کس به جانب آیین اسـتوارش قصد کند، گمراه نشود، و هر کس به دسـتگیرهٔ عصمتش در آویزد، دست های هلاک کننده به او نرسد.

ص:۲۳۴

خدایا! هم اکنون که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی، و عقده های زبانمان را به زیبایی عبارتش گشودی، پس ما را از کسانی قرار ده، که حق این کتاب را چنانکه سزاوار آن است رعایت کنند، و تو را با اعتقاد تسلیم در برابر آیات محکمش اطاعت نمایند، و به پناهگاه اقرار به متشابهاتش، و دلایل روشنش پناه برند.

خدایا! تو قرآن را بر پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله مجمل و سربسته نازل کردی، و دانش شگفتی هایش را به طور کامل به او الهام فرمودی، و علم آن را به عنوان تفسیر به ما ارث دادی، و ما را بر کسانی که از دانش قرآن بی خبرند برتری دادی، و قدرت آگاهی از حقایقش را به ما عنایت کردی، تا ما را بر کسانی که طاقت درک مفاهیم آن، و قیام به آیاتش را ندارند، رفعت و سروری بخشی.

خدایا! چنانکه دل های ما را حامل واقعیت های آن ساختی، و شرافت و فضیلتش را به ما فهماندی، پس بر محمد خطیب به قرآن و بر آلش خزانه داران قرآن درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف دارند: قرآن از جانب توست، تا شک و شبهه ای در مسیر تصدیق آن، عارض دل های ما نشود و انحرافی، ما را از راه راستش باز ندارد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می زنند، و از متشابهات که محل لغزش عقول است، در پناه آیات محکمش مأوی می گیرند، و در سایۀ بال رحمتش آرامش می یابند، و به نور صبحگاهش راه می یابند، و به درخشندگی سپیده اش که موجب آشکار شدن حق است اقتدا می کنند، و از چراغش، چراغ می افروزند، و از غیر آن هدایت نمی جویند.

خدایا! همان گونه که محمّد را به وسیلۀ قرآن نشانه ای، برای هدایت به سوی خود نصب کردی و به سبب آل او، راه های خشنودی خود را آشکار ساختی، پس

بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما وسیلهٔ رسیدن به بالاترین منازل کرامت، و نردبانی که به جانب محل سلامت بالاـ رویم، و سببی که به وسیلهٔ آن، رهایی در عرصهٔ قیامت را پاداش داده شویم و وسیله ای که از برکت آن در نعمت های سرای اقامت وارد گردیم، قرار ده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و به واسطهٔ قرآن، سنگینی گناهان را از دوش ما فرود آر، و زیبایی اخلاق نیکان را به ما عنایت فرما، و ما را پیرو آثار کسانی قرار ده که همه ساعات شب و تمام روز را، به وسیلهٔ قرآن به بندگی برخاستند، تا جایی که ما را به پاک کنندگی آن، از هر آلودگی پاک کنی. و تابع آثار کسانی قرار دهی که به نور قرآن روشنی جستند، و آرزوی بی جا آنها را از عمل برای آخرت غافل نکرد، تا با فریب و نیرنگ هایش آنان را به هلاکت اندازد، و از به دست آوردن آخرت باز دارد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما زمینهٔ این منافع قرار ده؛ در تاریکی های شب ها مونس، و از تحریکات شیطان برای ارتکاب گناه، و خطرات وسوسه ها نگهبان، و برای گام های ما از حرکت به سوی گناهان بازدارنده، و برای زبان هایمان از فرو رفتن در گفتار باطل، - نه به خاطر بیماری - لال کننده، و برای اندامامان از ارتکاب گناه مانع شونده، و برای طومار و اوراق عبرت که دست غفلت آن را در هم پیچیده، گستراننده، تا فهم شگفتی هایش و پندهای باز دارنده اش را که کوه های استوار، با وجود صلابتشان از تحمل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و به وسیلهٔ قرآن آراستگی ظاهر ما را تداوم بخش و خطرات وسوسه ها را از پنجه انداختن به سلامت درونمان باز دار، و به سبب قرآن چرک دل هامان، و وابستگی گناهانمان را به وجودمان بشوی، و امور از هم پاشیدهٔ ما را به قرآن سامان بخش، و در جایگاه عرض

اعمـال به پیشگاهت، تشـنگی مـا را که زاییـده گرمـای آن جاست، به سـبب قرآن فرونشان، و در هنگام برانگیختنمان در روز وحشت بزرگ، به وسیلهٔ قرآن بر ما جامهٔ امن و امان پوشان.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و خلأ و شـکاف تنگـدستی و نـداری ما را به وسـیلهٔ قرآن جبران فرما، و به سـبب قرآن زنـدگی فراخ و گسترده و فراوانی ارزاق را به سوی مـا سوق ده، و مـا را در سایـهٔ قرآن، از خصـلت هـای ناپسـند و پستی های اخلاقی دور کن، و به وسـیلهٔ قرآن از سـقوط در منجلاب کفر، و انگیزه هـای نفاق حفظ فرما، تا قرآن در روز قیامت راهبر و راهنمای ما به سوی خشـنودیت و بهشت هایت باشـد، و در این جهان از خشـمت، و تجاوز از حـدودت بازمان دارد، و برای ما در پیشگاهت، در حلال دانستن حلالش، و حرام دانستن حرامش شاهد و گواه باشد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و هنگام مرگ به سبب قرآن، سـختی جان دادن، دشواری ناله کردن، و به شـماره افتادن نفس را، آن هم وقتی که جان ها به گلو رسـند، و گفته شود: چه کسی معالجه گر است؟! بر ما آسان فرما. آری، آسان فرما به خصوص هنگـامی که فرشـتهٔ مرگ، برای گرفتن جـان از پرده هـای غیب آشـکار شود، و تیرهای وحشـتناک فراق را از کمان اجل به سوی روح پرتاب کند، و از زهر کشندهٔ مرگ، شربتی مسموم برای جان آماده نماید، و کوچ کردن و حرکت ما از دنیا به آخرت نزدیک شود، و عمل ها و کردارها، گردن بندهایی بر گردن گردد، و قبرها، تا روز دیدار و ملاقات آرامگاه باشد.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرست، و ورود مـا را در خانـهٔ کهنگی و پوسـیدگی، و طول اقامتمان را بین طبقات خاک بر ما مبارک گردان، و قبرها را پس از جـدایی از دنیا بهترین منازلمان قرار ده، و تنگی لحد را به رحمتت، برای ما وسـعت ده، و در برابر حاضران عرصهٔ قیامت، به گناهان هلاک کننده ای که بر

ص:۲۴۰

گردن ماست رسوایمان مکن، و به سبب قرآن در جایگاه عرض اعمال، بر ذلّت و پستی وضع ما ترحم فرما، و هنگام لرزش پل جهنم، لغزش گام های ما را به وقت عبور از آن به وسیلهٔ قرآن استوار ساز، و پیش از برپا شدن قیامت، تاریکی گورهای ما را به قرآن روشن کن، و ما را در سایهٔ قرآن از هر گونه اندوه روز قیامت، و سختی ترس های روز بلای بزرگ و بی مانند نجات ده، و روزی که چهرهٔ ستم پیشگان سیاه می شود - روز حسرت و پشیمانی - چهره های ما را سپید کن، و برای ما در دل های مردم مؤمن، محبّت و دوستی قرار ده، و زندگی را بر ما سخت و دشوار مکن.

خدایا! بر محمّد بنده و رسولت درود فرست، در برابر این که، پیام دینت را به مردم رساند، و فرمانت را آشکار کرد، و نسبت به بندگانت خیرخواهی فرمود.

خدایا! پیامبر ما را که درودت بر او و بر آلش باد، روز قیامت از مقرب ترین پیامبران، و از نظر شفاعت در پیشگاهت، از نیرومندترین آنان، و از جهت منزلت و مقام از والاترین آنان، و از نظر جاه و آبرو، آبرومندترین آنان قرار ده.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و بنیانش را برتری ده، و دلیل و برهانش را بزرگ و با عظمت فرما، و میزانش را سنگین کن، و شفاعتش را بپذیر، و وسیله اش را نزدیک فرما، و رویش را سپید کن، و نورش را کامل، و درجه اش را بلند ساز، و ما را بر روش او زنده بدار، و بر آیینش بمیران، و ما را در راهش قرار ده، و در راه او راه بر، و از اهل طاعتش قرار ده، و در گروه او محشور کن، و به حوضش وارد فرما، و از جامش سیرابمان کن.

و بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودی که به وسیلهٔ آن او را به آنچه که از خیر و احسان و کرامت امید دارد برسانی، همانا تو صاحب رحمت گسترده و احسان گران قدری.

خدایا! به خاطر این که پیام هایت را رساند، و آیاتت را به سوی مردم برد، و

ص:۲۴۱

برای بنـدگانت خیرخواهی کرد، و در راهت جهـاد کرد، پاداشـی به او عنایت فرما، برتر از پاداشـی که به هر یک از فرشـتگان مقربت، و انبیای مرسل و برگزیده ات عنایت فرمودی، سلام و رحمت و برکات خدا، بر او و بر اهل بیت پاکیزه و پاکش باد.

دعای ۴۳ نگاه کردن به هلال

ای آفریـدهٔ فرمانبردار و پوینـدهٔ دائم و شـتابان، رفت و آمـد کننـدهٔ در منازل معیّن شـده و تصـرّف کنندهٔ در فلک تدبیر، ایمان آوردم به کسـی که به سـبب تـو تـاریکی هـا را روشن کرد، آنچه را بـا حواس به سـختی می توان یـافت، به وسـیلهٔ تو آشـکار ساخت، و تو را دلیلی از دلایل فرمانرواییش بر هستی، و نشانه ای از نشانه های سـلطنت و قدرتش قرار داد، و تو را به زیادی و نقصان، و طلوع و غروب، و تابندگی و گرفتگی، به خدمت گرفت. در تمام این حالات فرمانبردار اویی، و به سوی خواسته اش شتابانی.

چه شـگفت است تـدبیری که در برنامـهٔ تو به کار برده، و چه دقیق است آنچه در شأن تو انجام داده، تو را کلیـد ماهی جدید، برای کاری جدیـد قرار داده. از خداونـد، پروردگارم و پروردگارت، و آفریننـده ام و آفریننـده ات، و تقـدیر کننده ام و تقدیر کننده ات، و صورتگرم و صورتگرت، درخواست می کنم که بر محمد و آلش درود فرسـتد، و تو را هلال با برکتی قرار دهد، که گـذشت روزگاران آن برکت را از بین نبرد، و هلال پاکی که گناهان آلوده اش نکنـد، هلال ایمنی از بلاها، و سـلامتی از بـدی ها، هلال خوشـی طالعی که نحسـی در آن نباشـد، و با میمنتی که مشـقّت گرد آن نگردد، و آسایشـی که دشواری با آن مخلوط

ص:۲۴۲

نشود، و خیری که ممزوج به شرّ نگردد، هلال امن و امان، و نعمت و احسان، و سلامت و اسلام.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از خشنودترین کسانی قرار ده که ماه نو بر آن طلوع کرده، و از پاکیزه ترین کسانی که به آن نگاه کرده، و خوشبخت ترین کسانی که در آن به انجام هر گونه عبادت، از واجب و مستحب برخاسته اند، و ما را در این ماه به توبه موفّق کن، و از گناه حفظ فرما، و از دست زدن به معصیت نگاه دار، و ما را در این ماه به سپاسگزاری نعمت برانگیز، و پوشش های عافیت را به ما بپوشان، و به سبب کامل به جا آوردن بندگیت در این ماه، نعمتت را بر ما کامل کن. تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای، و درود خدا بر محمّد و آل پاک و پاکیزه اش باد.

دعای ۴۴ ماه مبارک رمضان

خدا را سپاس، که ما را به سپاس گزاریش هدایت فرمود، و ما را اهل سپاس قرار داد، برای این که از شکرگزاران احسانش شویم، تا در برابر این سپاس و شکر، پاداش نیکوکاران را به ما عنایت فرماید.

خدا را سپاس که دینش را به ما عطا کرد، و ما را به آیینش اختصاص داد، و در راه های احسانش وارد کرد، تا در آنها به لطف و فضلش به جانب رضوانش حرکت کنیم؛ حمدی که از ما بپذیرد، و به سبب آن از ما خشنود شود.

و خدا را سپاس که از جملهٔ آن راه ها، ماه خود، ماه رمضان را قرار داد؛ ماه روزه، و ماه اسلام، ماه پاک کننده، ماه آزمایش، ماه قیام به عبادت، و ماهی که قرآن را در آن نازل کرد، که سراسر برای مردم هدایت است و نشانه هایی روشن از هدایت، و جداکنندهٔ بین حق و باطل؛ پس برتریش را بر ماه های دیگر بر پایهٔ احترامات زیادی که برایش قرار داد، و فضیلت هایی که بین مردم مشهور است، آشکار ساخت.

پس آنچه را در ماه های دیگر حلال بود، به خاطر بزرگداشت این ماه حرام کرد، و خوراکی ها و آشامیدنی ها را محض گرامی داشت آن ممنوع فرمود، و بر آن وقتی واضح و روشن قرار داد، و آن نهمین ماه از ماه های قمری است که

حضرتش جلّ و عزّ اجازه نمی دهد از آن وقت معین پیش افتد، و نمی پذیرد که از آن پس افتد.

سپس یکی از شب هایش را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید، فرشتگان و روح در آن شب، به دستور پروردگارش، برای تعیین سرنوشت ها، و آوردن هر خیر و برکتی، و تقدیر هر کاری نازل می شوند. شبی است آکنده از سلامت و رحمت، برکتش تا سپیده دم بر هر کس از بندگانش که بخواهد، از طریق قضایش که محکم و استوار کرده، پیوسته و دایمی است.

خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و شناخت برتری این ماه، و بزرگ داشت احترامش را، و خودداری از آنچه که در این ماه ممنوع کردی، به ما الهام فرما، و ما را به روزه داشتن این ماه، و حفظ اندامهان از گناهانت و به کار گرفتن آنها در آنچه که تو را خشنود می کند یاری ده، تا با گوشمان به گفتار لغو گوش نکنیم، و با چشممان به تماشای لهو نشتابیم، و تا جایی که دست هامان را به جانب حرامی نگشاییم، و با گام هامان به سوی ممنوعی نرویم، و شکم هامان جز آنچه را حلال کردی، در خود جای ندهد، و زبانمان جز به آنچه تو گفته ای گویا نشود، و عمل و وظیفه ای جز آنچه ما را به ثواب تو نزدیک می کند، متحمّل نشویم، و جز آنچه ما را از کیفر تو نگاه می دارد، انجام ندهیم. آنگاه همهٔ اینها را از ریای ریاکاران، و شهرت طلبی شهرت طلبان، خالص و پاک فرما؛ به گونه ای که کسی را جز تو در اعمالمان شریک نکنیم، و مقصد و منظوری در آن اعمال غیر تو نطلبیم.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را در این ماه، بر اوقات نمازهای پنج گانه، با آدابی که برای آنها معین کردی، و واجباتی که جهت آنها واجب فرمودی، و شروطی که محض آنها مقرّر نمودی، و اوقاتی که تعیین کردی آگاه ساز، و ما را در ادای این نمازهای پنج گانه، در رتبهٔ کسانی قرار ده، که به

مراتب و منزلت های آن رسیده اند، کسانی که حفظ کنندهٔ ارکان آنهایند، و هر یک از پنج نماز را در اوقات مخصوص به خودش ادا می کنند، و بر پایهٔ آن کمیت و کیفیتی که بنده و رسولت که درود تو بر او و خاندانش باد؛ تشریع فرموده و بیان کرده، در رکوع و سجودش و همهٔ فضایل و درجاتش، با کامل ترین طهارت و روشن ترین مرتبهٔ خشوع و رساترینش.

و ما را در این ماه توفیق ده، که با خویشاوندان خود با نیکی و صلهٔ رحم ارتباط پیدا کنیم، و با احسان و بخشش به همسایگان خود رسیدگی نماییم، و اموال خود را از مظالم و حقوق مردم پاک کنیم، و با بیرون کردن زکات، ثروت و مال خود را در مدار پاکی قرار دهیم، و با کسی که با ما قهر کرده آشتی نموده و با آن که به ما ستم روا داشته، به عدالت و انصاف معامله کنیم، و با شخصی که با ما دشمنی کرده، از در مسالمت در آییم، مگر کسی که در راه تو، و به خاطر تو با او دشمنی شده باشد؛ همانا او دشمنی است که با او دوستی نکنیم، و حزبی است که به او دست صداقت ندهیم.

و ما را در این ماه توفیق ده، که به وسیلهٔ اعمال شایسته، که ما را به سبب آنها از گناهان پاک کنی به تو تقرّب جوییم، و ما را در این ماه از این که بخواهیم اعمال زشت را از سر بگیریم حفظ فرما، و کار بندگی ما در این ماه به جایی رسد، که هیچ یک از فرشتگانت نتواند، بالاتر از آنچه ما به جا آوردیم، از ابواب بندگی و طاعت برای تو، و انواع اعمالی که سبب قرب ما به حضرت توست، به پیشگاهت عرضه کند.

خدایا! به حق این ماه و به حق کسی که از آغاز تا پایانش تو را بندگی کرده، از فرشته ای که او را مقرّب خود کردی، یا پیامبری که برای هدایت مردم فرستادی، یا بندهٔ شایسته ای که به کرامت خود اختصاص دادی، از تو می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی، و ما را در این ماه شایسته کرامتی که به

اولیـایت وعـده دادی گردان، و آنچه برای اهـل کوشـش در بنـدگیت قرار دادی برای ما قرار ده، و ما را در زمرۀ کسانی که به رحمتت، شایستگی رسیدن به برترین مرتبه را یافتند، درآر.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست و ما را از انحراف در توحیـدت، و کوتاهی در سـتایشت، و تردید در دینت، و کوری از راهت، و بی احترامی به حرمتت، و گول خوردن از دشمنت، شیطان رانده شده، بر کنار کن.

خـدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و چنانچه در هر شب از شب های این ماه رمضانمان، بندگانی هسـتند که عفوت آنها را آزاد می کنـد، و گذشت و چشم پوشـیت آنان را می بخشد، پس ما را از آن بندگان محسوب کن، و ما را برای ماه رمضانمان از بهترین اهل و اصحاب قرار ده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و با به محاق نشستن هلالش، گناهانمان را محو کن، و با سپری شدن روزهایش، گناهان را از وجود مـا برکَن، تـا مـاه رمضـان در حـالی از مـا بگـذرد که وجودمان را از خطاها پاکیزه، و از بـدی ها خالص و آراسـته فرموده باشی.

خـدایا! بر محمـد و آلش درود فرست؛ چنانچه ما در این ماه از حق و عدالت و بندگی و طاعت منحرف شویم، به دایرۀ عدل و درسـتی برگردان، و اگر از راه هـدایت به گمراهی افتیم، اسـتوارمان سـاز، و اگر دشـمنت شـیطان بر مـا چیره شـود، از کیـد و مکرش ما را رهایی بخش.

خـدایا! این ماه را با بندگیمان برای حضـرتت پُر کن، و اوقاتش را به طاعتمان برای وجود مبارکت زینت ده، و در روزش ما را به روزه داشـتن، و در شبش ما را به نماز و زاری به درگاهت، و فروتنی به پیشگاهت، و خواری در برابرت یاری فرما تا روزش به غفلت ما از روزه، و شبش به کوتاهی ما از عبادت گواهی ندهد.

ص:۲۵۲

خـدایا! ما را در دیگر ماه ها، و دیگر ایام، مادامی که زنده مان می داری چنین قرار ده، و هم چنین ما را از بندگان شایسـته ات قرار ده؛ آنان که بهشت را به ارث می برند و در آن جاودانند، و از اموال خود در راه خدا می بخشند، و عمل شایسته انجام می دهنـد، در حالی که دل هاشان از اندیشه بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است، و از کسانی قرار ده که به سوی خیرات می شتابند، و نسبت به آن از دیگران پیشی می گیرند.

خـدایا! بر محمّـد و آلش درود فرسـت، در همه وقت و در همه دم و در هر حـال، به شـمارهٔ درودی که فرسـتاده ای، بر هر که درود فرسـتاده ای و چنـدین برابر همهٔ آنها، به چندین برابری که جز تو نتواند آنها را بشـمارد؛ همانا تو آنچه را بخواهی، انجام می دهی.

ص:۲۵۳

دعای ۴۵ وداع با ماه مبارک رمضان

خدایا! ای که میل و رغبتی به پاداش نـدارد؛ چون بی نیاز از آفریده هاست، و ای که بر عطا بخشـی اش، پشـیمان نمی شود، و ای که پاداش بنـده اش را مساوی و برابر نمی دهـد؛ بلکه پاداشـش بیش از عمل بنـده است، نعمتت ابتداست، دست کسـی در ساخت و پرداختش دخالت ندارد، و گذشتت احسان و مجازاتت عدالت، و فرمانت اختیاری است. اگر عطا کنی، عطایت را به منّت آلوده نمی کنی و اگر منع کنی، منعت بر پایـۀ تجاوز نیست. کسـی که تو را شـکر کنـد، جزایش می دهی، در حالی که خودت شـکر را به او الهام کردی، و کسـی که تو را سـپاس گوید، پاداشـش می بخشی، در صورتی که سپاس را خودت به او تعلیم دادی.

پرده می پوشی بر کسـی که اگر می خواستی رسوایش می کردی. جود و کرم می کنی بر کسـی که اگر می خواستی منعش می فرمودی، در حالی که هر دوی اینها از جانب تو سزاوار رسوایی و منعند؛ امّا چنین نمی کنی، چون تمام کارهایت را بر پایۀ احسان و تفضّل بنا نهادی، و قدرتت را بر آیین گذشت به جریان انداختی، و با کسـی که با تو به مخالفت برخاسته، با بردباری روبه رو شدی، و کسی را که بر ستم به خود همّت گماشت مهلت دادی، با حلم و بردباریت

مهلتشان می دهی، تا به سویت باز گردند. شتاب در عقوبت را وا می گذاری، تا به عرصه گاه توبه و بازگشت بنشینند، تا آن که از جانب تو سزاوار هلاکت شده، هلاک نشود، و تیره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاکت و بدبختی آنان پس از طول مدتی است، که حرام و حلالت را برای آنان روشن کردی، و پیوسته به عذاب تهیدستان فرمودی، و عذر بسیاری از این قبیل در برابرشان قرار دادی، و پی در پی بر آنان اتمام حجّت کردی.

این همه، بر پایهٔ کرم و بخششی از عفو توست ای بزرگوار! و سود و بهره ای است از مهربانی تو ای بردبار! تویی که دری برای بندگانت به سوی عفوت گشودی، و آن را توبه نامیدی، و بر آن درِ گشوده دلیلی از وحیت قرار دادی، تا آن را گم نکنند، - ای که نامت والا و مبارک است! - فرمودی: «به سوی خدا بازگردید؛ بازگشتی خالص باشد که پروردگار گناهانتان را محو کند و شما را وارد بهشت هایی کند که از زیر آنها نهرها روان است. روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آوردند، خوار نمی کند، نورشان پیش رویشان، و از جانب راستشان در حرکت است. می گویند: خدایا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، که تو بر هر کاری توانایی.»

پس بهانه و عذر کسی که پس از گشوده شدن در و اقامهٔ دلیل، از ورود به عرصه گاه عفوت غفلت کند چیست؟

و تویی که در معاملهٔ با خود، به بهره و سود بندگانت افزودی، و در این داد و ستدشان با تو، سودشان، و کامیابی و فوزشان به وقت ورود بر تو، و بهره افزون را از جانب خود برای آنها خواسته ای.

پس گفتی - ای که نامت مبارک و والاست! - «هر کس یک خوبی بیاورد، ده برابرش برای اوست، و هر کس یک بدی بیاورد، جز به مانند آن عقوبت نشود.»

و فرمودی: «داستان آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند

دانه ای است که هفت خوشه رویانده، در هر خوشه صد دانه است، و خدای برای هر که بخواهد، چند برابر می کند.»

و گفتی: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد، تا خدا آن را برایش به چندین برابر بیفزاید.» و آنچه از نظایر این آیات دربارهٔ چندین برابر کردن خوبی ها در قرآن نازل فرمودی.

و تویی که با گفتارت از غیبت خود، و تشویقت که بهرهٔ آنها در آن است، به اموری راهنمایی کردی که اگر آن امور را از ایشان می پوشاندی، دیدگانشان آنها را درک نمی کرد، و گوش هایشان فرا نمی گرفت و اندیشه و فکرشان به آنها نمی رسید. پس گفتی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزارید، و کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر کنید، بر شما افزون می کنم و اگر ناسپاسی کنید، محققاً عذاب من سخت است.»

و گفتی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. آنان که از عبادت من – دعا – تکبّر می کنند، به زودی خوار و ذلیل وارد جهنّم می شوند. دعا و خواندن خود را عبادت، و ترکش را استکبار نامیدی، و بر ترک دعا به ورود در جهنّم با ذلّت و خواری تهدید کردی. بندگان واقعی ات، به خاطر نعمتت تو را یاد کردند، و به سبب احسانت به شکرگزاریت برخاستند، و به فرمانت تو را خواندند، و برای گرفتن عطای افزونت صدقه دادند، نجاتشان از خشمت، و کامیابیشان به خشنودیت در این امور بود.»

و اگر مخلوقی از جانب خودش مخلوقی دیگر را، به همین گونه که تو بندگانت را راهنمایی کردی، راهنمایی می کرد، موصوف به احسان، و نعمت بخشی بود، به هر زبانی مورد ستایش قرار گرفته بود. پس تو را سپاس تا آن جا که در سپاست راهی یافت شود، و تا آن جا که برای سپاس، کلمه ای که به آن ستوده شدی، و معنایی که به سپاس منحرف شود، باقی باشد.

ص:۲۵۹

ای که بـا احسان و فضل، بنـدگانش را به سـپاس فرا خوانـده و آنان را در دریای نعمت و عطا غرق کرده، چه آشـکار و پخش است نعمتت در عرصـهٔ حیات ما، و چه سـرشار و فراوان است عطایت بر ما، و چه قـدر ما را به نیکی و احسانت اختصاص داده ای! مـا را بـه دینـت؛ دینی کـه برگزیـده ای، و بـه آیینـت؛ آیینی کـه پسـندیده ای و راهت؛ راهی که همـوار کرده ای هـدایت فرمودی، و به چیزی که مایهٔ قرب به توست، و زمینهٔ رسیدن به کرامتت، بینا کردی.

خـدایا! تو از خـالص ترین آن وظـایف، و برگزیـده ترین آن فرایض، مـاه رمضـان را قرار دادی که آن را از میـان سـایر ماه ها برگزیدی، و از میان همهٔ زمان ها و روزگارها انتخاب فرمودی، و بر تمام اوقات سال ترجیح دادی؛ به خاطر آن که قرآن و نور را در آن نازل کردی، و ایمان را در آن چنـد برابر ساختی، و روزه گرفتن در آن را واجب کردی، و به شب زنده داری در آن تشویـق فرمـودی، و شب قـدر را در آن که از هزار شب بهـتر است، بزرگ داشـتی. سـپس مـا را به سـبب آن، بر دیگر امّت ها ترجیح دادی، و در پرتو فضـلش ما را از میان همهٔ ملّت ها برگزیدی. پس به فرمانت روز را روزه گرفتیم، و شـبش را به یاریت به عبـادت برخاستیم، در حالی که خود را به سـبب روزه و شب زنـده داریش در معرض رحمتت قرار دادیم؛ زیرا خودت ما را در این مـاه در معرض رحمتت قرار دادی، و آن را وسـیلهٔ رسـیدن به پـاداشت انتخـاب کردیم، و تو به انجام آنچه از درگاهت طلب شود توانایی، و به آنچه از احسانت درخواست شود، جواد و بخشـنده ای، به کسـی که برای تقرّب به تو بکوشـد قریب و نزدیکی.

به تحقیق این مـاه در بین مـا، در مرتبه و محلی سـتوده ای است، و بـا مـا مصـاحبت کرد؛ مصاحبتی پسـندیده و نیکو، و ما را به برترین بهره های جهانیان، سودمند کرد. سپس هنگام پایان یافتن وقتش، و به سر رسیدن مدّتش، و کامل شدن روزهایش از ما جدا شد. پس ما او را وداع می کنیم؛ وداع کسی که

هجرانش بر ما سخت و غم انگیز است، و روگرداندنش ما را غم زده و دچار وحشت کرد. برای او برعهدهٔ ما پیمانی محفوظ، و حرمتی در خور رعایت، و حقی واجب الاداء لازم شد. بر این اساس می گوییم: سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا! و ای عید دوستانش!.

سلام بر تو ای از میان اوقات، گرامی ترین همنشین! و ای بهترین ماه در ایام و ساعات! سلام بر تو؛ ماهی که در آن آرزوها و حاجات، به برآورده شدن نزدیک است، و اعمالی که موجب خشنودی خداست در آن پخش شده. سلام بر تو؛ همنشینی که هنگام موجود بودن منزلتش بزرگ، و وقت مفقود شدن فقدانش دردناک، و مایهٔ امیدی که دوریش رنج آور است. سلام بر تو همدمی که چون رو کند، مونس گردد و مسرور و شاد کند، و زمانی که سپری شود، به وحشت اندازد، و دل ها را به درد آورد. سلام بر تو، همسایه ای که دل ها در آن نرم، و گناهان در او کم شد.

سلام بر تو یاوری که ما را در مبارزهٔ با شیطان یاری داد، و رفیقی که راه های احسان را هموار و آسان ساخت. سلام بر تو، چه بسیارند آزادشدگان خدا در تو، و چه خوشبخت است کسی که حرمتت را محض وجود خودت رعایت کرد. سلام بر تو، چه بسیار گناهان را محو کردی و چه بسیار عیب ها را پوشاندی. سلام بر تو، چه طولانی بودی بر گناهکاران و چه با هیبت بودی در قلوب اهل ایمان.

سلام بر تو؛ ماهی که تمام زمان ها قدرت رقابت با او را ندارند. سلام بر تو؛ ماهی که نسبت به هر کاری مایهٔ سلامتی است. سلام بر تو؛ که مصاحبت و همنشینی اش ناپسند، و معاشرتش نکوهیده نیست. سلام بر تو، چنانکه با برکات بر ما وارد شدی، و چرک خطاها را از ما شستی. سلام بر تو که وداع با تو؛ نه از باب خستگی، و فراغت از روزه ات، نه به خاطر ملالت است. سلام بر تو که قبل

از آمدنش خواستارش بودیم، و پیش از رفتنش بر او اندوهگینیم. سلام بر تو، چه بدی ها که به سبب تو از ما برطرف شد و چه خوبی ها که به وسیلهٔ تو بر ما فرو ریخت. سلام بر تو، و بر شب قدری که از هزار ماه بهتر است. سلام بر تو، دیروز نسبت به تو چه حریص بودیم، و فردا به سوی تو چه بسیار شوق داریم. سلام بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر برکات گذشته ات که از ما گرفته شد.

خدایا! ما اهل این ماهیم، که ما را به سبب آن شرافت و بزرگی بخشیدی، و با لطف و احسانت بر انجام اعمالش ما را موفّق فرمودی. هنگامی که تیره بختان وقتش را نشناختند، و از بخت بدشان، از فضیلتش محروم شدند. تویی صاحب اختیار و سرپرست، که ما را به شناسایی آن برگزیدی، و به راه و روش آن هدایتمان کردی، و ما به توفیق تو، با همهٔ کوتاهی و تقصیر، عهده دار روز و شب زنده داری او شدیم، و در آن اندکی از بسیار را به جا آوردیم.

خدایا! تو را سپاس؛ در حالی که به بدی هامان اقرار، و به ضایع کردن ماه مبارک و هم چنین به تباه کردن اعمالمان اعتراف داریم، و برای تو در دل هامان پشیمانی پا برجا و ثابت، و در زبانمان عذر صادقانه قرار دارد. بر این اساس در برابر تقصیر و تفریطی که در این ماه گریبان گیر ما شد، پاداشی عنایت کن که از پرتو آن پاداش فضیلت دلخواهمان را در این ماه به دست آوردیم، و اندوخته های گوناگون را که مورد علاقه است عوض بستانیم، و عذر ما را در کوتاهی از ادای حقّت بپذیر، و عمرهای ما را، که پیش روی ماست، به ماه رمضان آینده برسان، و چون ما را به آن رساندی، بر انجام عبادتی که شایستهٔ توست یاریمان فرما، و به انجام طاعتی که سزاوار آن ماه است برسان، و عمل شایسته ای که موجب تدارک حق توست، در آن دو ماه از ماه های روزگار به دست ما جاری فرما.

خدایا! در هر گونه لغزشی که در این ماه رمضانمان وارد شدیم از گناه

کوچک یا بزرگ، یا معصیتی که در آن مرتکب شدیم، یا خطایی که در آن کسب کردیم، از روی عمد، یا فراموشی، که در آن به خود ستم روا داشتیم، یا به آن پردهٔ حرمت دیگری را دریدیم، پس بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به پرده پوشیت بپوشان، و به گذشتت از ما بگذر، و ما را به خاطر گناهی که کردیم، در برابر دیدهٔ شماتت کنندگان قرار مده، و زبان طعنه زنندگان را به روی ما باز مکن، و ما از باب رأفت و لطفت که پایان نمی پذیرد، و بر پایهٔ احسانت که کاستی ندارد، به اعمالی بدار که باعث ریزش گناهان، و کفارّه اموری شود که در این ماه، از ما ناپسند شمردی.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مصیبت از دست رفتن رمضانمان را جبران کن و روز عید و فطرمان را بر ما مبارک فرما، و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته قرار ده، جلب کننده ترین روز نسبت به عفو، و محو کننده ترین زمان برای گناه، و معاصی پنهان و آشکارمان را بیامرز.

خدایا! با گذشتن این ماه از خطاهای ما بگذر، و با خارج شدنش، ما را از گناهانمان خارج کن، و ما را از خوشبخت ترین اهل این ماه به آن و پرنصیب ترین آنان در آن، و بهره مندترین ایشان از آن قرار ده.

خدایا! کسی که این ماه را آن طور که می بایست رعایت کرد، و احترامش را به نحوی که شایسته بود حفظ نمود، و حدودش را به صورتی که سزاوار بود به پای داشت، و از گناهانش به طور کامل پرهیز کرد یا به وسیلهٔ عمل خالصی به تو تقرّب جست، عملی که موجب خشنودیت، و معطوف کردن رحمتت بر اوست، پس مانند آنچه به او بخشیدی، بر ما هم از توانگریت ببخش، و چندین برابر آن را از احسانت به ما عطا کن. مسلماً احسانت کاستی نمی پذیرد، و خزاینت نقصان پیدا نمی کند؛ بلکه افزون می شود، و همانا معادن احسانت از بین نمی رود، و قطعاً عطای تو عطایی است گوارا.

ص:۲۶۳

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و برای ما پاداشی، همانند پاداش کسی که این ماه را روزه گرفت، یا در آن تا روز قیامت به بندگیت برخاست، ثبت فرما.

خـدایا! در روز فطرمـان کـه آن را برای مؤمنین عیـد و سـرور، و برای اهـل آیینـت روز اجتمـاع و گردهمـایی قرار دادی، به درگـاهت از هر گنـاهی که مرتکب شـدیم، یا کار زشتی که از پیش فرسـتادیم، یا انـدیشه سوئی که در باطنمان پنهان داشتیم، توبه می کنیم؛ توبـهٔ کسـی که خیال بازگشت به گناه را نـدارد، و پس از آن به دامن خطایی بر نمی گردد؛ توبه ای خالص که از شک و تردید پاک باشد؛ پس آن را از ما بپذیر و از ما خشنود باش، و ما را بر آن توبه ثابت قدم دار.

خدایا! ترس از عذاب وعده شده، و شوق ثواب موعود را روزی ما فرما، تا لذّت آنچه که از تو می خواهیم و اندوه آنچه که از آن به تو پنـاه می بریم در یـابیم، و ما را نزد خود از توبه کننـدگانی که محبّتت را بر آنان ختم کردی، و بازگشت به طاعتت را از ایشان پذیرفتی قرار ده؛ ای عادل ترین عادلان!

خدایا! از تمام پدران و مادران و اهل دینمان بگذر؛ چه هر که از ایشان درگذشته، و چه آنها که تا روز قیامت خواهند آمد.

خدایا! بر محمد پیامبر ما و آلش درود فرست؛ همان گونه که بر فرشتگان مقربت درود فرستادی، و بر او و آلش درود فرست؛ همـان گونه که بر پیـامبران مرسلت درود فرسـتادی، و بر او و آلش درود فرست؛ همان گونه که بر بنـدگان شایسـته ات درود فرسـتادی، و برتر و بهتر از آن را، ای پروردگـار جهانیان، درودی که برکتش به ما رسـد، و سودش نصـیب ما شود، و به خاطر آن دعایمان مسـتجاب گردد. تو بزرگوارتر کسـی هستی که به او روی آورده شـده، و بی نیاز کننـده تر کسـی هستی که به او اعتماد شده، و بخشنده تر کسی هستی که احسانش درخواست شده، و تو بر هر کاری توانایی.

دعای ۴۶ بازگشت از نماز فطر و جمعه

ای آن که رحم می کند به کسـی که بندگان به او رحم نمی کنند! ای آن که می پذیرد کسی را که کشورها نمی پذیرند! ای آن که نیازمندان درگاهش را حقیر و کوچک نمی شـمرد! ای آن که اصرار کنندگان به پیشگاهش را ناامید نمی کند! ای آن کـه دسـت ردّ به سـینهٔ کسـانی که عمـل خـود را در برابر حضـرتش بزرگ می شـمارند نمی زنـد! ای آن که ارمغـان و هـدیه کوچک را می پذیرد، و اندک کاری که برایش انجام می گیرد، سپاس می نهد! و ای آن که عمل کم را قدرشناسی می کند، و پـاداش بزرگ می دهـد! و ای آن کـه هر کـه به او نزدیـک شـود، به او نزدیـک می شـود! و ای آن که هر که را از او روی گردانـده، به سوی خود می خواند! و ای آن که نعمت را تغییر نمی دهد، و به انتقام شـتاب نمی ورزد! و ای آن که نیکی را به بار می نشاند تا آن را بیفزاید، و از بدی می گذرد تا آن را محو و نابود کند!

آرزوهـا پیش از رسـیدن به نهـایت کرمت، حـاجت روا برگشـتند، و ظرف های طلب به فیض بخشـشت لبریز شدنـد و اوصاف پیش از رسـیدن به وصـفت، از هم گسـیختند. برتری در بالاترین مرتبه اش، که فراز هر برتری است مخصوص توست، و جلال امجد که فوق هر جلال است، ویژهٔ توست. هر بزرگی نزد تو

کوچک و هر شریفی در کنار شرفت حقیر است.

آنان که به سوی غیر تو کوچ کردند، نا‌امید شدند، و آنان که جز تو را خواستند، به خسارت نشستند، و آنان که به درگاه غیر تو فرود آمدند، تباه شدند، و نعمت خواهان جز آنان که از فضل و احسان تو نعمت خواستند، دچار تهی دستی و قحطی شدند. باب رحمتت به روی علاقه مندان باز، وجود و سخایت برای گدایان رایگان، و فریاد رسیت به فریاد خواهان نزدیک است.

آرزومندان از تو نومید نمی شوند، و درخواست کنندگان از عطایت مأیوس نمی گردند، و آمرزش خواهان به کیفرت، بدبخت نمی شوند.

سفرهٔ روزیت برای گنهکاران پهن است، و بردباریت به جانب کسی که با تو دشمنی ورزید، روی آورنده است. عادتت احسان به بدکاران، و راه و روشت مهلت به متجاوزان است، تا جایی که مدارایت، اینان را از بازگشت و توبه به درگاهت فریب داده و غافل ساخته، و مهلت دادنت، ایشان را از خودداری از گناه باز داشته. جز این نیست که آنان را فرصت دادی، به خاطر این که به فرمانت باز گردند، و محض اطمینان به دوام فرمانروایيت مهلتشان دادی.

پس آن که اهل سعادت بود، فرجام کارش را به سعادت ختم کردی، و آن که اهل بدبختی بود، به بدبختی اش و اگذاشتی. همهٔ اینان چه سعادتمندان و چه شقاوتمندان به حکم و حکومت تو باز می گردند، و کارشان منتهی به فرمان تو می شود. طولانی شدن زمان زندگی گنهکاران، قدرت پادشاهیت را سست نمی کند، و شتاب نورزیدن در عقوبت و بازپرسی آنان، برهان و دلیلت را باطل نمی سازد. حجّت استوار و پابرجاست و باطل نگردد، و پادشاهیت ثابت و همیشگی است و از بین نمی رود. پس عذاب دائم بر کسی که از تو روی تافت، و نومیدی ذلّت بار برای کسی که از تو نومید شد، و بدترین تیره بختی برای کسی که به رحمت و کرم تو مغرور گشت.

ص:۲۶۸

چه بسیار دگرگونی هایی که در عذابت برای او هست، و چه بسیار زمان طولانی و درازی که در عرصهٔ کیفرت رفت و آمد خواهد داشت، و فرج و گشایش از چنین انسانی چه اندازه دور است، و از رهایی یافتن از جهنّم به آسانی و سهولت، چه بسیار ناامید است. این مجازات ها، بر اساس عدالت در حکم توست که در آن ستم نمی کنی، و از انصاف در فرمان توست که ظلمی در آن روا نمی داری. همانا حجت هایت را برای بیداری مردم، پی در پی آوردی و دلیل و عذرت را به سوی آنان فرستادی، و تهدیدت را یادآور شدی، و در ترغیب بندگان به ایمان و عمل، لطف و مدارا را به کار گرفتی، و برای بیداری آنان مثل ها زدی، و مهلت به مردم را طولانی کردی. کیفر را به تأخیر انداختی، در حالی که بر شتابِ به عذاب توانا بودی، و فرصت دادی در صورتی که بر عجله قدرت داشتی.

مدارایت از روی ناتوانی، و مهلت دادنت از باب سستی، و خودداریت به خاطر غفلت، و به تأخیر انداختنت از روی مدارا و سازش نبود؛ بلکه برای این بوده که حجتت رساتر، و بزرگواریت کامل تر، و احسانت فراگیرتر، و نعمتت تمام تر باشد. تمام اینها بود و هست، و می باشد و خواهد بود. حجتت برتر از آن است، که بتوان همهٔ آن را به دایرهٔ وصف کشید، و بزرگیت بالاتر از آن است که بتوان به عمق و ژرفای آن رسید، و نعمتت بیش از آن است که کمترینش سپاس شود.

اکنون نبود زبان سخن، مرا از سپاسگزاریت ناتوان ساخته و خودداری از بزرگداشتت، مرا عاجز و ناتوان کرده، و نهایت قدرتم این است که به درماندگی از سپاست اقرار کنم.

ای خدای من! این درماندگی از سپاس نه از بی رغبتی؛ بلکه از ناتوانی من است. اینک منم که آمدن به درگاه تو را قصد می کنم، و از حضرتت توقع

پـذیرایی نیک دارم. پس بر محمـد و آلش درود فرست، و رازم را بشـنو، و دعایم را مسـتجاب کن، و روزم را به نومیدی ختم مفرما، و نسـبت به گـداییم، دست ردّ به سـینه ام نزن، و رفتنم را از نزدت، و بازگشـتم را به سـویت گرامی دار؛ زیرا هر چه را اراده کنی، از انجـامش دچار سـختی نمی شوی، و در برآوردن آن چه از تو خواسـته شود، عاجز نمی باشـی، و تو بر هر کاری توانایی، و حول و قوّه ای نیست جز به خدای بلند مرتبهٔ بزرگ.

دعای ۴۷ دعای روز عرفه

خـدا را سـپاس، که مالک و مـدبّر جهانیان است. خـدایا! سـپاس ویژه توست؛ ای پدیـد آورندهٔ آسـمان ها و زمین! ای صاحب جلال و اکرام! ای مالـک همـهٔ اربابـان و ای معبـود هر معبود و خـالق هر مخلوق و وارث هر چیز! چیزی شـبیه او نیست و علم چیزی از او پنهان نمی مانـد، و او به هر چیز احاطه دارد، و او بر هر چیز نگهبان است، تویی خـدایی که جز تو خدایی نیست، و یکتـا و یگـانه ای، فرد تنهـایی. و تـویی خـدایی کـه جز تـو خـدایی نیست، بزرگـوار و ارجمنـدی، بزرگ و بـاعظمتی، کـبیر و متکبّری، و تویی خـدایی که جز تو خـدایی نیست، بلند مرتبه و بلند پایه ای، در انتقام گیری سـخت و شدیدی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بخشـنده و مهربانی، دانا و درست کاری، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، شنوا و بینایی، ازلی و آگاهی، و تویی خـدایی که جز تو خـدایی نیست، بزرگوار و بزرگوارتری، همیشـگی و جاودانه تری، و تویی خدایی که جز تو خـدایی نیست، اوّلی پیش از هر کس، و آخری پس از هر عـدد، و تویی خـدایی که جز تو خـدایی نیست، نزدیـک در عین بلنـدی مقـامش، و بلنـد مقـام در عین نزدیکی اش، و تـویی خـدایی که جز تو خـدایی نیست، صـاحب زیبـایی و بزرگواری، و کبریایی و حمدی.

و تـویی خـدایی که جز تو خـدایی نیست که همه چیز را بـدون مـایه و اصـل پدیـد آوردی، و آنچه را صورت و شـکل دادی، بـدون نمونه برداری از چیزی شـکل دادی، و آفریـده ها را بـدون اقتباس از نقشه ای آفریدی. تویی که هر چیز را در نیکوترین وضع، اندازه گیری کردی، و هر چیز را، از نظر تمام خصوصیات رو به راه فرمودی، و امور ماسوای خود را سامان دادی، تویی که در ایجـاد موجودات شـریکی یـاریت نـداد، و در کـارت وزیری به پشتیبانیت برنخاست. و برایت در امور آفرینش شاهـد و نظیری نبـود، تـویی کـه اراده کردی، پس هر چـه را اراده کردی حتمی و قطعی شـد، و قضـاوت فرمـودی، و آنچه را قضـاوت کردی بر اساس عدالت بود، و حکم کردی، و آنچه را حکم کردی بر پایهٔ انصاف بود.

تویی که مکـانی تو را فرا نمی گیرد، و سـلطنتی در برابر سـلطنتت به پا نخاست، و برهان و بیانی عاجزت نساخت. تویی که هر چیز را به شمار آوردی، و برای هر چیزی مدت قرار دادی، و هر چیز را به خوبی اندازه گرفتی.

تویی که دست اندیشه ها از رسـیدن به ژرفای ذاتت کوتاه است، و فهم ها از درک چگونگی ات ناتوان است، و دیده ها جای کجاییت را در نیابنـد. تویی که ابتـدا و انتهایی نـداری تا محـدود شوی، و ماننـد موجودات نیستی که پس از عدم موجود شده باشـی، و فرزندی نیاوردی، تا زاییده شده باشی، تویی که برایت همتایی نیست تا با تو به ستیز برخیزد، و همانندی برایت نیست تـا در قـدرت و سـطوت و توانـایی، با تو پهلو به پهلو زنـد، و نظیری برایت نیست، تا با تو از در مخالفت برآیـد. تویی که آغاز کرد و اختراع نمود، و پدید آورد و بدون نمونه آفرید و محکم و نیکو قرار داد ساختن آنچه را ساخت.

منزّه و پاکی؛ چه بزرگ است شأنت و چه بلند است در میان جایگاه ها، جایگاهت، و چه آشکار کننده به حق است قرآنت، و موازینی که برای جدا کردن حق از باطل قرار داده ای.

ص:۲۷۴

منزّه و پاک و مهربانی که چه بسیار است مهربانیت، و رئوفی که چه بسیار است رأفتت، و حکیمی که چه بسیار است شناسایی ات.

منزّه و پاکی؛ پادشاهی که دست معارضی به مرز پادشاهیت نرسد و بخشنده ای که سفرهٔ بخشندگیت چه پهناور است؛ و بلند مرتبه ای، چه بلند مرتبه است رفعتت.

تو صاحب زیبایی و بزرگواری و کبریایی و حمدی. منزّه و پاکی، دست قدرتت را به عطا کردن خوبی ها گشودی، و هدایت از نزد تو شناخته شد، پس هر که تو را برای دین، یا دنیا بخواهد می یابدت.

منزّه و پاکی، هر کس در عرصهٔ علم تو قرار گرفته، برایت فروتنی کرد و جمع آفریده هایت، در برابر بزرگیت تواضع کردند، و همهٔ مخلوقاتت در پیشگاه تو گردن بند تسلیم به گردن انداختند.

منزّه و پاکی، به حواس ظاهری درک نشوی و به حواس درون در نیایی، و به اعضا و جوارح لمس نگردی. مورد نیرنگ و کید واقع نگردی، از بزرگی و عظمتت کنار زده نشوی، در معرض نزاع و مغلوبیت و جدال و فریب و مکر قرار نگیری.

منزّه و پاکی، راهت روشن و هموار، دستورت هدایت است، و تو زنده و آقا و بی نیازی.

منزّه و پاکی، گفتارت درست و استوار، و قضایت قطعی، و اراده ات جزمی و مسلّم است.

منزّه و پاکی در برابر مشیتت ردّ کننده ای نیست و در مقابل کلماتت، تبدیل کننده ای وجود ندارد.

منزّه و پاکی ای صاحب آیات روشن! ای به وجود آورندهٔ آسمان ها! ای آفرینندهٔ موجودات!

ص:۲۷۵

تو را سپاس، سپاسی که جاودانگیش به جاودانگیت ادامه پیدا کند و تو را سپاس؛ سپاسی که همراه نعمتت پاینده باشد، و تو را سپاس؛ سپاسی که با شمارهٔ آفریده هایت برابری کند، و تو را سپاس؛ سپاسی که بر خشنودیت بیفزاید، و تو را سپاس؛ سپاسی که با سپاس هر سپاسگزاری توأم باشد، و شکری که شکر هر شاکری از آن کوتاه آید.

سپاسی که سزاوار غیر تو نباشد، و به وسیلهٔ آن جز به تو تقرّب جسته نشود؛ سپاسی که باعث دوام سپاس اول، و علت درخواست دوام سپاس آخر شود؛ سپاسی که بر اساس گردش زمان ها چند برابر گردد، و به افزایش های پی در پی فزونی یابد؛ سپاسی که حافظان اعمال از شمردنش ناتوان شوند، و بر آنچه کاتبان اعمال در کتاب تو می نویسند، افزون گردد؛ سپاسی که با عرش مجیدت برابر، و با کرسی بلندت معادل شود؛ سپاسی که پاداشش از جانب تو کامل گردد، و مزدش همهٔ مزدها را فرا گیرد.

سپاسی که ظاهرش موافق باطنش، و باطنش موافق صدق نیت باشد؛ سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن را به جا نیاورده، و کسی جز تو ارزشش را نشناسد، سپاسی که هر کس در فراوان آوردنش بکوشد یاری شود، و هر کس در کامل آوردنش نهایت جدیّت را به کار برد، تأیید گردد، سپاسی که هر چه سپاس آفریده ای دارا باشد، و هر چه را پس از آن به وجود آوری، در برگیرد؛ سپاسی که هیچ سپاس به کلامت از آن نزدیک تر، و هیچ کس از آن کسی که این گونه سپاس می گوید، سپاسگزارتر نباشد، سپاسی که به سبب کرمت و محض کثرتش، باعث فزونی نعمت شود، و از باب احسان، پس از هر فزونی آن را به فزونی دیگر رسانی؛ سپاسی که شایستهٔ ذات کریمت باشد، و با عزّ جلالت برابری کند.

پروردگارا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ آن انسان پسندیده؛ برگزیده؛ گرامی و مقرّب، برترین درودهایت را، و بر او برکت نازل کن؛ کامل ترین

برکاتت را، و بر او رحمت آر؛ پر بهره ترین رحمت هایت را.

پروردگارا! بر محمّـد و آلش درود فرست، درودی فزون پـذیر، که درودی فزون پـذیرتر از آن نباشـد، و بر او درودی فزاینـده فرست، که درودی فزاینده تر از آن نباشد، و بر او درود فرست، درودی پسندیده، که درودی بالاتر از آن نباشد.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودی که او را خشـنود کند و بر خشـنودیش بیفزاید، و بر او درود فرست؛ درودی که تو را خشـنود کند، و بر خشـنودیت به خاطر او بیفزاید، و بر او درود فرست؛ درودی که برای او جز به آن خشنود نشوی، و غیر او کسی را شایستهٔ آن ندانی.

پروردگـارا! بر محمـد و آلش درود فرست؛ درودی که از خشـنودی تـو فرا رود، و پیونـدش به بقـای تـو وصـل شـود، و پایـان نپذیرد، چنانکه کلمات تو پایان نمی پذیرد.

پروردگـارا! بر محمّـد و آلش درود فرست، درودی که درود فرشـتگان و پیـامبران و رسولاـن، و اهـل طـاعتت را به رشـتهٔ نظم درآورد، و شامل درود بنـدگانت، از جن و انس و پذیرنـدگان دعوتت گردد، و درود هر که را از انواع آفریده هایت به وجود آوردی و پدید کردی، گرد آورد.

پروردگارا! بر او و آلش درود فرست؛ درودی که هر درود گذشته و جدید را در برگیرد، و بر او و آلش درود فرست؛ درودی که نزد تو و غیر تو پسـندیده باشد، و علاوهٔ بر آن درودهایی را ایجاد کنی که در کنارش درودهای گذشـته را چند برابر کنی، و با گذشت روزگاران چندان بر آن بیفزایی، که کسی جز تو نتواند آن را به شماره آورد.

پروردگـارا! بر پاکیزه تران از اهل بیت او درود فرست؛ اهل بیتی که برای اجرای فرمانت انتخاب کردی، و آنان را خزانه داران دانشت، و حافظان دینت، و

جانشینانت در زمینت، و حجت هایت بر بندگانت قرار دادی، و آنان را به اراده ات، از پلیدی و آلودگی به طور کامل پاک کردی، و وجود مبارکشان را وسیله ای به سوی خود، و راه مستقیمت به جانب بهشتت قرار دادی.

پروردگارا! بر محمّد و آلش درود فرست؛ درودی که به سبب آن، بخشش و بزرگواریت را در حق آنان بزرگ گردانی، و عطا و بخشش های افزونت را برای آنان کامل گردانی، و نصیب آنان را از نیکی ها و بهره هایت سرشار فرمایی.

پروردگارا! بر پیامبر و آلش درود فرست؛ درودی که آغازش را مرزی، و مدتش را پایانی، و آخرش را نهایتی نباشد.

پروردگارا! بر آنان درود فرست؛ هم پایۀ عرش؛ و آنچه غیر عرش است به گنجایش آسمان ها و آنچه فوق آن هاست؛ درودی که آنان را به قرب تو رساند، و مایۀ خشنودی تو و آنان شود، و برای همیشه به نظایر و امثال آن متّصل گردد.

خدایا! تو در هر زمان، دینت را به وجود امامی یاری دادی، زمانی که او را نشانه ای برای بندگانت جهت یافتن راه حق و مشعلی فروزان در سرزمین هایت برپا داشتی، پس از آن که رشتۀ ارتباطش را به رشتۀ ارتباط خود پیوند دادی، و او را سبب دست یابی به خشنودیت قرار دادی، و طاعتش را واجب و از نافرمانیش بیم دادی، و مردم را به فرمان بردن از دستوراتش و باز ایستادن از نهیش، و پیشی نجستن بر حضرتش، و پس نماندن از وجود مقدسش دستور دادی. آری، امام انتخاب شدۀ تو، پناه پناهندگان و ملجأ مؤمنان، و دستگیرۀ چنگ زنندگان، و زیبایی جهانیان است.

خدایا! سپاس گزاردن نعمت هایی که به ولیّت عنایت کردی، به او الهام فرما و ما را نیز به سپاسگزاری نعمت وجود ولی الهام کن، و از جانب خویش به حضرت او، قدرت و سلطنت یاری دهنده عنایت فرما، و درِ فتح و پیروزیِ آسانی را به رویش بگشا. و او را به نیرومندترین تکیه گاه خود یاری ده، پشتش

ص:۲۷۸

را محکم و بـازویش را قوی فرمـا، و به نظر عنـایت و لطفت او را در سایـهٔ رعایتت قرار ده، و به حفظت او را حمایت کن، و به فرشتگانت او را یـاری ده، و به نیرومنـدترین سـپاهت مـددش فرما، و به وسـیلهٔ او قرآنت و حـدودت و شـرایعت، و روش های رسولت را – که درودت بر او و آلش – به پادار. آنچه از نشانه های دینت را ستمکاران میرانده اند، به وجود امام زنده کن، و به وسـیلهٔ او زنگار سـتم را از راهت پاک کن، و ناهمواری را از جادّه ات برطرف فرما، و منحرفین از راهت را از میان بردار، و آنان که قصد ایجاد کجی و اعوجاج در دینت را دارند هلاک کن، و دلش را نسـبت به دوستانت نرم، و دست قدرتش را علیه دشـمنانت گشوده ساز، و مهربانی و رحمت و عطوفت و دل سوزیش را به ما ببخش، و ما را نسبت به او شنوا و فرمانبردار و در راه به دست آوردن خشـنودیش کوشـا، و در یـاری و دفـاع از او مـددکار قرار ده، تا به وسـیلهٔ این امور، به تو و به رسولت که درودت بر او و آلش باد، تقرّب جوییم.

خدایا! بر دوستان محمّد و آل محمّد درود فرست؛ دوستانی که به مقامشان اقرار دارند؛ پیرو راهشان هستند؛ دنباله رو آثارشان می باشـند، چنـگ زننـدهٔ به دسـتگیرهٔ محکم و اسـتوارشان هسـتند؛ به ولایتشان تمسّک دارنـد؛ به امامتشان اقتـدا می کننـد؛ به امرشان تسلیم اند، در فرمانبرداری از آنان کوشایند؛ منتظر حکومت و قدرت پیروزی آنانند؛ چشم دوختهٔ به ایشانند. درودهای مبـارک، پـاکیزه، فزاینـدهٔ صبحگاهان و شامگاهـان بر آنـان باد و بر ارواحشان درود فرست، و کارشان را بر اساس تقوا فراهم آور، و شـؤون زنـدگی و احوالشـان را اصــلاح کـن و توبـهٔ آنـان را بپـذیر؛ همانـا تـو بسیار تـوبه پـذیر و مهربـانی، و بهـترین آمرزندگانی، و ما را به رحمتت همراه آنان در جایگاه امن و امان قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! این روز، روز عرفه است؛ روزی که آن را شرافت و کرامت و عظمت

دادی؛ سفرهٔ رحمتت را در آن گستردی و در آن به عفوت بر بندگان منّت نهادی، و عطایت را در آن بزرگ کردی، و به وسیلهٔ آن بر بندگانت تفضّل و احسان فرمودی.

خدایا! من بندهٔ تو هستم که پیش از آفریدنش، و پس از به وجود آمدنش، بر او انعام کردی؛ پس او را از جملهٔ کسانی قرار دادی، که به آیینت هدایت کردی، و برای ادای حقّت توفیقش دادی، و با ریسمان رحمت و لطفت حفظش کردی، و در حزب خود واردش کردی و به دوستی دوستانت و به دشمنی دشمنانت ارشادش کردی. سپس او را دستور دادی، ولی فرمان نبرد. از زشتی ها بازش داشتی، ولی باز نایستاد. از معصیتت نهیش فرمودی، ولی امرت را مخالفت کرد و به جانب نهیت شتافت، نه از باب دشمنی با تو و گردنکشی در برابر تو؛ بلکه هوای نفسش او را به چیزی دعوت کرد که تواش از آن دور کردی و بر حذر داشتی، و دشمنت و دشمنش او را در این زمینه کمک داد، تا در عین معرفت به تهدیدت بر گناه اقدام کند، در حالی که به عفوت امیدوار، و به گذشتت اطمینان داشت. در صورتی که او با این همه محبّتی که در حقش مبذول داشتی، و این همه نعمتی که به او بخشیدی، سزاوارترین بندگانت بود که مرتکب معصیت نشود، و قدم در عرصهٔ گناه نگذارد.

اینک منم که در برابرت قرار دارم، خوار، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، و معترف به گناهان بزرگی که بر دوش برداشته ام، و خطاهای سنگینی که مرتکب شده ام، در حالی که به چشم پوشیت پناهنده، و به رحمتت متمسّکم. یقین دارم که امان دهنده ای مرا از عذابت امان نمی دهد، و باز دارنده ای مرا از کیفرت باز نمی دارد؛ بنابراین ای که به خاطر بدکرداریم از من روگردانده ای، به من بازگرد؛ همان گونه که با پوششت نسبت به کسی که مرتکب گناه شده باز می گردی، و از عفوت به من ببخش؛ همان گونه که از عفوت به تسلیم شدهٔ به

ص:۲۸۰

حضـرتت می بخشـی، و با آمرزشت بر من منّت گذار؛ همان گونه که از آمرزشت بر کسـی که نسبت به تو امیدوار است منّت می گذاری. این کار در نظرت بزرگ نمی آید.

و در این روز نصـیبی برایم قرار ده، که به سـبب آن به بهره ای از خشـنودیت دست یـابم، و مرا از آنچه کوشـش کننـدگان در عبادتت به آن باز می گردند، - که پاداش و ثواب عظیم توست - تهی دست باز مگردان. من گرچه اعمال شایسته ای که آنان پیش فرسـتادند، پیش نفرسـتادم، ولی توحیدت و نفی همانند و همتاها و شبیه ها را از وجود مبارکت پیش فرسـتادم، و از همان درهایی که فرمان دادی از آنها وارد بر تو شونـد، وارد شدم و با وسـیله ای به تو تقرّب جسـتم که کسـی جز با تقرّب به آن، به مقـام قرب تو نرسـد. سـپس با توبه و زاری به پیشـگاهت و اظهار ذلّت و مسـکنت برایت، و حسن ظنّ به حضـرتت، و اعتماد به آنچه که نزد توست، تقرّب جویی را دنبال کردم، و امیـد به تو را که کمتر امیدواری با داشـتن آن نومید می شود، ضـمیمهٔ آن کردم و از تـو درخـواست کردم؛ درخـواست شـخص کوچـک، خوار، نیازمنـد، تهی دست، ترسـان و پنـاه خواه. بـا این حـال، درخواسـتم از روی بیم و زاری و پناه خواهی و ملجأطلبی بود؛ نه از روی گردن کشی به مانند کبر متکبّران، و نه از روی خاطر جمعی؛ به مانند خاطر جمعی مطیعان، و نه از روی بلند پروازی؛ مانند بلند پروازی کسی که به شفاعت شفیعان مطمئن است. و من گذشته از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و همانند ذرّه یا کوچک تر از آنم.

ای که در کیفر بـدکاران شـتاب نکردی و نعمت نـاز پروردگـانِ غرق در عیش و نـوش را منـع ننمـودی! ای که به گـذشت از لغزش بر لغزش داران منّت می نهی، و به مهلت دادن به خطاکـاران، تفضّـل می ورزی! منم بـدکار، منحرف به گنـاه، خطاکار، لغزش دار. منم که از روی جرأتِ بر تو اقدام به گناه کردم. منم که از

روی عمد تو را معصیت کردم. منم که خود را به وقت گناه از بندگانت مخفی کردم؛ ولی آشکارا به مخالفت با تو برخاستم. منم که از بندگانت ترسیدم؛ ولی خود را از تو ایمن و آسوده دیدم. منم که از عذابت نهراسیدم و از عقاب و خشمت نترسیدم. منم که بر خود جنایت کردم. منم که در گرو بلاهای خود هستم.

منم که حیایم اندک است، و گرفتاری و رنجم طولانی است. به حق آن که او را از میان آفریده هایت اختیار کردی، و به کسی که برای خود برگزیدی، به حق کسی که از میان مخلوقاتت انتخاب کردی، و برای شأن خود پسندیدی، به حق کسی که طاعتش را به طاعت خود وصل کردی و نافرمانیش را هم چون نافرمانی خود قرار دادی، به حق کسی که دوستیش را به دوستیت مقرون ساختی و دشمنیش را به دشمنیت ارتباط دادی. مرا امروز به جامهٔ عفو و رحمتت بپوشان؛ چون پوشاندن بر کسی که به پیشگاهت زاری و ناله کرد، و از گناهش بیزاری جست، و در حال توبه و درخواست آمرزشت به تو پناه آورد، و مرا همان گونه که اهل طاعتت و اهل قرب در درگاهت و منزلت و مقام در پیشگاهت را سرپرستی می کنی، سرپرستی کن.

و مرا مخصوص گردان، به آنچه مخصوص می گردانی کسی را که به پیمانت وفا کرده و خود را برای تو به زحمت انداخته و در به دست آوردن خشنودیت خود را خسته کرده، و مرا به خاطر کوتاهی در حقّت، و تجاوز از اندازه و قدرم نسبت به حدودت، و پا فرا گذاشتن از عرصه گاه احکامت مؤاخذه مکن، و مرا به مهلت دادنت به بلای استدراج مبتلا مکن. «استدراج عبارت است از واگذاشتن عبد به خودش تا قدم به قدم و کم کم به گناهش ادامه دهد، و در عذابش شتاب نشود تا خداوند ناگهان و غافل گیرانه او را فراگیرد.» مانند استدراج کسی که خیر و نیکی نزدش را از من بازداشته، و برای تو در رسیدن نعمتش به من حسابی باز نکرده.

ص:۲۸۲

مرا از خواب بی خبران، و خواب آلودگی اسراف کنندگان، و چرتِ به خود واگذاشتگان بیدار کن.

و دلم را در مسیری بر، که اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، و عبادت کنندگان را بر آن داشته ای، و مسامحه کاران را به آن نجات داده ای، و مرا از آنچه موجب دوری از تو می شود، و میان من و بهره ام حایل می گردد، و از آنچه نزد تو می جویم باز می دارد، پناه ده، و پوییدن راه خیرات به سویت و پیشی گرفتن به آنها را به صورتی که دستور دادی، و رقابت در آنها را به نحوی که خواستی برایم هموار کن.

و مرا در زمرهٔ کسانی که تهدیدت را سبک می شمارند، و به این خاطر نابودشان می کنی نابود مکن. و همراه کسانی که متعرّض خشمت می شوند، و به این علّت هلاکشان می کنی، هلاک مکن، و در جمع کسانی که از راه هایت منحرف می شوند، و به این جهت درهمشان می کوبی، درهم مکوب، و مرا از گرداب های فتنه نجات ده، و از گلوگاه های بلا خلاص کن، و از غافلگیر شدن در عرصهٔ مهلت پناه ده، و بین من و دشمنی که گمراهم می کند، و هوای نفسی که نابودم می نماید، و نقصی که در تنگنایم قرار می دهد، فاصله انداز.

از من روی مگردان، هم چون روی گرداندن از کسی که پس از خشمت از او خشنود نمی شوی، و از امید به حضرتت ناامیدم مکن، تا یأس از رحمتت بر من چیره شود، و بیرون از تحمل و طاقتم نعمت به من عطا مکن، که از فزونی محبتی که بر دوش جانم می گذاری، گرانبارم کنی، و مرا از دست لطف و رحمتت رها مکن؛ هم چون رها کردن کسی که خیری در او نیست، و نیازی به او نداری، و راه بازگشتی برایش وجود ندارد، و مرا مانند کسی که از نظر التفاتت افتاده، و هم چون کسی که رسوایی از سوی تو تمام وجودش را فرا گرفته دور مینداز، بلکه مرا از سقوط در افتادگان و هول و هراس گمراهان، و لغزش فریب

ص:۲۸۳

خوردگان، و پرتگاه تباه شدگان حفظ فرما.

و از آنچه اصناف مردان و زنان را به آن دچار کرده ای. عافیتم ده و به مقامات و درجات کسی برسان، که به او عنایت داشتی، و نعمتش بخشیدی، و از وی خشنود شدی، و برایش زندگی ستوده و خوبی تدارک دیدی، و او را سعادتمند از دنیا بردی، و گردن بند قطع شدن از آنچه خوبی ها را تباه می کند، و برکات را از بین می برد، به گردنم انداز، و پردهٔ باز ایستادن از زشتی ها، و رسوایی های گناهان را بر قلبم بپوشان، و مرا به کاری هم چون طلب رزق و روزی، و پی گیری امور دنیا و مانند آن، که جز با کمک تو به آن نمی رسم، چنان سرگرم و مشغول مکن تا از عبادت و طاعتی که غیر آن، تو را از من خشنود نمی کند باز مانم.

و از سویدای قلبم، عشق دنیای پست را که مرا از آن چه نزد توست باز می دارد، و از طلب وسیله برای رسیدن به پیشگاهت مانع می شود، و از به دست آوردن مقام قرب به تو بی خبر می کند ریشه کن فرما، و تنها شدن برای راز و نیاز با خودت را، شب و روز را در نظرم بیارای، و به من مقام عصمت و خود نگاه داری و پرهیزی که وجودم را به خشیتت نزدیک می کند، و از ارتکاب محرّمات جدایم می سازد، و از اسارت گناهان کبیره آزادم می کند، عنایت فرما، و پاک شدن از آلودگی گناه را به من ببخش، و چرک خطاها را از وجودم بزدای، و مرا به جامهٔ عافیتت بپوشان.

و ردای عفوت را در برم کن، و به نعمت های کامل و فراگیرت فراگیر، و احسان و نعمتت را پی در پی به من برسان، و به توفیق و راهنماییت یاریم فرما، و بر نیّت شایسته و گفتار پسندیده و عمل نیک نصرتم ده، و مرا بدون قدرت و تواناییت به قدرت و توانایی وامگذار.

و روزی که مرا برای دیدارت برانگیزی خوار مکن، و پیش روی دوستانت

رسوا مساز، و یادت را از خاطرم به دست فراموشی مسپار، و نیروی ادای شکرت را از من سلب مکن؛ بلکه در حالات فراموشی، هنگام فراموشی های نادانان نسبت به نعمت هایت، مرا ملازم شکر و سپاسگزاریت قرار ده، و به من الهام کن که به ستایش بر آنچه عطایم کرده ای برخیزم، و نسبت به احسانی که به من فرموده ای اعتراف کنم. رغبتم را به سویت بالاتر از رغبت راغبان، و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران قرار ده.

و مرا هنگام نیاز به سویت وامگذار، و به خاطر گناهانی که به پیشگاهت ریخته ام هلاکم مکن، و آن گونه که با دشمنانت برخورد بد کردی، با من مکن؛ چرا که من تسلیم و سر سپرده توام. می دانم که تو را بر من از هر جهت حجّت است. تو از همه کس به بخشش سزاوارتری، و به احسان خو کرده تری، و اهل تقوا و آمرزشی.

و به عفو کردن شایسته تر از عذاب کردنی، و به پرده پوشی، از پرده دری نزدیک تری. بر این اساس مرا زنده دار؛ به زندگی پاکیزه ای که بر آنچه از خیر دنیا و آخرت می خواهم بپیوندد، و به آنچه دوست دارم برساند؛ آن گونه که هیچ عملی که آن را ناپسند می داری، انجام ندهم و آنچه را نهی کرده ای مرتکب نشوم، و مرا بمیران مانند میراندن کسی که نورش از پیش رویش، و از جانب راستش حرکت می کند.

و مرا پیش رویت ذلیل و نزد بندگانت عزیز فرما. هنگامی که با تو خلوت می کنم، حقیر و پستم کن؛ ولی در میان بندگانت بلند مرتبه ام فرما.

از آن که از من بی نیاز است بی نیازم کن، و بر نداری و تهیدستیم در پیشگاه خود بیفزا، و از سرزنش دشمنان، و نزول بلا و خواری و رنج پناهم ده.

گناهانی را که از من خبر داری، بر من بپوشان؛ آن گونه که توانای بر انتقام می پوشاند؛ توانایی که اگر بردباریش نبود، انتقام می گرفت، و مؤاخذه کنندهٔ بر

گناه بود، اگر مدارایش نبود.

و زمانی که در حق قومی، فتنه یا بـدی بخواهی، مرا از باب این که به تو پناه آورده ام، از آن فتنه و بـدی نجات ده، و چون مرا در دنیایت، در موقف رسوایی به پا نداشتی، به همان صورت در جهان آخرت در چنان موقفی به پا مدار.

برای من اوایل نعمت هایت را به اواخر آن، و سودهای دیرینه ات را با تازه های آن توأم ساز.

آن قدر مهلتم مده که در کنار آن سـنگدل شوم، و مرا دچار بلای کوبنده ای مکن که محض آن آبرویم از بین برود، و بر من داغ پستی و حقـارت مزن که به خاطر آن ارزشم ناچیز شود، و نقصـی در من قرار مـده، که به سـبب آن قـدر و منزلتم مجهول ماند، و آن چنانم مترسان که به وسیلهٔ آن ناامید شوم، و آن گونه بیمم مده که در برابرش هراسناک گردم.

ترسم را در تهدیدت و پرهیزم را از اتمام حجّت و هشدارت، و بیمم را هنگام تلاوت آیاتت قرار ده.

شبم را به بیدار کردنم برای بندگیت، تنهاییم را برای شب زنده داری به خاطر حضـرتت، و مجرّد بودنم را برای انس گرفتن به وجود مقدّست، و فرود آوردن حاجاتم به درگاهت، و روبه رو شدنم را با ذات مبارکت برای آزاد شدنم از آتش، و پناه دادنم را از عذابت که اهل جهنّم در آنند، آبادی زندگیم قرار ده.

و مرا تا زمان مرگم در سرکشیم سرگردان و در گرداب نادانیم بی خبر وامگذار، و بر اثر خلاف کاری ها، مایهٔ پند برای کسی که پند پذیرد، و عبرت برای کسی که عبرت گیرد، و سبب فتنه و آزمایش برای کسی که نظر کند قرار مده.

و بـا من در زمرهٔ کسانی که با آنان مکر می کنی، مکر مکن، و در ایمان و عمل دیگری را به جای من انتخاب مکن، و نامم را از دفتر سعادتمندان تغییر مده، و

ص:۲۸۶

بدنم را دگرگون مساز، و مرا مضحکهٔ بندگانت و مسخرهٔ خود قرار مده، و مرا جز برای دنبال کردن خشنودیت و انتقام گرفتن از دشمنانت به خدمت مگیر.

و مرا از خنکی عفوت و شیرینی رحمتت، و روح و ریحانت و بهشت دائمیت کامیاب کن، و به سبب گشایشی از توانگریت، مزهٔ فراغت از دل مشغولی نسبت به دنیا و آنچه در آن است، و پرداختن به اموری که دوست داری، و نیز طعم کوشش نسبت به آنچه عامل تقرّب به پیشگاه تو و در نزد توست به من بچشان، و ارمغانی از ارمغان هایت را نصیب من فرما.

و تجارتم را سودمند و بازگشتم را به قیامت بی خسارت قرار ده، و مرا از مقامت بیمناک و به لقایت مشتاق فرما، و به من توفیق توبه عنایت کن؛ توبه ای خالص که با آن هیچ گناه بزرگ و کوچکی را باقی نگذار، و هیچ گناه آشکار و پنهانم را وامگذار، و کینهٔ مؤمنان را از دلم ریشه کن فرما، و دلم را نسبت به فروتنان مهربان کن و با من چنان باش که با شایستگانی.

و به زیور پرهیزکارانم بیارای، و برایم یاد خوبی در باقی ماندگان و آوازهٔ روزافزونی در میان آیندگان قرار ده، و مرا از نظر مقام و منزلت، در عرصه گاه پیشتازان به ایمان و عمل درآور، و گستردگی نعمتت را بر من کامل کن، و کرامت های نعمتت را نزد من پی در پی قرار ده. دستم را از عطاهایت پُر کن، و موهبت های گرانقدرت را به سویم فرست، و مرا همسایهٔ پاکیزه ترین دوستانت در بهشتی که برای برگزیدگانت آراسته ای قرار ده، و مرا به عطایای بزرگت، در مقاماتی که برای عاشقانت آماده کرده ای، بپوشان.

و برایم نزد خود جایگاهی قرار ده که با دلی آرام در آن پناه گیرم، و منزلی که در آن سکونت گزینم و دیده به آن روشن کنم، مرا با گناهان بزرگ مقایسه مکن، و در آن روزی که اسرار برملا شود، هلاکم مگردان و هر شک و شبهه ای را از من پاک کن، و از هر رحمتی به سوی حق راهی برایم قرار ده، و نصیب مواهبم

ص:۲۸۷

را از عطایایت سرشار فرما، و بهره های احسان از فضل و بخششت را بر من فراوان کن.

و دلم را نسبت به آنچه نزد توست مطمئن ساز، و آهنگ و قصدم را برای آنچه که برای توست، از هر چیز دیگر فارغ کن. و مرا به کاری که بندگان خالصت را محض آن به کار گرفتی، به کار گیر و قلبم را از طاعتت به هنگام غفلت عقل ها نسبت به حقایق سیراب کن، و توانگری و پاک دامنی، و آسایش و بهبودی و تندرستی، گشایش و آرامش و سلامت همه جانبه برایم گرد آور.

و خوبی هایم را با گناهی که با آنها آمیخته می شود، و خلوت هایم را به وسوسه ها و مفاسدی که از طریق آزمایشت برایم پیش می آید تباه مساز، و آبرویم را از این که دست گدایی نزد کسی از جهانیان دراز کنم حفظ فرما، و از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است برکنارم دار، و مرا پشتیبان ستم کاران، و دست یار و یاور آنان برای نابود کردن قرآنت قرار مده، و از جایی که خود آگاه نیستم، چنان نگاهبانم باش که به سبب آن از هر ناراحتی محفوظم بداری و درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی فراخ را به رویم بگشا. من از رغبت کنندگان به سوی توام. نعمت دادنت را درباره ام کامل فرما، همانا تو بهترین نعمت دهندگانی.

و باقی ماندهٔ عمرم را برای طلب کردن خشنودیت در حجّ و عمره قرار ده، ای پروردگار جهانیان! و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش و سلام بر او و بر آنان؛ سلامی پیوسته و جاودانه!

دعای ۴۸ عید قربان و روز جمعه

خدایا! امروز، روز مبارک و میمونی است. مسلمانان در این روز در نواحی زمینت جمعند؛ مسلمانان سائل و خواهنده و امیدوار و ترسان، در اجتماعات حاضر می شوند و تو به جود و کرمت بینای به حاجات آنانی، و آسان بودن مسئلتم در دایرهٔ قدرتت، از حضرتت می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی.

خدایا! پروردگارا! از تو درخواست می کنم، به این خاطر که فرمانروایی بر هستی از آنِ توست و سپاس، ویژهٔ حضرت توست. خدایی جز تو نیست، بردبار و کریمی، مهربان و بسیار نعمت دهنده ای، دارای عظمت و اکرامی، پدید آورندهٔ آسمان ها و زمینی، هر مقدار بین بندگان مؤمنت تقسیم می کنی، از خیر یا سلامتی همه جانبه یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعت، یا خیر خاصّی که به سبب آن بر آنان منّت می نهی و به واسطهٔ آن به سوی خودت هدایتشان می کنی، یا در پیشگاهت درجهٔ آنان را بالا می بری، یا از برکت آن خیری از خیر دنیا و آخرت به آنان عنایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن خیر، سرشار و فراوان گردانی.

خدایا! از تو می خواهم به این خاطر که فرمانروایی و حمد ویژهٔ توست و خدایی جز تو نیست، به این که بر محمّد، بنده ات و فرستاده ات و حبیبت و

برگزیده ات و اختیار شدهٔ از آفریده هایت، و بر آل محمّد، نیکوکاران، پاکان و خوبان درود فرستی؛ درودی که هیچ کس جز تو قدرت شمردن آن را نداشته باشد، و ما را در دعای شایستهٔ هر کس از بندگان مؤمنت که تو را در این روز می خواند، شریک کنی، ای پروردگار جهانیان! و ما و ایشان را بیامرزی که تو بر هر کاری توانایی.

خدایا! با حاجتم آهنگ درگاه تو کردم، و بار تهیدستی و نداری و بیچارگیم را به درگاهت فرود آوردم، و من به آمرزش و رحمتت تا به عمل و کردارم مطمئن ترم، و هر آینه آمرزش و رحمتت از گناهانم وسیع تر است؛ پس بر محمد و آل محمّد درود فرست.

روا کردن هر حاجتم را خود بر عهده گیر؛به خاطر قدرتی که بر روا کردنش داری، و آسان بودنش در برابر نیرومندیت، و محض نیازم به حضرتت، و بی نیازیت از من. مسلماً من به خیری نرسیدم جز از جانب تو، و هرگز احدی شرّی را از من برنگرداند غیر تو، و در امر آخرت و دنیایم به کسی جز تو امید ندارم.

خدایا! هر کس برای وارد شدن به مخلوقی، به امید صله و بخشش و درخواست خیر و جایزه اش، تهیهٔ ساز و برگ کرد و آماده و حاضر و مهیا شد؛ امّا ای مولای من! فراهم آوردن ساز و برگم و آماده شدنم و حاضر گشتنم و مهیا شدنم، فقط برای وارد شدن بر توست؛ آن هم به امید عفو و صله ات و درخواست خیر و جایزه ات.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و آن امیدم را در این روز، به ناامیدی تبدیل مکن. ای که درخواست کننده ای او را به مشقت نمی اندازد، و بخششی از توانگریش نمی کاهد! من از جهت اعتماد به عمل شایسته ای که از پیش فرستادم و به امید شفاعت آفریده ای، جز شفاعت محمّد و اهل بیتش – که

درود و سلامت بر او و بر آنان باد. - به پیشگاهت نیامدم. آمدم در حالی که به گناه و بدیم نسبت به خود معترفم که آمدم و به عفو عظیمی که به وسیلهٔ آن از خطاکاران گذشتی امید دارم. سپس طول توقّفشان بر گناه بزرگ حضرتت را از این که با رحمت و مغفرت به آنان رو کنی بازنداشت. ای که رحمتش گسترده، و عفوش بزرگ است، ای بزرگ! ای بزرگ! ای کریم! ای کریم! بر محمّد و آل محمّد درود فرست. به رحمتت به من بازگرد و به احسانت بر من شفقت ورز، و به آمرزشت بر من گشایش ده.

خدایا! این مقام اقامهٔ نماز عید قربان و جمعه که مخصوص خلفایت و برگزیدگانت و جایگاه امنای توست در مرتبهٔ بلندی است، که آن را ویژهٔ آنان قرار دادی؛ ولی غاصبان و غارتگران این مقام را از آنها به غارت بردند و تو تقدیر کنندهٔ آنی. فرمانت مغلوب کسی نشود، و از تدبیر حتمی ات هر گونه که بخواهی و هر زمان که بخواهی فراتر نتوان رفت؛ به سبب این که تو آگاه تر به اموری و نسبت به آفریدنت و اراده ات متهم نیستی. کار این غارتگری نسبت به جایگاه عظیم عید و جمعه، تا آن جا رسید که برگزیدگانت و خلفایت، مغلوب و شکست خورده و حق به غارت رفته شدند. می دیدند که حکم و فرمانت تغییر یافته، کتابت دور انداخته شده، واجباتت از مسیر شرایعت به دست تحریف افتاده، و سنت های پیامبرت متروک مانده است.

خدایا! دشمنانشان را از اوّلین و آخرین و هر که به کردارشان راضی شد، و طرفداران و پیروانشان را لعنت کن.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ همانا تو ستوده و بزرگواری. مانند درودهایت و برکاتت و تحیّاتت بر برگزیدگانت، ابراهیم و آل ابراهیم، و در گشایش کار و آسایش و یاری و تسلط و تأیید ایشان تعجیل فرما.

خدایا! مرا اهل توحید و ایمان به خود و تصدیق به رسولت، و امامانی که

طاعتشان را واجب فرموده ای قرار ده؛ آن هم از جملهٔ کسانی که توحید و ایمان به وسیلهٔ آنها و به دست آنان جریان پیدا می کند، آمین، ای پروردگار جهانیان!

خدایا! خشمت را جز بردباریت بر نمی گرداند، و سخطت را جز عفوت رد نمی کند، و از عقابت جز رحمتت پناه نمی دهد، و مرا از عذاب تو جز زاری به درگاه تو و در برابر تو نجات نمی دهد؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست. و ما را ای خدای من از سوی خود گشایش بخش؛ به قدرتی که مردگان را به آن زنده می کنی، و سرزمین های مرده را به حرکت می آوری.

ای خدای من! مرا از غصّهٔ دوری از رحمتت هلاک مکن تا خواسته ام را اجابت فرمایی، و مرا از اجابت دعایم آگاه کنی، و مزهٔ سلامت همه جانبه را تا پایان زندگیم به من بچشان و دشمن شادم مکن، و او را وبال گردنم مکن و بر من چیره مساز.

خدای من! اگر بلند مقامم کنی، کیست که پستم کند؟ و اگر پستم کنی، کیست که مرا بلند مقام کند؟ و اگر مرا گرامی داری، کیست که خوارم کند؟ و اگر خوارم کنی، کیست که گرامیم دارد؟ و اگر عذابم کنی، کیست که به من رحم کند؟ و اگر مرا هلاک کنی، کیست که دربارهٔ بنده ات به تو اعتراض کند یا از تو درباره اش بازخواست نماید؟ و من به این حقیقت پی برده ام که در حکم و فرمانت ستمی نیست، و در کیفرت شتاب و عجله ای وجود ندارد، و جز این نیست که کسی در کیفر شتاب می ورزد، که بیم از دست رفتن فرصت را دارد، و جز این نیست که کسی به ستم نیازمند است که ناتوان است، و تو ای خدای من از این امور برتر و بسیار بالاتری.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا هدف بالا و نشانهٔ انتقام و مجازات قرار مده، و مهلتم ده و اندوهم را بزدای، و از لغزش هایم بگذر، و به بلایی دنبال بلا گرفتارم مکن؛ چرا که ناتوانی و کمی تدبیر و زاریم را به

درگاهت می بینی.

خدایا! در این روز از خشمت به تو پناه می آورم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست، و پناهم ده، و در این روز از سخط تو، از خودت امان می خواهم، پس بر محمّد و آلش درود فرست، و امانم ده.

و ایمنی از عذابت را درخواست دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و ایمنم ساز و از تو هدایت می خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و هدایتم کن، و از تو یاری می طلبم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و یاریم ده، و از تو درخواست رحمت می کنم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و به من رحم کن، و از تو بی نیازی می خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و بی نیازم کن، و از تو درخواست روزی دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و روزیم ده و از تو کمک می خواهم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و کمکم کن، و نسبت به گناهان گذشته ام از تو درخواست آمرزش دارم؛ پس بر محمّد و آلش درود فرست و مرا بیامرز، و از تو حفظ و نگهداری از شرور و آفات می خواهم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و حفظم فرما؛ زیرا اگر اراده ات به پاکی من از گناه تعلّق گیرد، هرگز به آنچه آن را نمی پسندی باز نگردم.

ای پروردگارم! ای پروردگارم! ای بسیار مهربان! ای بسیار نعمت دهنده! ای صاحب جلال و اکرام! بر محمّد و آلش درود فرست. همهٔ آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم، و به خاطر آن به جانب تو روی آوردم، برایم مستجاب کن و برایم بخواه و مقدّر فرما و حکم کن و به اجرا گذار، و در آنچه برای من حکم می فرمایی، نیکی و خوبی مقرّر کن، و برایم در آن برکت قرار ده. و به واسطهٔ آن بر من تفضّل فرمای، و به آنچه به من عطا می کنی خوشبختم کن و از احسان و وسعتی که نزد توست بر من بیفزای. همانا تو واسع و کریمی، و همهٔ این مواهب را به خیر و نعمت آخرت پیوسته ساز، ای مهربان ترین مهربانان!

ص:۲۹۵

آنگـاه از حضـرت حق هر چه را می خواهی بخواه، و هزار بـار بر محمّـد و آلش درود فرست، که حضـرت زین العابـدین علیه السلام چنین می کرد.

دعای ۴۹ دفع شرّ دشمنان و ردّ فشار آنها

خـدای من! راهنمـاییم کردی؛ ولی به کارهـای پوچ و بیهوده پرداختم، و پنـدم دادی؛ امـا سـنگدل شـدم، و نعمت زیبـا عطـایم کردی، به نافرمانی گراییدم.

چون هدایت و نعمت و عطایت را به من شـناساندی، و من به توفیقت آنها را شناختم، و به زشتی گناهانی که در کنار این همه مـواهب انجـام دادم آگـاه شـدم، از حضـرتت درخواست آمرزش کردم، و تو مرا آمرزیـدی و عـذرم را پـذیرفتی، بـاز به گنـاه برگشتم، و تو گناهم را پوشاندی و رسوایم نکردی.

خـدای من! تو را سـپاس. خود را در وادی هلاـکت انـداختم، و در درّه های تباهی و نابودی وارد شـدم، با ورود به آن درّه ها، خود را در معرض سـخت گیری هایت قرار دادم، و با فرود آمدن به آنها، خود را در معرض عذاب هایت گذاشتم. برای نجاتم وسـیله ام در پیشـگاهت، توحید، و دسـتگیره ام این است که چیزی را شـریک تو قرار ندادم و همراه تو معبودی نگرفتم. با همه وجودم به سویت فرار کردم، گریزگاه بـدکار و پناهگاه، آن که سود و بهره خود را ضایع کرده، و پناهنـده شدهٔ درگاه توست. چه بسـیار دشـمنی که شمشـیر دشـمنیش را علیه من از نیام بیرون کشـیده و دم تیغش را علیه من تیز کرده، و سرِ نیزه اش را به قصد حمله بر من نازک ساخته و زهرهای کشنده اش را به آشامیدنیم در

آمیخته، و تیرهای اصابت کننـده اش را به سوی من نشانه رفته، و دیـدهٔ نگهبانی و مراقبتش نسـبت به من نخفته، تصـمیم گرفته که مرا هدف شکنجه و آزار و ناراحتی قرار دهد، و جرعهٔ تلخی و مرارتش را به کام من ریزد.

ولی ای خدای من! تو ناتوانیم را از تحمّل بارهای گران و عجزم را از پیروزی، در برابر کسـی که آهنگ جنگ و مبارزهٔ با من را دارد دیـدی و تنهـاییم را در برابر عـدّهٔ زیـادی که بـا من به عـداوت و دشـمنی برخاسـته، و در حال بی خبری من، در کمین گرفتـار کردنم نشسـته انـد، مشاهـده فرمودی. پیش از آن که از تو یـاری بخواهم، بی مقـدمه به یـاریم برخاستی، و پشـتم را به نیرویت محکم کردی. سـپس سـطوت و صولت و تنـدی و تیزی دشـمن را شـکستی، و پس از آن که در میان عـدّه ای انبوه، و افرادی فراوان جا داشت، تنهایش گـذاشتی، و مرا بر او قـدرت و برتری دادی، و آنچه را به سوی من نشانه رفته بود، به خودش برگرداندی، و او را از عرصه گاه جنگِ بر ضد من بازگرداندی، در حالی که خشـمش بهبودی نیافت، و کینه اش آرام نشد، و سرانگشـتانش را به دنـدان گزید، و رخ برتافت و به میدان جنگ پشت کرد، در حالی که سـپاهیانش از آن چه وعده اش داده بودند، تخلّف کردند.

و چه بسیار متجاوزی که با حیله هایش به حقوق من تجاوز کرد، و دام های شکارش را برایم نهاد، و مراقبت و نگهبانیش را بر من گمـاشت، و چـون درنـده ای که به انتظـار به دست آوردن فرصت، برای شـکار کردن صـیدش کمین نمایـد، در کمین من نشست، در حالی که خوش رویی چاپلوسی را برایم آشکار می کند، و با شدّت خشم مرا می پاید.

ای خـدای من! پربرکت و بلنـد مرتبه ای، هنگامی که فساد باطن و زشتی آنچه را در دل و اندیشه داشت دیدی، او را با مغز در آن گودالی که برای شکار کنده بود در انداختی، و در پرتگاه حفره اش در افکندی، تا پس از سرکشیش، با

خواری و خفت در بند دامی که فکر می کرد مرا در آن ببیند گرفتار شد، و اگر رحمت تو نبود، آنچه بر سر او آمد، نزدیک بود به سر من آید.

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوه و غصه گلوگیرش شد، و شدّت خشمش نسبت به من در گلویش پیچید، و با نیش زبان مرا آزار داد، و به عیوب خودش به من طعنه زد، و آبرویم را نشانهٔ تیرهای حسدش قرار داد، و صفات ناپسندی که در وجود خودش بود، به گردن من انداخت، و با مکرش مرا دچار شدّت خشم کرد، و با نیرنگش آهنگ من نمود. ای خدای من! با فریاد خواهی از تو صدایت زدم، در حالی که به سرعت اجابت دعایم اطمینان داشتم، و آگاه بودم که هر کس در سایهٔ حمایتت پناه گیرد، مورد ستم قرار نگیرد، و هر کس به پناهگاه یاری تو ملتجی شود، گرفتار ترس و وحشت نمی شود، و تو مرا به قدرتت از سختی و شرّ او حفظ کردی.

و چه بسیار ابرهای ناپسند و تیره و زشتی که از آسمان زندگیم برطرف فرمودی، و ابرهای نعمتی که بر من باریدی، جویبارهای رحمتی که در کشت زار حیاتم روان کردی، و چه بسیار جامه های عافیتی که بر من پوشاندی، و چشمه های حوادثی که به خاک انباشتی، و پردهٔ غم هایی که از دلم برطرف کردی.

و چه بسیار گمان نیکی که به تو داشتم، و تو آنها را محقق ساختی، و نداری و فقری که جبران فرمودی، و افتادنی که دستم را گرفتی و از آن بلند کردی، و مسکنت و فقری که به غنا و ثروت تغییر دادی. همهٔ اینها از روی نعمت دهی و احسان تو بود، و من در عین غرق بودن در تمام آن مواهب و الطاف، نسبت به نافرمانیت در تلاش و کوشش بودم؛ ولی بدکاریم و زشتی کردارم، تو را از کامل کردن احسانت در حق من باز نداشت، و این احسانت مرا از ارتکاب علل خشم تو منع نکرد.

ص:۳۰۱

تو از آن چه انجام می دهی بازخواست نمی شوی. از تو خواسته شد، عطا کردی و خواسته نشد، به عطا کردن آغاز فرمودی، و احسانت درخواست شد، بخل نورزیدی.

ای مولای من! تو نخواستی مگر احسان و اکرام و نیکی کردن و نعمت دادن را، و من نخواستم مگر افتادن در محرّمات و تجاوز از حدودت و غفلت از تهدیدت را.

خدای من تو را سپاس؛ سپاس نسبت به نیرومندی که مغلوب نمی شود و مهلت دهنده ای که در عذاب کردن شتاب نمی ورزد. این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرد، و با کوتاه آمدن از شکر نعمت ها، با نعمت ها به مقابله برخاست، و علیه خود به تباه کردن امورش گواهی داد.

خدایا! به مقام بلند و رفیع محمدی، و به ولایت روشن علوی به تو تقرّب می جویم، و به واسطهٔ آن دو بزرگوار به درگاهت رو می کنم، که مرا از شرّ فلان و فلان پناه دهی، که این پناه دهی در کنار توانابیت تو را به تنگنا نمی اندازد، و در جنب قدرتت تو را دچار زحمت و رنج نمی کند، و تو بر هر کاری توانایی.

ای خدای من! از رحمت و دوام توفیقت به من ببخش که آن را نردبان رسیدن به خشنودیت قرار دهم، و به سبب آن از عقوبتت ایمن گردم، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای ۵۰ مقام ترس از خدا

خدایا! مرا درست اندام و موزون و متناسب آفریدی، و در حالی که کوچک و ناتوان بودم، پرورشم دادی، و به اندازهٔ کافی روزیم بخشیدی. خدایا! در آنچه از قرآنت نازل فرمودی، و بندگانت را به آن مژده دادی یافتم که فرمودی:

«ای بندگان من که به سبب گناه بر خود اسراف کردید! از رحمت خدا نومید نشوید؛ مسلماً خدا همهٔ گناهان را می آمرزد.» در گذشته از من گناهانی سر زد که به آنها آگاهی و خطاها و معصیت هایی بر عهدهٔ من است که به اندازه و مقدار و کیفیت و چگونگی آنها از من داناتری؛ پس وای به رسوایی من از آنچه پروندهٔ من ثبت کرده، پرونده ای که تو برای نگارش اعمال مقرّر فرموده ای.

و اگر نبود محل ها و جایگاه هایی که به عفوت که فراگیر هر چیز است امید ببندم، خود را از دست می دادم، و از نجاتم مأیوس می شدم. اگر کسی می توانست از پروردگارش بگریزد، من به خاطر این همه گناهانم، برای این که دچار عذاب نشوم، به گریز از تو سزاوارتر بودم؛ تویی که نه در زمین و نه در آسمان، رازی از تو پوشیده نیست، و آن را در عرصه گاه قیامت حاضر می کنی، و همین بس که تو کیفر دهنده و حسابگر باشی که در کیفر و حساب، به افراد و اشخاص و آلات و ابزار نیاز نداری.

خدایا! تو خواستار و جوینـدهٔ منی اگر بگریزم، و تو دریابنـدهٔ منی، اگر فرار کنم. اینـک منم که در برابرت قرار دارم، فروتن، خوار، بینی به خاک مالیده. اگر عذابم کنی سزاوار آنم، و عذاب ای پروردگار من از ناحیهٔ تو عین عدالت است، و اگر از من بگذری، برنامهٔ تازه ای نیست؛ چرا که از دیرباز گذشتت مرا فرا گرفته، و جامهٔ عافیت را بر من پوشانده ای.

خدایا! به حق نام های مبارکت که در دانش تو محفوظ است، و احـدی از آن خبر نـدارد، و به جمال و زیباییت که پرده های نور آن را پوشانده، که بر این وجود بی تاب، و این استخوان های کهنهٔ پوسیده رحمت آری. وجود ناتوانی که توانایی گرمی آفتابت را نـدارد، چگونه تـاب گرمی آتشت را دارد؟! و قـدرت شـنیدن خروش رعـدت را نـدارد، چگونه توان شـنیدن فریـاد خشمت را دارد؟!

خدایا! به من رحم کن؛ زیرا که من فردی حقیر و قـدر و منزلتم ناچیز است، و عـذاب کردن من چیزی نیست که به مقدار ذرّه ای در پادشـاهی و فرمـانروایی‌ت بیفزایـد، و اگر عـذابم بر پادشـاهیت می افزود، صـبر و شـکیبایی بر آن را از تو درخواست می کردم، و دوست داشـتم که این فزونی برای تو باشد؛ امّا خدایا! سلطنتت بزرگ تر و پادشاهیت باداوم تر از آن است که طاعت مطیعان بر آن بیفزایـد، یا معصـیت گناهکاران از آن بکاهـد؛ پس به من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان! و از من گذشـت کن، ای صاحب جلال و اکرام! و توبه ام را بپذیر که تو بسیار توبه پذیر مهربانی.

دعای ۵۱ تضرّع و زاری

خدایا! تو را سپاس می گزارم، و تو شایسـتهٔ سپاسی. سپاس در برابر احسـان نیکویت به من. و فراوانی نعمت هـایت بر من، و عطای بزرگت نزد من. سپاس بر رحمتت که به سبب آن مرا برتری بخشیدی، و بر نعمتت که بر من سرشار و فراوان فرمودی، بـه انـدازه ای بـه مـن خـوبی کردی کـه سپاس و شـکرم از آن عـاجز است، و اگر احسـانت نسـبت به من نبـود، و نعمت هـای سرشارت در سرزمین زندگی من نمی ریخت، نمی توانستم نصیب خود را از آن به دست آورم، و وجودم را اصلاح کنم.

این تو بودی که بی مقدمه، احسانت را نسبت به من آغاز کردی و کفایت و بی نیازی در تمام کارهایم را روزی من کردی، و رنج و زحمت بلا را از من گرداندی، و قضای دهشت زا را از من منع کردی.

خدای من! چه بسیار بلای جانکاه که از من گردانـدی، و چه بسیار نعمت فراوانی که دیـده ام را به آن روشن ساختی، و چه بسیار خوبی های ارجمندی که از ناحیهٔ تو نزد من است!!

تویی که به وقت ناچاری و درمانـدگی، دعایم را اجابت کردی و به وقت افتادن در مهلکـهٔ گناه، از لغزشم گـذشتی، و حقوق مرا که دشمنان به زور و ستم

ص:۳۰۶

از من ربوده بودند، بازستاندی.

خدای من! هنگامی که در پیشگاهت به گدایی برخاستم، تو را بخیل نیافتم، و زمانی که آهنگ تو کردم، منقبض و گرفته ات ندیدم؛ بلکه تو را شنوندهٔ دعایم، و عطا کنندهٔ خواسته هایم یافتم، و نعمت هایت را در هر حالی از حالاتم و هر زمانی از زمان هایم، بر خود سرشار و کامل مشاهده کردم. تو نزد من ستوده ای، و خوبیت نزد من مورد سپاس و شکر است. جان و زبان و عقل من تو را می ستایند؛ ستایشی که بر عرصهٔ کمال و حقیقت شکر برسد؛ ستایشی که در قلّهٔ نهایت خشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشمت نجات ده.

ای پناه من در زمانی که راه های گوناگون و بی ربط مرا خسته می کند و به زحمت می اندازد. ای گذشت کننده از لغزش هایم، اگر عیب پوشی تو نبود، از رسوا شدگان بودم، ای توانایی دهندهٔ من به نصرت و یاری، اگر یاری تو نبود از شکست خوردگان بودم. ای که پادشاهان یوغ ذلّت و خواری را در پیشگاهش به گردن نهاده اند، و از عذاب ها و عقاب هایشان ترسانند! ای اهل تقوا! ای که نام های نیکو برای اوست! از تو می خواهم که از من بگذری و مرا بیامرزی.

بی گناه نیستم تا معذور باشم. نیرومند نیستم، تا پیروزی به دست آورم.

گریزگاهی ندارم، تا بگریزم. گذشت از لغزش هایم را از تو می خواهم؛ از گناهانی که مرا به ذلّت و خواری نشانده و سراپایم را گرفته و به عرصهٔ هلاکت در آورده، بیزاری می جویم.

پروردگارم! از تمام گناهانم در حال توبه و انابه به جانب تو گریختم؛ پس توبه ام را بپذیر.

پناهنده ام! پناهم ده. امان می خواهم، واگذارم نکن. گدایم، محرومم مفرما.

دست به دامانم، رهایم مکن. خواهنده ام، نومیدم برمگردان.

ای پروردگارم! در حالی که مسکین، درمانده، هراسناک، بیمناک، ترسناک،

تهیدست، و مضطّر به درگاه توام، تو را می خوانم.

ای خدای من! از ناتوانی وجودم، نمی توانم نسبت به آنچه به دوستانت وعده دادی شتاب ورزم، و از آنچه دشمنانت را از آن برحذر داشتی، دوری کنم، و از اندوه زیادم و وسوسهٔ نفسم، به تو شکایت می کنم.

خدای من! به خاطر زشتی باطنم رسوایم مکن، و به گناهم هلاکم مساز. تو را می خوانم و تو مرا اجابت می کنی؛ گر چه هنگامی که تو مرا می خوانی، در اجابتت کندی می کنم.

هر حاجتی که دارم، از تو می طلبم و هر کجا و در هر موقعیّتی که باشم، رازم را به تو می سپارم. غیر تو کسی را نمی خوانم، و به احدی جز تو امید ندارم.

لبّیک؛ لبّیک؛ شکایت کسی را که به درگاهت شکایت کند می شنوی، و به آن که به حضرتت اعتماد کند رو می کنی، و هر که به دامان رحمتت در آویزد، از ناراحتی و رنج خلاصش می کنی، و هر که به تو پناه آورد، غم و اندوهش را بر طرف می کنی.

خدای من! به خاطر کمی شکرم از خیر آخرت و دنیا محرومم مکن و گناهانی که از من خبر داری بیامرز. اگر مرا عذاب کنی، من همان ستمکار، مقصّر، ضایع کننده، گناهکار، کوتاهی کننده، سست رأی، و ساده لوح و کودن نسبت به نصیب و بهرهٔ خویشم و اگر مرا بیامرزی، تو مهربان تری مهربانانی!

ص:۳۱۱

دعای ۵۲ اصرار در درخواست از خدای تعالی

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر او پوشیده نیست! ای خدای من! چگونه بر تو پوشیده باشد، چیزی که خود آفریده ای؟ چگونه آنچه را ساخته ای، از دایرهٔ دانشت بیرون باشد؟ یا چگونه از تو پنهان بماند، آنچه را که تو تدبیرش می کنی؟ یا چگونه می تواند بگریزد، کسی که جز به روزیت زنده نیست؟ یا چگونه نجات پیدا می کند، کسی که در غیر مملکت تو راهی برایش وجود ندارد؟

منزّه و پاکی، ترسنده ترینشان، عامل ترین آنها به طاعت توست، و پست ترین آنها در پیشگاهت، کسی که روزیش را می دهی، و او غیر تو را می پرستد.

منزّه و پاکی، کسی که برایت شریکی انگاشته و پیامبرانت را تکذیب کرده، از سلطنتت نمی کاهد، و کسی که قضایت را ناپسند دارد، قدرت ردّ کردن فرمانت را ندارد، و کسی که تواناییت را تکذیب کند، نمی تواند خود را از قهر و غلبهٔ تو باز دارد، و کسی که غیر تو را بپرستد، از احاطه و تصرّف و عذاب تو در نرود، و هر که لقای تو را ناپسند دارد، در زندگی دنیا ابدی و جاودانه نخواهد ماند.

منزّه و پاکی، چه بزرگ است مرتبه ات، و غالب و قاهر است پادشاهیت، و

شدید است نیرویت، و نافذ است فرمانت.

منزّه و پاکی، فرمان مرگ را بر همـۀ آفریـده هایت ثابت و پابرجا کرده ای، چه آن که تو را به وحدانیت مؤمن شده، یا آن که به حضرتت کافر گشته، همگی طعم مرگ را می چشند، و به سویت باز می گردند.

مبـارک و برتری، خـدایی جز تـو نیسـت، تنهـا و بی شـریکی، بـه تـو ایمـان آوردم، و رسولانـت را تصـدیق کردم، و قرآنت را پذیرفتم، و به هر معبودی جز تو کافر شدم، و از هر که غیر تو را بپرستد، بیزاری جستم.

خـدایا! روز را به شب، و شب را به روز می رسـانم، در حالی که عملم را انـدک می شـمارم، به گناهم معترفم، به خطایم اقرار دارم. من به سبب اسراف بر نفسم از طریق گناه خوارم، عمل زشتم هلاکم کرده، هوسم مرا پست کرده، شهواتم مرا از رحمتت محروم نموده، از تو درخواست می کنم ای مولایم! درخواست کسی که نَفْسش محض آرزوی درازش به پوچی و سرگرمی و بیهوده کاری دچار شده، و بدنش به خاطر نگران نبودن از عذاب و عقاب، و دوری از عبادت و تن پروری، غافل مانده. از این جهت رگ و پی اش در آرامش به سر می برد، و اضطراب و لرزشی ندارد، و دلش به سبب فراوانی نعمت به فتنۀ لذّت مفتون شده، و اندیشه اش نسبت به فرجام کارش اندک است.

از تو درخواست می کنم؛ درخواست کسـی که آرزو بر او چیره شـده و هوی و هوس او را به فتنه انـداخته، و دنیـا بر او مسـلّط گشـته، و مرگ بر سرش سایه انداخته. از تو درخواست می کنم؛ درخواست کسی که گناهانش را بسیار و فراوان شمرده، و به خطایش اعتراف کرده؛ درخواست کسـی که پروردگاری جز تو و سرپرستی غیر تو، و نجات دهنده ای از تو و پناهگاهی از تو جز به سوی تو ندارد.

خدای من! به حق لازم و واجبی که در همۀ آفریده هایت داری، و به نام

ص:۳۱۶

بزرگت که به پیـامبرت دسـتور دادی، تو را به آن تسبیـح کنـد، و به بزرگی ذات کریمت که کهنه نمی شود، و دگرگون نمی گردد، و تغییر حال نمی یابـد، و فانی نمی شود، از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و مرا با بندگیت از هر چیز بی نیاز کنی، و به خاطر ترس از تو، ارتباطم را با دنیا قطع فرمایی، و کرامت و رحمت فراوانت را به من برگردانی.

به سوی تو می گریزم و از تو می ترسم و به تو فریادرسـی می کنم، و تو را امیدوارم و تو را می خوانم و به تو پناه می آورم، و به تـو اعتمـاد می کنم، و از تو یـاری می خواهم، و به تو ایمـان می آورم، و بر تو توکّل می کنم، و بر جود و کرمت تکیه می زنم.

دعای ۵۳ ذلّت به پیشگاه حضرت حق

پروردگارا! گناهم مرا از گفتار باز داشته، و رشتهٔ سخنم به خاطر شدّت شرمندگی از هم گسیخته، بهانه و عذری و دلیل و برهانی برایم نیست. به بلا و مصیبتم که گناهان من است اسیرم، در گرو کردارم رفته ام، سرگردان خطاهای خود هستم، در اراده و آهنگم نسبت به امور سرگردانم، با تمام وجود درمانده ام، خود را در جایگاه خواران گنهکار واداشته ام؛ جایگاه تیره بختانی که بر تو جری شده اند، و وعده ات را سبک شمرده اند.

منزّه و پاکی. با چه جرأت نسبت به روی گردانی از دستورهایت دلیر شدم؟! و با کدام عامل هلاکت، خود را به نابودی انداختم؟!

سقوط و به رو در افتادنم، و لغزش گامم را رحمت آر، و به نادانیم با بردباریت و به بدکرداریم با احسانت به من بازگرد. من به گناهم اقرار دارم و به خطایم اعتراف می کنم. این دست و سر من است که برای قصاص از نفسم آن را به زاری تسلیم می کنم. به پیری و به پایان رسیدن روزگارم، و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی و بیچارگی ام، و کمی تدبیرم رحم کن.

مولای من! هنگامی که اثر و نشانم از دنیا قطع شد و زیر خاک رفتم، و یادم از خاطر آفریده ها محو شد، و هم چون کسی که فراموش شده، در زمرهٔ فراموش

ص:۳۱۸

شدگان قرار گرفتم، به من رحمت آر.

مولای من! هنگامی که چهره و حالم دگرگون شود و بدنم بپوسد و اعضایم از هم بپاشند و پراکنده شوند، و پیوندهایم بگسلد، بر من ترحّم فرما.

ای وای بر بی خبری من نسبت به آنچه که در برزخ و قیامت و کنار میزان و صراط از من خواسته می شود!

مولای من! مرا در برانگیختن و زنده شدنم رحم کن، و در آن روز جایگاهم را با اولیایت، و محل برآمدن و حرکتم را در میان عاشقانت، و مسکنم را در جوارت قرار ده ای پروردگار جهانیان!.

دعای ۵۴ درخواست از حق جهت دور گرداندن اندوه�ها

ای زاینده اندوه و برطرف کنندهٔ غم! ای رحمان دنیا و آخرت و مهربان هر دو جهان! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و اندوه مرا بزدای، و غمم را برطرف کن.

ای یگانه! ای یکتا! ای بی نیاز! ای کسی که نزاده و زاده نشده و احدی برای او همتا نیست! حفظم کن و پاکم فرما، و مصیبت و بلایم را از میان ببر - «در این قسمت از دعا آیه الکرسی و سورهٔ فلق و ناس و قل هو اللّه احد را بخوان و بگو:» - خدایا! از تو درخواست می کنم؛ درخواست کسی که نیازش شدید، و نیرویش ضعیف و گناهانش زیاد شده، درخواست کسی که برای نیازمندیش فریاد رسی، و برای ناتوانیش نیرو دهنده ای، و برای گناهش آمرزنده ای، غیر تو نمی یابد.

ای صاحب جلال و اکرام! عملی را از تو درخواست می کنم که هر کس آن را انجام دهد، به خاطر آن دوستش داری و یقینی را می خواهم که به سبب آن کسی را سود می دهی که در مسیر جریان فرمان و اراده ات به وسیلهٔ آن یقین، حق الیقین را به دست آورد.

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و جان مرا بر پایهٔ صدق در نیّت و

عمل و اخلاق قبض کن، و نیازم را از دنیا بگسل و رغبتم را در آنچه نزد توست، در حالی که مشتاق لقایت باشم، قرار ده و صدق توکّل بر وجود مبارکت را به من ببخش. از تو بهترین سرنوشتی که مقدر شده درخواست می کنم، و از بدترین سرنوشتی که مقدر شده به تو پناه می آورم. ترس بندگان را از مقامت و بندگی فروتنان را برایت، و یقین توکّل کنندگان را بر وجودت، و توکّل مؤمنان را بر حضرتت از تو درخواست دارم.

خدایا! رغبتم را در خواسته هایم مانند رغبت عاشقانت در خواسته هایشان، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده، و مرا در عرصۀ خشنودیت به کار و عملی به کارگیر، که با آن چیزی از دینت را به خاطر ترس از کسی از آفریده هایت رها نکنم.

خدایا! این است حاجت من، رغبت و میلم را در آن بزرگ کن، و عذرم را در آن آشکار فرما، و حجّتم را در آن بر زبانم گذار، و جسمم را در آن سلامت بخش.

خدایا! کسانی صبح می کنند در حالی که به غیر تو اعتماد و امید دارند؛ ولی من صبح کردم در حالی که در تمام امورم اعتماد و امیدم تویی. برای من به آنچه سرانجامش از همه بهتر است حکم فرما، و از فتنه های گمراه کننده نجاتم ده، به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان! و درود خدا بر سرور ما محمد، فرستادۀ برگزیده خدا و اهل بیت پاکش.

ص:۳۲۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹